

راهنمای استفاده از کتاب

برای کسب بهترین نتیجه در امتحانات مدرسه گام‌های زیر را به ترتیب برای هر فصل طی کنید.

فیلم آموزشی

۱. برای استفاده از فیلم‌های آموزشی هر درس QR-Code های صفحه بعد را اسکن کنید.
۲. در هر درس مطالب کتاب درسی به طور کامل تدریس شده است.

گام

اول

درسنامه آموزشی

۱. ترجمه کلمه به کلمه و روان متن درس
۲. ارائه واژگان درس به همراه مترادف، متضاد و جمع مکسر از متن درس و تمرین‌ها
۳. آموزش کامل قواعد هر درس براساس چارچوب کتاب درسی به همراه مثال
۴. ارائه قواعد تکمیلی با عنوان «ویژه علاقمندان» برای دانش‌آموزان علاقمند که مطالعه آن‌ها برای امتحانات ضروری نیست.
۵. ارائه سؤالات تشریحی و تستی به همراه پاسخ در آموزش قواعد
۶. ارائه مکالمه و پاسخ به تمرینات کتاب درسی به همراه ترجمه کلیه تمرین‌ها

گام

دوم

پرسش‌های تشریحی

۱. ارائه سؤالات امتحانی در تیپ‌های مختلف
۲. ارائه پاسخ تشریحی به سؤالات
۳. ارائه یک نمونه امتحان نوبت اول و دو نمونه نوبت دوم منطبق بر استاندارد آموزش و پرورش با پاسخ تشریحی

گام

سوم

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱. ارائه تست‌های متنوع در چهار بخش واژگان، ترجمه و مفهوم، درک مطلب و قواعد
۲. ارائه پاسخ تشریحی به کلیه تست‌ها
۳. ارائه تست‌های کنکور مطابق با کتاب درسی جدید در انتهای هر درس به همراه پاسخ تشریحی

گام

چهارم

درسنامه آموزشی

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

۹

مَوَاعِظُ قِيَمَةٍ + اِسْمُ التَّفْضِيلِ + اِسْمُ الْمَكَانِ + حِوَارٌ (في سوقٍ مَشْهَدٍ)

الدَّرْسُ الثَّانِي

۲۳

صِنَاعَةُ التَّلْمِيْعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ + اِسْمُ الْفَاعِلِ وَ اِسْمُ الْمَفْعُولِ وَ اِسْمُ الْمُبَالِغَةِ

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

۳۳

عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ + اُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ اَدَوَاتُهُ + حِوَارٌ (في الْمَلْعَبِ الرِّیَاضِيِّ)

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

۴۵

تَأْثِيرُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ + الْمَعْرِفَةُ وَ النَّكِرَةُ + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۱)

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

۶۱

الْصَّدْقُ + الْجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكِرَةِ + حِوَارٌ (شِرَاءُ شَرِيحَةِ الْهَاتِفِ الْجَوَالِ)

الدَّرْسُ السَّادِسُ

۷۱

اِرْحَمُوا ثَلَاثًا + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۲)

الدَّرْسُ السَّابِعُ

۸۳

لَا تَقْنَطُوا + مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

۹۷

مَوَاعِظُ قِيَمَةٍ + اِسْمُ التَّفْضِيلِ + اِسْمُ الْمَكَانِ + حِوَارٌ (في سوقٍ مَشْهَدٍ)

الدَّرْسُ الثَّانِي

۱۱۷

صِنَاعَةُ التَّلْمِيْعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ + اِسْمُ الْفَاعِلِ وَ اِسْمُ الْمَفْعُولِ وَ اِسْمُ الْمُبَالِغَةِ

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

۱۳۵

عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ + اُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ اَدَوَاتُهُ + حِوَارٌ (في الْمَلْعَبِ الرِّیَاضِيِّ)

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

۱۵۸

تَأْثِيرُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ + الْمَعْرِفَةُ وَ النَّكِرَةُ + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۱)

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

۱۸۳

الْصَّدْقُ + الْجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكِرَةِ + حِوَارٌ (شِرَاءُ شَرِيحَةِ الْهَاتِفِ الْجَوَالِ)

الدَّرْسُ السَّادِسُ

۲۰۳

اِرْحَمُوا ثَلَاثًا + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۲)

الدَّرْسُ السَّابِعُ

۲۲۳

لَا تَقْنَطُوا + مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ

FILM

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

11 min	إختبر نفسك	18 min	ترجمه
30 min	تمارين	30 min	قواعد
		7 min	إعلموا

الدَّرْسُ الثَّانِي

6 min	إختبر نفسك	20 min	ترجمه
20 min	تمارين	26 min	قواعد
		3 min	إعلموا

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

8 min	إختبر نفسك	22 min	ترجمه
20 min	تمارين	20 min	قواعد
		5 min	إعلموا

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

8 min	إختبر نفسك	16 min	ترجمه
20 min	تمارين	35 min	قواعد
		3 min	إعلموا

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

8 min	إختبر نفسك	20 min	ترجمه
24 min	تمارين	24 min	قواعد
		5 min	إعلموا

الدَّرْسُ السَّادِسُ

9 min	إختبر نفسك	16 min	ترجمه
26 min	تمارين	28 min	قواعد
		3 min	إعلموا

الدَّرْسُ السَّابِعُ

9 min	إختبر نفسك	15 min	ترجمه
37 min	تمارين	45 min	قواعد
		5 min	إعلموا

پرسش‌های تشریحی

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

۲۴۱ مَوَاعِظُ قِيَمَةٌ + اِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اِسْمُ الْمَكَانِ + حِوَارٌ (في سوقٍ مَشْهَدٍ)

الدَّرْسُ الثَّانِي

۲۴۷ صِنَاعَةُ التَّلْمِيعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ + اِسْمُ الْفَاعِلِ وَ اِسْمُ الْمَفْعُولِ وَ اِسْمُ الْمُبَالَغَةِ

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

۲۵۲ عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ + اُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ اَدَوَاتُهُ + حِوَارٌ (في الْمَلْعَبِ الرَّيَاضِيِّ)

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

۲۵۸ تَأْثِيرُ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ + الْمَعْرِفَةُ وَ النَّكِرَةُ + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۱)

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

۲۶۵ اَلصَّدُقُ + اَلْجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكِرَةِ + حِوَارٌ (شِرَاءُ شَرِيحَةِ الْهَاتِفِ الْجَوَالِ)

الدَّرْسُ السَّادِسُ

۲۷۱ اِرْحَمُوا ثَلَاثًا + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۲)

الدَّرْسُ السَّابِعُ

۲۷۷ لَا تَقْنَطُوا + مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ

۲۸۳ **أَزْمُون (۱): امتحان میان سال**

۲۸۷ **أَزْمُون (۲): امتحان میان سال**

۲۹۲ **أَزْمُون (۳): امتحان پایان سال**

۲۹۶ **أَزْمُون (۴): امتحان پایان سال**

ترجمه کلمه به کلمه و روان متن

﴿مَوَاعِظٌ قَيِّمَةٌ﴾ (پندهایی ارزشمند)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُحِبُّ	الْأَبَاءَ	وَ	الْأُمَّهَاتِ	زَوْيَةً	أَوْلَادِهِمْ	فِي	أَحْسَنِ	حَالٍ
دوست دارد	پدران	و	مادران	دیدن	فرزندانشان	در	بهترین	حال

پدران و مادران دوست دارند فرزندان شان را در بهترین حال ببینند، (پدران و مادران دیدن فرزندان شان را در بهترین حال دوست دارند)

وَ	لِذَلِكَ	يُرْشِدُونَهُمْ	دَائِمًا	إِلَى	الْصِّفَاتِ	الطَّيِّبَةِ	وَ	الْأَعْمَالِ	الصَّالِحَةِ
و	برای آن	راهنمایی می کنند آن ها را	همیشه	به	صفت ها	خوب	و	کارها	شایسته

و به خاطر آن (به خاطر همین) همیشه آنان را به صفتهای خوب و کارهای شایسته راهنمایی می کنند،

كَأَلْأَخْلَاقِ	الْحَسَنَةِ	وَ	تَعْلَمُ	الْعُلُومِ	وَ	الْمَهَارَاتِ	وَ	الْفُنُونِ	النَّافِعَةِ
مانند اخلاق	نیک	و	یاد گرفتن	دانش ها	و	مهارت ها	و	هنرها	مفید

مانند اخلاق نیک و یادگیری دانش ها و مهارت ها و هنرهای مفید،

وَ	الْإِيْتِاعِدِ	عَنِ	الْأَرَاذِلِ	وَ	التَّقَرُّبِ	إِلَى	الْأَفْضَلِ	وَ	الْإِهْتِمَامِ	بِالزِّيَاضَةِ	وَ	مُطَالَعَةِ	الْكِتَابِ
و	دور شدن	از	فرومایگان	و	نزدیک شدن	به	شایستگان	و	توجه	به ورزش	و	مطالعه	کتاب ها

و دور شدن از فرومایگان و نزدیک شدن به شایستگان و توجه به ورزش و مطالعه کتاب ها،

وَ	اِحْتِرَامِ	الْقَانُونِ	وَ	الْاِقْتِصَادِ	فِي	اِسْتِهْلَاكِ	الْمَاءِ	وَ	الْكِبَرَاءِ
و	احترام گذاشتن	قانون	و	صرفه جویی	در	مصرف کردن	آب	و	برق

و احترام به قانون و صرفه جویی در مصرف آب و برق،

وَ	حُسْنِ	التَّغْذِيَةِ	وَ	غَيْرِ	ذَلِكَ	مِنْ	الْصِّفَاتِ	وَ	الْأَعْمَالِ ...
و	خوب	تغذیه	و	به جز	آن	از	صفت ها	و	کارها

و تغذیه خوب (خوب خوردن) و به جز آن از صفتهای و کارها ... [ی دیگر راهنمایی می کنند].

وَ	فِي	الْقُرْآنِ	الْكَرِيمِ	تَرَى	«لَقَمَانَ الْحَكِيمِ»	يُقَدِّمُ	لِيْنِهِ	مَوَاعِظَ	قَيِّمَةً
و	در	قرآن	کریم	می بینیم	لقمان حکیم	تقدیم می کند	به پسرش	پندها	ارزشمند

و در قرآن کریم «لقمان حکیم» را می بینیم که به پسرش پندهایی ارزشمند را تقدیم می کند،

وَ	هَذَا	نَمُودَجْ	تَرْبَوِيٍّ	لِيَهْتَدِيَ	بِهِ	كُلُّ	الشَّبَابِ	فَقَدْ جَاءَ	فِي	الْقُرْآنِ	الْكَرِيمِ
و	این	نمونه	پرورشی	تا راهنمایی شود	به آن	همه	جوانان	پس آمده است	در	قرآن	کریم

و این نمونه ای پرورشی است تا همه جوانان با آن راهنمایی شوند. پس در قرآن کریم آمده است:

﴿يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ﴾
ای پسرکم برپای دار نماز و دستور بده به کار نیک و بازدار از کار زشت و صبر کن بر آنچه تو را دچار کرد (بر تو وارد آمد)

ای پسرکم نماز را برپای دار و به کار نیک دستور بده و از کار زشت بازدار و بر آنچه تو را دچار کرد، صبر کن. (و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است، شکیبایی کن.)

إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا
به درستی که آن از کارهای مهم و با تکبر برنگردان (گونه ات، رویت برای مردم و راه نرو در زمین شادمانه و با ناز و خودپسندی

به درستی که آن از کارهای مهم است و با تکبر رویت (گونه ات) را از مردم برنگردان و در زمین شادمانه و با ناز و خودپسندی راه نرو.

۱. «أَحْسَنَ» بر وزن «أَفْعَلَ» اسم تفضیل است.

۲. «الْأَرَاذِلِ» و «الْأَفْضَلُ» مفرد آن ها به ترتیب «الْأَرَذَلُ» و «الْأَفْضَلُ» اسم تفضیل هستند.

۳. «أَقِمِ» فعل امر از باب إفعال است. (تَقِيمُ ← امر ← أَقِمِ ← أَقِمِ)

۴. «تَنْهَى» فعل امر از «تَنْهَى» است که حرف «يَاء» به نشانه ساکن شدن از آخر آن حذف شده است.

۵. «لَا تَمْشِ» فعل نهی از «تَمْشِي» است که حرف «يَاء» به نشانه ساکن شدن از آخر آن حذف شده است.

إِنَّ	اللَّهَ	لَا يَحِبُّ	كُلَّ	مُخْتَالٍ	فَخَوِرٍ	وَ	أَقْصِدْ	فِي	مَشِيكَ
به درستی که	خدا	دوست ندارد	هر	خودپسند	فخر فروش	و	میان روی کن	در	راه رفتنت

به درستی که خداوند هر خودپسند فخر فروشی را دوست ندارد و در راه رفتنت میان روی کن (میان روی باش)

وَ	أَعْصُ	مِنْ	صَوْتِكَ	إِنَّ	أَنْكَرُ ^۱	الْأَصَوَاتِ	لَصَوْتُ	الْحَمِيرِ ^۲	لُقْمَانُ: ۱۷ تا ۱۹
و	پایین بیاور	از	صدایت	به درستی که	زشت تر	صداها	بی گمان صدا	خران	

و صدایت را پایین بیاور به درستی که زشت ترین صداها بی گمان صدای خران است.

إِنَّ	اللَّهَ	يُحِبُّ	مَنْ	يُحَافِظُ	عَلَى الصَّلَاةِ	فِي	وَقْتِهَا،	فَقَدْ قَالَ	النَّبِيُّ ﷺ:
به درستی که	خدا	دوست دارد	کسی که	نگهداری می کند	بر	نماز	در	زمانش	پس پیامبر ﷺ

به درستی که خداوند کسی را که از نماز در وقتش نگهداری می کند (مراقب نماز اول وقتش باشد) دوست دارد، پس پیامبر ﷺ فرموده است:

«إِنَّ	عَمُودَ	الَّذِينَ	الصَّلَاةِ»
به درستی که	ستون	دین	نماز

«به درستی که (بی گمان) ستون دین نماز است.»

وَ	عَلَيْنَا	أَنْ نَكُونَ	مُشْتَاقِينَ	إِلَى الْأَعْمَالِ	الضَّالِّحَةِ،	وَ	نَاهِينَ	عَنْ	الْمُنْكَرِ،
و	بر ماست	که باشیم	مشتاقان، علاقمندان	به	کارها	شایسته	و	بازدارندگان	از

و ما باید (بر ماست) به کارهای شایسته مشتاق و از کار زشت بازدارنده باشیم،

وَ	صَابِرِينَ	عَلَى	الْمَشَاكِلِ	وَ	الشَّدَائِدِ؛	فَإِنَّ	ذَلِكَ	مِنْ	الْأُمُورِ	الْمُهْمَةِ.
و	صابران	به	مشکلات	و	سختی ها	پس به درستی که	آن	از	کارهای	مهم

و بر مشکلات و سختی ها شکیبا [باشیم]؛ پس به درستی که (بی گمان) آن از کارهای مهم است.

وَ	عَلَيْنَا	أَنْ نَتَوَاضَعَ	أَمَامَ	أَسَاتِدِنَا	وَ	أَصْدِقَائِنَا	وَ	زَمَلَانِنَا	وَ	جِيرَانِنَا	وَ	أَقْرَبَانِنَا	وَ	كُلِّ	مَنْ	حَوْلَنَا؛
و	بر ماست	که فروتنی کنیم	مقابل	استادهایمان	و	دوستانمان	و	هم شاگردی هایمان	و	همسایگانمان	و	خویشاوندانمان	و	همه	کسی که	اطراف ما

و ما باید در مقابل استادهایمان و دوستانمان و هم شاگردی هایمان و همسایگانمان و خویشاوندانمان و تمام کسانی که اطراف ما هستند، فروتنی کنیم؛

فَقَدْ قَالَ الإمامُ الكاظمُ (ع) «الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ، وَ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ»												
پس گفته است	امام کاظم (ع)	حکمت	ماندگار می شود	در	قلب	فروتن	و	ماندگار نمی شود	در	قلب	مغرور، خودخواه	ستمکار زورمند

پس امام کاظم (ع) فرموده است: «حکمت در قلب [انسان] فروتن ماندگار می شود و در قلب [انسان] مغرور (خودخواه) ستمکار زورمند ماندگار نمی شود.»

إِنَّ	اللَّهَ	لَا يَحِبُّ	كُلَّ	مُعْجَبٍ بِنَفْسِهِ.	إِذَنْ	عَلَيْنَا	أَنْ	لَا تَتَكَبَّرَ	عَلَى	الْآخَرِينَ؛ ^۲
به درستی که	خدا	دوست ندارد	هر	خودپسند	بنابر این	بر ماست	که	تکبر نورزیم، خودبزرگ بین نباشیم	به	دیگران

به درستی که (بی گمان) خداوند هر (هیچ) خودپسندی را دوست ندارد؛ بنابراین نباید نسبت به دیگران تکبر ورزیم (خودبزرگ بین باشیم)؛

فَإِنَّ	اللَّهَ	لَا يَحِبُّ	الْمُتَكَبِّرِينَ،	وَ	عَلَيْنَا	أَنْ	لَا نَرْفَعَ	أَصَوَاتِنَا	فَوْقَ	صَوْتِ الْمُخَاطَبِ؛
پس بی گمان	خدا	دوست نمی دارد	خودبزرگ بینان	و	بر ماست	که	بالا نبریم	صداهایمان	بالا	صدا

پس بی گمان خدا خودبزرگ بینان را دوست نمی دارد، و ما نباید صداهایمان را بر صدای مخاطب بلند کنیم (بالا ببریم)؛

فَقَدْ شَبَّهَ	اللَّهَ	كَلَامَ	مَنْ	يَرْفَعُ	صَوْتَهُ	دُونَ	دَلِيلٍ	مَنْطِقِيٍّ	بِصَوْتِ	الْجَمَارِ.
پس تشبیه کرده است	خدا	سخن	کسی که	بالا می برد	صدایش	بدون	دلیل	منطقی	به صدای	خر

پس خداوند سخن کسی را که بدون دلیلی منطقی صدایش را بالا می برد به صدای خر تشبیه کرده است.

۱. «أَنْكَرُ» اسم تفضیل است.

۲. «الْآخَرِينَ»، مفرد آن «الْآخَرُ» در اصل بر وزن «أَفْعَل» و به صورت «الْآخَرُ» بوده و اسم تفضیل است.

واژگان

۱۲

آموزش | درس اول

إِذَنْ: بنابراین إِسْتِهْلَاك: مصرف کردن (اِسْتِهْلَاكٌ، يَسْتِهْلِكُ) أَغْضَضُ مِنْ صَوْلَتِكَ: صدایت را پایین بیاور (غَضَّ، يَغْضُ) إِقْصِدْ: میانه روی کن (قَصَدَ، يَقْصِدُ) أَقِمْ: برپای دار «أَقِمِ الصَّلَاةَ: نماز را برپای دار» (أَقَامَ، يَقِيمُ) إِفْتِصَاد: صرفه جویی (اِفْتَصَدَ، يَفْتَصِدُ) أَنْكَرَ: زشت تر، زشت ترین = أَفْجَح إِنَّهُ: بازدار ← (نَهَى، يَنْهَى) أَوْمَرُ: دستور بده (وُ + أَوْمَرُ = وَ أَمْرٌ) أَهْدَى: هدیه کرد تَخْفِيفُ: تخفیف تَرْبُويَ: پرورشی، تربیتی تُرْضِي: خشنود می کنی (أَرْضَى، يُرْضِي) تُعَاقِبُ: کیفر می دهی (ماضی مجهول: عُوْقِبَ: کیفر شد) تَعَمَّرَ: عمر می کند، در این جا یعنی ماندگار می شود (عَمَرَ، يَعْمَرُ) جَادِلْ: بحث کن، ستیز کن، مجادله کن جَبَّار: ستمکار زورمند «صفت خدا به معنای توانمند»	حَسَنَتْ: نیکو گردانیدی حَمِير: خرها (مفرد: حِمَار) حَيَّ: بشتاب حَدَّ: گونه دَغ: رها کن (وَدَعَ، يَدَعُ) زَمِيل: همکار، هم شاگردی سَاءَ: بد شد (مضارع: يسوءُ) سِعَر: قیمت = ثَمَن الْشَّاتِم: دشنام دهنده سَبَّه: تشبیه کرد (مضارع: يُسَبِّه) الضَّمَت: خاموشی، دم فرو بستن صَلَّ: گمراه شد عَذَبَ: عذاب داد عَزَمُ الْأُمُور: کارهای مهم عَلَبَتْ: چیره شد فَخُور: فخر فروش ≠ مَتَوَاضِع فُنُون: هنرها (مفرد: فَن) الْفَلَق: سپیده دم قِيمَ: ارزشمند لَ: بی گمان (حرف تأکید) لَا تُصَغِّرْ حَدَّكَ: با تکبر رویست را برنگردان (مضارع: يُصَغِّرُ) لَا تَمُشِ: راه نرو (ماضی: مَشَى / مضارع: يَمْشِي)	لَا تَمَمَّ: تا کامل کنم (تَمَمَّ، يُتَمَمُّ) لِيَهْتَدِيَ: تا راهنمایی شود (ماضی: اِهْتَدَى) ما يَلِي: آن چه می آید مَنْجَر: مغازه مُخْتَال: خودپسند = مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ مَرَحًا: شادمانه و با ناز و خودپسندی مَشَى: راه رفتن مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ: خودپسند ← إِعْجَابٌ بِنَفْسِهِ خودپسندی مُنْكَر: کار زشت الْمُهَان: خوار مَهْلًا: آرام باش مَيَّزَ: جدا و سوا کرد (مضارع: يُمَيِّزُ / امر: مَيِّزْ) مِيزَان: ترازو (ترازوی اعمال) (جمع: مَوَازِين) ناهي، ناهي: بازدارنده (جمع: ناهون، ناهين و نُهاة) نَتَمَتَّى: آرزو می کنيم نَسْتَوْدِعُ: می سپاريم نَلْتَقِي: دیدار می کنیم نَمُوذَجَ: نمونه (جمع: نَمَازِج) نَوَعِيَّة: جنس يُسَخِّطُ: خشمگین می کند (ماضی: أَسَخَطَ) يُقَدِّمُ: تقدیم می کند، پیش می فرستد (ماضی: قَدَّمَ)
---	--	---

فَوْق = عَلَى بر، روی، بالای	إِذَنْ = إِذَا بنابراین	مُتَكَبِّر = مُخْتَال = مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ = فَخُور خودپسند، فخر فروش	إِهْتَدَى = أَرشَد راهنمایی کرد	أَنْكَرَ = أَفْجَح زشت تر، زشت ترین	مترادف
حَيَّ = إِسْرَع بشتاب	أَعْمَال = أُمُور کارها	مَنْجَر = دُكَّان مغازه	أَحْسَن = أَفْضَل، أَطْيَب، خَيْر بهتر، بهترین	مَوَاعِظ = نَصَائِح پندها، نصیحت ها	
عَلَبَ = نَجَحَ = فَازَ = اِنْتَصَرَ چیره شد، پیروز شد	حَدَّ = وَجْه = سِيْمَا گونه، چهره، رُخسار	قِيمَ = غَالِي ارزشمند	ناهي = مانع بازدارنده	مَشَى = سَيَّر راه رفتن	

فَخُور (مَتَكَبِّر) ≠ متواضع فخر فروش، خودبین ≠ فروتن	أَغْضُضُ ≠ إزْفَع پایین بیاور ≠ بالا ببر	إِسْتِهْلَاكُ ≠ إقْتِصَادُ مصرف کردن ≠ صرفه جویی	إِنَّهٗ ≠ أَوْمَرُ بازدار ≠ دستور بده	غَالِيَةٌ ≠ رَخِيصَةٌ گران ≠ ارزان
إِهْتَدَى ≠ ضَلَّ راهنمایی شد ≠ گمراه شد	مُخَاطَبٌ ≠ مُتَكَلِّمٌ مخاطب ≠ گوینده	آبَاءُ ≠ أُمَّهَاتُ پدران ≠ مادران	أَرَادِلُ ≠ أَفَاضِلُ فرمایگان ≠ شایستگان	مَعْرُوفٌ ≠ مُنْكَرٌ کار خوب ≠ کار زشت
أَمَانَةٌ ≠ خِيَانَةٌ امانت ≠ خیانت	أَبْيَضٌ ≠ أَسْوَدُ سفید ≠ سیاه	أَعْدَاءُ ≠ أَصْدِقَاءُ دشمنان ≠ دوستان	عَدَاوَةٌ ≠ صَدَاقَةٌ دشمنی ≠ دوستی	إِبْتِعَادٌ عَنِ ≠ اقْتِرَابٌ مِنْ، تَقَرُّبٌ إِلَى دور شدن از ≠ نزدیک شدن به
عِبَادٌ ← عَبْدٌ بنده	مَوَاعِظُ ← مَوْعِظَةٌ پند	آبَاءُ ← أَبٌ پدر	أَوْلَادٌ ← وَلَدٌ فرزند، پسر	أَعْمَالٌ ← عَمَلٌ کار
أَخْلَاقٌ ← خُلُقٌ خوی، اخلاق	عُلُومٌ ← عِلْمٌ دانش	فُنُونٌ ← فَنٌّ هنر	أَرَادِلُ ← أَرْدَلٌ فرومایه	أَفَاضِلُ ← أَفْضَلُ شایسته
كُتُبٌ ← كِتَابٌ کتاب	شَبَابٌ ← شَابٌ جوان	شَدَائِدٌ ← شَدِيدَةٌ گرفتاری، سختی	أَسَاتِذَةٌ ← أَسْتَاذٌ استاد	أَصْدِقَاءُ ← صَدِيقٌ دوست
زُمَلَاءُ ← زَمِيلٌ هم‌شاگردی، همکار	جِيرَانٌ ← جَارٌ همسایه	أَقْرِبَاءُ ← قَرِيبٌ خویشاوند	نَمَازِجٌ ← نَمُوذَجٌ نمونه	إِخْوَانٌ ← أَخٌ برادر
عُيُوبٌ ← عَيْبٌ عیب	بَهَائِمٌ ← بَهِيمَةٌ چارپا	مَلَاعِبٌ ← مَلْعَبٌ ورزشگاه، زمین بازی	مَطَاعِمٌ ← مَطْعَمٌ رستوران	مَنَازِلٌ ← مَنَزِلٌ خانه
فَسَاتِينٌ ← فُسْتَانٌ پیراهن زنانه	سِرَاوِيلٌ ← سِرْوَالٌ شلوار	أَسْعَارٌ ← سِعْرٌ قیمت	مَكَارِمٌ ← مَكْرَمَةٌ کرامت، بزرگواری	مَصَادِرٌ ← مَصْدَرٌ مصدر، منبع
نَهَاةٌ ← نَاهِيٌ بازدارنده	حَمِيرٌ ← حِمَارٌ خر	أَفْعَالٌ ← فِعْلٌ فعل	نُصُوصٌ ← نَصٌّ متن	أَقْرِبَاءُ ← قَرِيبٌ نزدیک، خویشاوند

□ عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. (درست و غلط را بر اساس متن درس مشخص کن.) ✓ ✗

- ✓ ۱- يَجِبُ أَنْ لَا تَرْفَعَ أَصْوَاتَنَا فَوْقَ صَوْتِ مَنْ نَتَكَلَّمُ مَعَهُ. (نباید صداهايمان را بر صدای کسی که با او صحبت می‌کنیم، بالا ببریم.)
- ✓ ۲- عَلَيْنَا أَنْ نَحَافِظَ عَلَىٰ أَدَاءِ الصَّلَاةِ فِي وَقْتِهَا. (ما باید به ادای نماز در زمانش نگهداری کنیم. (نماز را در وقتش بخوانیم))
- ✓ ۳- قَدَّمَ لِقَمَانُ الْحَكِيمِ لِابْنِهِ مَوَاعِظَ قِيَمَةٍ. (لقمان حکیم پندهایی ارزشمند را به فرزندش (پسرش) تقدیم کرد.)
- ✗ ۴- لَا تَغْمُرُ الْحِكْمَةُ فِي قَلْبِ الْمَتَوَاضِعِ. (حکمت در قلب [انسان] فروتن ماندگار نمی‌شود.)
- ✗ ۵- الْإِعْجَابُ بِالنَّفْسِ عَمَلٌ مَقْبُولٌ. (خودپسندی کاری پذیرفته‌شده است.)

قواعد

اسم التفضیل و اسم المکان

اسم تفضیل

❖ اسمی است که برتری کسی بر کسی دیگر یا برتری چیزی بر چیزی دیگر را بیان می‌کند.

اسم تفضیل، ریشه فعلی دارد؛ مذکر آن بر وزن «أَفْعَل» و مؤنث آن بر وزن «فَعْلَى» است و معادل «صَفَتِ برتر» و «صَفَتِ برترین (عالی)» در فارسی است؛

مثال

- صَغَرَ: کوچک شد ← أَصَغَرَ (مؤنث آن «صَغَرَى»): کوچک‌تر، کوچک‌ترین
كَبُرَ: بزرگ شد ← أَكْبَرَ (مؤنث آن «كَبُرَى»): بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین
حَسَنَ: خوب شد ← أَحْسَنَ (مؤنث آن «حَسَنَى»): خوب‌تر یا بهتر یا نیکوتر، خوب‌ترین یا بهترین یا نیکوترین
قَرَّبَ: نزدیک شد ← أَقْرَبَ (مؤنث آن «قَرَّبَى»): نزدیک‌تر، نزدیک‌ترین
فَضَّلَ: برتری یافت ← أَفْضَلَ (مؤنث آن «فَضَّلَى»): برتر، برترین

تست ۱ عَيْنِ مَا لَيْسَ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

(۴) أَجْمَلَ

(۳) أَكْرَمَ

(۲) أَكَلَ

(۱) أَنْفَعَ

پاسخ اسم‌های «أَنْفَعَ: سودمندتر، سودمندترین - أَكْرَمَ: گرامی‌تر، گرامی‌ترین - أَجْمَلَ: زیباتر، زیباترین» همگی بر وزن «أَفْعَل» و اسم تفضیل هستند ولی «أَكَلَ: خورد» فعل ماضی است، بنابراین پاسخ تست گزینه (۲) است.

تست ۲ أَيُّ الْأَسْمَاءِ كُلُّهَا اسْمُ تَفْضِيلٍ:

(۲) أَشَجَّعَ - عَفَّارَ - أَرْحَمَ

(۴) أَرْفَعَ - رَاجِمَ - أَعْلَمَ

(۱) أَصْغَرَ - أَطْهَرَ - مَحْكُومَ

(۳) أَسْمَعَ - عَظَّمَى - أَصْلَحَ

پاسخ در گزینه (۱) «مَحْكُوم: حکم داده شده» بر وزن «مَفْعُول» و اسم مفعول است و «أَصْغَرَ: کوچک‌تر، کوچک‌ترین - أَطْهَرَ: پاک‌تر، پاک‌ترین» اسم تفضیل هستند؛ و در گزینه (۲) «عَفَّار: بسیار آمرزنده» بر وزن «فَعَّال» و اسم مبالغه است و «أَشَجَّعَ: شجاع‌تر، شجاع‌ترین - أَرْحَمَ: مهربان‌تر، مهربان‌ترین» اسم تفضیل هستند. در گزینه (۳) «أَسْمَعَ: شنواتر، شنواترین - عَظَّمَى: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین - أَصْلَحَ: درست‌کارتر، درست‌کارترین» تمامی اسم‌ها بر وزن «أَفْعَل، فَعْلَى» و اسم تفضیل هستند. در گزینه (۴) «رَاجِم: رحم‌کننده» بر وزن «فَاعِل» و اسم فاعل است و «أَرْفَعَ: بلندتر، بلندترین - أَعْلَمَ: داناتر، داناترین» اسم تفضیل هستند، بنابراین پاسخ تست گزینه (۳) است.

❖ اکنون به ترجمه اسم تفضیل در جمله‌های زیر دقت کنید:

- آسیا أَكْبَرُ مِنْ أوروپا. ← آسیا بزرگ‌تر از اروپا است.
آسیا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ. ← آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.
آسیا أَكْبَرُ قَارَةٍ فِي الْعَالَمِ. ← آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.
جَبَلٌ دِمَاوَنْدٌ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا. ← کوه دماوند بلندتر از کوه دنا است.
جَبَلٌ دِمَاوَنْدٌ أَعْلَى جِبَالِ إِيْرَانِ. ← کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است.
جَبَلٌ دِمَاوَنْدٌ أَعْلَى جَبَلٍ فِي إِيْرَانِ. ← کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.
أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ. ← برترین مردم سودمندترینشان برای مردم است.

همان‌گونه که در جملات بالا می‌بینید،

اگر حرف جرّ «مِنْ» بیاید، اسم تفضیل به شکل صفت برتر و با پسوند «تر» ترجمه می‌شود.

مثال هَذَا أَكْبَرُ مِنْ ذَلِكَ. ← این بزرگ‌تر از آن است.

اگر مضاف‌الیه بیاید، اسم تفضیل به شکل صفت برترین و با پسوند «ترین» ترجمه می‌شود.

مثال سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ. ← سوره بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.

❖ بعد از اسم تفضیل

۱. گاهی اسم تفضیل مؤنث به شکل «فَعْلَا» است. مثال: أَعْلَى ← عَلِيَا: بالاتر، بلندتر

سؤال عَيْنَ تَرْجَمَةِ اسْمِ التَّفْضِيلِ [يَشْكِلُ صِفَةً تَفْضِيلِيَّةً أَوْ صِفَةً عَالِيَةً فِي الْعِبَارَاتِ]. (ترجمه اسم تفضیل را [به شکل صفت برتر یا صفت برترین] در عبارتها مشخص کن.)

- الف) دَرَسٌ عَلِيٌّ أَحْسَنُ مِنْ دَرَسٍ نَاصِرٍ. (ب) يُحِبُّ الْآبَاءُ وَالْأُمَّهَاتُ رُؤْيَةَ أَوْلَادِهِمْ فِي أَحْسَنِ حَالٍ.
ج) عَلِيٌّ أَشْجَعُ مِنْ سَعِيدٍ. (د) هُوَ مِنْ أَشْجَعِ النَّاسِ.
هـ) هَذَا الْقَمِيصُ أَرْخَصُ مِنْ ذَلِكَ الْقَمِيصِ. (و) هَذَا أَرْخَصُ قَمِيصِنَا.

پاسخ الف) أَحْسَنُ: بهتر؛ چون بعد از اسم تفضیل، حرف جرّ (مِنْ) آمده، به شکل صفت تفضیلی با پسوند «تر» ترجمه می‌شود.
ترجمه: «درسی علی بهتر از درسی ناصر است.»

ب) أَحْسَنُ: بهترین؛ چون بعد از اسم تفضیل، مضاف‌الیه (حَالٍ) آمده، به شکل صفت عالی با پسوند «ترین» ترجمه می‌شود.
ترجمه: «پدر و مادرها دوست دارند فرزندانشان را در بهترین حال ببینند.»

ج) أَشْجَعُ: شجاع‌تر؛ چون بعد از اسم تفضیل، حرف جرّ (مِنْ) آمده، به شکل صفت تفضیلی با پسوند «تر» ترجمه می‌شود.
ترجمه: «علی از سعید شجاع‌تر است.»

د) أَشْجَعُ: شجاع‌ترین؛ چون بعد از اسم تفضیل، مضاف‌الیه (النَّاسِ) آمده، به شکل صفت عالی با پسوند «ترین» ترجمه می‌شود.
ترجمه: «او از شجاع‌ترین مردم است.»

هـ) أَرْخَصُ: ارزان‌تر؛ چون بعد از اسم تفضیل، حرف جرّ (مِنْ) آمده، به شکل صفت تفضیلی با پسوند «تر» ترجمه می‌شود.
ترجمه: «این پیراهن مردانه ارزان‌تر از آن پیراهن مردانه است.»

و) أَرْخَصُ: ارزان‌ترین؛ چون بعد از اسم تفضیل، مضاف‌الیه (قَمِيصِ) آمده، به شکل صفت عالی با پسوند «ترین» ترجمه می‌شود.
ترجمه: «این ارزان‌ترین پیراهن ما است.»

تست ۳ عَيْنَ عِبَارَةٍ جَاءَتْ فِيهَا صِفَةٌ عَالِيَةً (صفت برترین):

- (۱) لَيْسَ شَيْءٌ أَجْمَلُ مِنَ الْأَدَبِ! (۲) الْحَرْبَاءُ مِنْ أَعْجَبِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ!
(۳) إِنَّ التَّوَّاضِعَ أَنْفَعُ مِنَ الْعُجْبِ! (۴) مَكْتَبَتِي أَصْغَرُ مِنْ مَكْتَبَةِ صَدِيقِي!

پاسخ در گزینه (۱) بعد از اسم تفضیل «أَجْمَلُ» حرف جرّ «مِنْ» آمده و به شکل صفت تفضیلی (صفت برتر) ترجمه می‌شود. ترجمه عبارت «چیزی زیباتر از ادب نیست!». در گزینه (۲) بعد از اسم تفضیل «أَعْجَبِ» مضاف‌الیه «مَخْلُوقَاتِ» آمده و به شکل صفت عالی یا صفت برترین ترجمه می‌شود: «آفتاب‌پرست از شگفت‌ترین آفریده‌های خداوند است!». در گزینه (۳) بعد از اسم تفضیل «أَنْفَعُ» حرف جرّ «مِنْ» آمده و به شکل صفت تفضیلی (صفت برتر) ترجمه می‌شود. ترجمه عبارت «به راستی فروتنی سودمندتر از خودپسندی است!». در گزینه (۴) بعد از اسم تفضیل «أَصْغَرُ» حرف جرّ «مِنْ» آمده و به شکل صفت تفضیلی (صفت برتر) ترجمه می‌شود. ترجمه عبارت «کتابخانه‌ام کوچک‌تر از کتابخانه دوستم است!»، بنابراین پاسخ تست گزینه (۲) است.

نکات

❖ فعل‌هایی که سومین حرف اصلی آنها «و» یا «ی» باشد، اسم تفضیلشان (بر وزن «أَفْعَلُ») در آخر به شکل «-ی» نوشته می‌شود و به شکل «الف» خوانده می‌شود و اگر مضاف‌الیه آن ضمیر متصل (ه، هِما، ...) باشد، آخرشان به شکل الف «ا» نوشته می‌شود.

مثال

- حَفَى (خ ف ی) ← أَخْفَى (مخفی‌تر، مخفی‌ترین) ← أَخْفَاهُمْ (مخفی‌ترینشان)
عَلَا (ع ل و) ← أَعْلَى (بلندتر، بلندترین) ← أَعْلَاهُمْ (بلندترینشان)
غَلَا (غ ل و) ← أَعْلَى (گران‌تر، گران‌ترین) ← أَعْلَاهُمْ (گران‌ترینشان)

❖ فعل‌هایی که در سه حرف اصلی خود، حروف دوم و سوم آنها مانند هم باشند، در ساختن اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَلُ»، دو حرف مانند هم، با هم ادغام (أَقْلَ) می‌شوند.

مثال

- حَبَّ (از ریشه «ح ب ب») ← أَحَبَّ (دوست‌داشتنی‌تر، دوست‌داشتنی‌ترین)
قَلَّ (از ریشه «ق ل ل») ← أَقَلَّ (کم‌تر، کم‌ترین)
رَقَّ (از ریشه «ر ق ق») ← أَرْقَّ (دلسوزتر، دلسوزترین)

تست ۴ عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنْ صِيَاغَةِ اسْمِ التَّفْضِيلِ مِنْ مَادَّةِ (ریشه) الْأَفْعَالِ:

(۱) عَ فَ وَ ← أَعْفُو (۲) قَ وَ يَ ← أَقْوَى (۳) شَ دَ دَ ← أَشَدَّ (۴) ضَ رَ رَ ← أَضَرَّ

پاسخ در گزینه (۱) اسم تفضیل از ریشه عَفَوَ، «أَعْفَى» (بخشنده تر، بخشنده ترین) می شود و در ساخت آن حرف «و» به «ی» تبدیل می شود. در گزینه (۲) اسم تفضیل از ریشه قَوَّى، «أَقْوَى» (قوی تر، قوی ترین) درست است. در گزینه (۳) اسم تفضیل از ریشه شَدَّ (ش د د)، «أَشَدَّ» (محکم تر، محکم ترین) می شود و در ساخت آن دو حرف شبیه به هم ادغام می شوند. در گزینه (۴) اسم تفضیل از ریشه ضَرَّ (ض ر ر)، «أَضَرَّ» (مضرت تر، مضرت ترین) و در ساخت آن دو حرف شبیه هم ادغام شده اند، بنابراین پاسخ تست گزینه (۲) است.

* مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فَعْلَى» می آید.

مثال فَاطِمَةُ الْكُبْرَى، زَيْنَبُ الصَّغْرَى

* اسم تفضیل در حالت مقایسه بین دو اسم مؤنث معمولاً بر همان وزن «أَفْعَلُ [مِنْ]» می آید.

مثال فَاطِمَةُ أَكْبَرُ مِنْ زَيْنَبَ. ← فاطمه از زینب بزرگ تر است.

هَذِهِ التَّلْمِيذَةُ أَفْضَلُ مِنْ تِلْكَ التَّلْمِيذَةِ. ← این دانش آموز برتر از آن دانش آموز است.

* غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِلُ» است؛ مانند «أَفْضَلُ» که جمع آن «أَفْاضِلُ» می باشد.

مثال إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْاضِلُ. ← هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان هلاک می شوند.

(«أَرَاذِلُ» جمع مَكْسَرٍ «أَزْدَلُ» و «أَفْاضِلُ» جمع مَكْسَرٍ «أَفْضَلُ» است.)

* اگر جمع مَكْسَرٍ بر وزن «أَفَاعِلُ» بر برتری دلالت نکند، اسم تفضیل نیست؛ برای اطمینان بهتر است شکل مفرد آن را در نظر بگیریم.

مثال

أَصَابِعُ ← إصْبَعُ (انگشت) / أَمَاكِنُ ← مَكَانُ (جا، مکان)؛ اسم تفضیل نیستند.

أَكْبَرُ ← أَكْبَرُ (بزرگ تر، بزرگ ترین) / أَعْظَمُ ← أَعْظَمُ (بزرگ تر، بزرگ ترین)؛ اسم تفضیل هستند.

تست ۵ عَيْنُ مَا فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ أَكْثَرُ:

(۱) إِيْرَانُ مِنْ أَجْمَلِ الْمَنَاطِقِ فِي الْعَالَمِ! (۲) أَصْغَرُ أَخِي أَحَبُّ الشَّخْصِ فِي أَسْرَتِنَا!

(۳) إِنَّ جَدِّي مِنْ أَكْبَرِ قَرِيْنَتِنَا! (۴) «إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ»

پاسخ در گزینه (۱) «أَجْمَلُ: زیباترین» اسم تفضیل است. در گزینه (۲) «أَصْغَرُ: کوچک ترین» و «أَحَبُّ: دوست داشتنی ترین» اسم تفضیل هستند. در گزینه (۳) «أَكْبَرُ: بزرگان» جمع مَكْسَرٍ «أَكْبَرُ» و اسم تفضیل است. در گزینه (۴) «أَنْكَرُ: زشت ترین» اسم تفضیل است، بنابراین پاسخ تست گزینه (۲) است.

إِخْتَبَرِ نَفْسَكَ (خودت را بیازمای)

تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ صَعْ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ. (حدیث های زیر را ترجمه کن، سپس خطی را زیر اسم تفضیل قرار بده.)

۱. سَئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَحَبَّ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

از پیامبر خدا ﷺ پرسیده شد: چه کسی دوست داشتنی ترین مردم نزد خداوند است؟ گفت: سودمندترین مردم برای مردم. أَحَبُّ / أَنْفَعُ

۲. أَحْسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إِيْمَانٍ. رسول الله ﷺ

نیکوترین زیور مرد، آرامش همراه ایمان است. أَحْسَنُ: اسم تفضیل

۳. أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ. رسول الله ﷺ

برترین کارها کسب از [روزی] حلال است. أَفْضَلُ: اسم تفضیل

* اگر وزن «أَفْعَلُ» بر رنگ و عیب دلالت کند، اسم تفضیل نیست.

مثال أَحْمَرُ: سرخ، أبيض: سفید، أسود: سیاه، ...

أعوج: کج، أصم: کر، أبکم: لال، أعمى: کور، ...

• اگر بعدشان حرف جرّ «من» بیاید و به شکلِ صفتِ تفضیلی (صفت برتر) «خوب‌تر، بهتر» و «بدتر» ترجمه شوند.

مثال هَذَا خَيْرٌ مِنْ ذَلِكَ. این، خوب‌تر از آن است.

خُلِقَ شَرٌّ مِنْ أَبِيهِ. اخلاق او، بدتر از پدرش است.

خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ، وَ أَجْمَلُ مِنَ الْجَمِيلِ قَائِلُهُ. الإمام الهادي عليه السلام

بهتر از خوبی انجام‌دهنده‌اش است و زیباتر از زیباگوینده‌اش می‌باشد.

• اگر بعدشان مضاف‌الیه بیاید و به شکلِ صفتِ عالی (صفت برترین) «خوب‌ترین، بهترین» و «بدترین» ترجمه شوند.

مثال خَيْرُ النَّاسِ أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا. خوب‌ترین مردم، خوش‌اخلاق‌ترینشان است.

إِنَّهُ شَرُّ النَّاسِ. به راستی او، بدترین مردم است.

شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَحْتَنِبُ الْخِيَانَةَ.

بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکند.

خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست.

حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ. به سوی بهترین کار بشتاب.

• اگر به تنهایی در جمله بیایند و به معنی «خوب/خوبی» و «بد/بدی» ترجمه شوند.

مثال هَذَا الْكِتَابُ خَيْرٌ. این کتاب، خوب است.

الزُّجْلُ الْكَاذِبُ شَرٌّ. مرد دروغگو، بد است.

• اگر حرف «أل» در اولشان بیاید و به معنی «خوبی» و «بدی» ترجمه شوند.

مثال الْخَيْرُ خَصْلَةُ الْمُؤْمِنِ. خوبی، خصلت مؤمن است.

الشَّرُّ خَصْلَةُ الظَّالِمِ. بدی، خصلت ستمگر است.

اسم تفضیل
هستند

❖ دو کلمه «خیر» و «شَر»

اسم تفضیل
نیستند

تست ۶ عَيْنٌ مَا لَيْسَ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

(۱) أَقْرَبُ / أَبْعَدُ (۲) أَذْكَى / أَعْلَمُ (۳) أَغَزَى / أَثْقَلَ (۴) أَبْيَضُ / أَحْمَقُ

پاسخ در گزینه (۱) «أَقْرَبُ» نزدیک‌تر، نزدیک‌ترین - «أَبْعَدُ» دورتر، دورترین» بر برتری دلالت دارند و اسم تفضیل هستند. در گزینه (۲) «أَذْكَى» باهوش‌تر، باهوش‌ترین - «أَعْلَمُ» داناتر، داناترین» بر برتری دلالت دارند و اسم تفضیل هستند. در گزینه (۳) «أَغَزَى» از ریشه «ع ز ز»: عزیزتر، عزیزترین - «أَثْقَلَ» «سنگین‌تر، سنگین‌ترین» بر برتری دلالت دارند و اسم تفضیل هستند. در گزینه (۴) «أَبْيَضُ» سفید/ «أَحْمَقُ» نادان» بر رنگ و عیب دلالت دارند و اسم تفضیل نیستند، بنابراین پاسخ تست گزینه (۴) است.

تست ۷ مَيَّزَ كَلِمَةَ «خَيْرٍ» اسْمَ التَّفْضِيلِ:

(۱) لَبِثْتُ خَيْرَ الْمَلَأِسِ لِلضَّيَافَةِ! (۲) «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» (۳) الْخَيْرُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ! (۴) مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ!

پاسخ در گزینه (۱) بعد از «خیر» مضاف‌الیه «الْمَلَأِسِ» آمده و به معنی «بهترین» اسم تفضیل است. در گزینه (۲) بعد از «خیراً» نه حرف جر آمده و نه مضاف‌الیه و به معنی «خوبی» است و اسم تفضیل نیست. در گزینه (۳) «الْخَيْرُ» با حرف «أل» آمده و به معنی «خوبی» است و اسم تفضیل نیست. در گزینه (۴) بعد از «خیر» نه حرف جر آمده و نه مضاف‌الیه و به معنی «خوبی» می‌باشد و اسم تفضیل نیست، بنابراین پاسخ تست گزینه (۱) است.

ویژه علاقمندان

❖ «أَدْنَى» و مؤنث آن «دُنْيَا» به معنی «نزدیک‌تر، نزدیک‌ترین/ خوارتر، خوارترین» اسم تفضیل است. البته «دُنْيَا» غالباً «دنیا» ترجمه می‌شود.

مثال مِنْ أَدْنَاهُ إِلَى أَقْصَاهُ. از نزدیک‌ترینش تا دورترینش.

❖ «أَوَّلُ» و مؤنث آن «أُولَى» به معنی «یکم، اولین»، هم‌چنین «آخِرُ» و مؤنث آن «أُخْرَى» به معنی «دیگر، دیگری، بازپسین» اسم تفضیل هستند.

❖ اعداد «أَرْبَع: چهار، أَرْبَعُونَ: چهل» که بر وزن «أَفْعَل» هستند، اسم تفضیل نیستند.

۱. الف و لام داشته باشد.

مثال خَدِيجَةُ هِيَ الْفُضْلَى. خدیجه فاضل‌ترین است.

۲. مضاف‌الیه داشته باشد.

مثال خَدِيجَةُ فَضْلَى التَّلْمِیذَاتِ. خدیجه فاضل‌ترین دانش‌آموزان است.

❖ اسم تفضیل طبق اسم مؤنث، در دو حالت به شکل مؤنث می‌آید

(ویژه علاقمندان)

تست ۸ ما هو الخطأ عن اسم التفضيل في العبارات؟

- (۱) زَيْنَبُ هِيَ الْفَضْلَى! (۲) حُسَيْنٌ هُوَ الْأَفْضَلُ! (۳) عَلِيٌّ أَفْضَلُ مِنْ حُسَيْنٍ! (۴) فَاطِمَةُ فَضْلَى مِنْ زَيْنَبٍ!

پاسخ در گزینه (۱) اسم تفضیل «الْفَضْلَى» با حرف «آل» آمده و مؤنث بودنش در عبارت درست است. در گزینه (۲) اسم تفضیل «الأفضل» در جمله مذکر، به صورت مذکر درست است. در گزینه (۳) اسم تفضیل «أفضل» در مقایسه بین دو اسم مذکر و به صورت مذکر درست است. در گزینه (۴) اسم تفضیل «فضلی» در مقایسه بین دو اسم مؤنث «فاطمة / زینب» آمده است باید مذکر «أفضل» بیاید، بنابراین پاسخ تست گزینه (۴) است.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را بیازمای)

ترجم العبارات التالية. (عبارت‌های زیر را ترجمه کن.)

- «... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» المؤمنون: ۱۰۹
... پروردگارا، ایمان آوردیم پس ما را ببخشای (بیامرز) و به ما رحم کن و تو بهترین رحم‌کنندگان (مهربانان) هستی.
- «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» القدر: ۳
شب قدر بهتر از هزار ماه است.
- شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ.
بدترین مردم [انسان] دورو است.
- خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غِيوتَكُمْ. رسول الله ﷺ
بهترین برادران شما (دوستانتان) کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند.
- مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام
هر کس شهوتش (هوس او) بر عقلش چیره شود او بدتر از چارپایان است.

اسم مکان

❖ اسمی که بر مکان دلالت دارد و بر سه وزن «مَفْعَل، مَفْعِل، مَفْعَلَة» می‌آید.

مثال

- مَفْعَل ← مَلْعَب: ورزشگاه / مَطْعَم: رستوران / مَضْعَع: کارخانه / مَطْبَخ: آشپزخانه / مَخْزَن: انبار
مَفْعِل ← مَوْقِف: ایستگاه / مَنَزِل: خانه / مَسْجِد: سجده‌گاه، مسجد / مَجْلِس: شورا / مَشْرِق: مشرق، خاور / مَغْرِب: مغرب، باختر
مَفْعَلَة ← مَكْتَبَة: کتابخانه / مَطْبَعَة: چاپخانه / مَحْكَمَة: دادگاه
❖ جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» است.

مثال

- مَلْعَب ← مَلَاعِب / مَطْعَم ← مَطَاعِم / مَنَزِل ← مَنَازِل / مَخْزَن ← مَخَازِن / مَدْرَسَة ← مَدَارِس
❖ اگر جمع مکسر بر وزن «مَفَاعِل» بر مکان دلالت نکند، اسم مکان نیست؛ برای اطمینان، بهتر است آن را به مفرد ببریم.

مثال

- مَطَالِب ← مَطَلَب (موضوع، خواسته)؛ اسم مکان نیست.
مَشَارِب ← مَشْرَب (سقاخانه، جای آشامیدن آب) و مَحَافِل ← مَحْفِل (محل گردهمایی، انجمن)؛ اسم مکان هستند.
❖ اسم‌های بر وزن «مکان» مانند «مطار: فرودگاه / مزار: زیارتگاه / مجال: جولانگاه، قلمرو، زمینه» معمولاً اسم مکان هستند.

تست ۹ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ:

- (۱) مَسَائِل (۲) مَحَامِد (۳) مَحَاضِر (۴) مَشَاكِل

پاسخ در گزینه (۱) «مَسَائِل» جمع مکسر «مَسْأَلَة» به معنی «مطلب، مسئله» اسم مکان نیست. در گزینه (۲) «مَحَامِد» جمع مکسر «مَحْمَدَة» به معنی «نکونامی، ستایش» اسم مکان نیست. در گزینه (۳) «مَحَاضِر» جمع مکسر و مفرد آن «مَحْضَر: مکان حاضر شدن» اسم مکان است. در گزینه (۴) «مَشَاكِل» جمع مکسر «مَشْكِل» به معنی «دشواری، سختی» اسم مکان نیست، بنابراین پاسخ تست گزینه (۳) است.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را بیازمای)

ترجمِ الآيتين و العبارة، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ. (آیه و عبارت را ترجمه کن، سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.)

۱. «... وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ...» التَّحْل: ۱۲۵

... و به روشی که آن بهتر است با آن‌ها بحث کن (ستیز کن) به راستی پروردگارت به کسی که از راه او گمراه شد، داناتر است ...

أَحْسَنٌ - أَعْلَمُ: اسم تفضیل

۲. «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» الأعلى: ۱۷

و آخرت بهتر و ماندگارتر است.

۳. كَانَتْ مَكْتَبَةً «جُنْدِي سَابور» فِي خَوْزِستان أَكْبَرِ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.

کتابخانه جندی‌شاپور در خوزستان بزرگ‌ترین کتابخانه در جهان گذشته است. مَكْتَبَةٌ: اسم مکان بر وزن «مَفْعَلَةٌ» - أَكْبَرُ: اسم تفضیل

مکالمه

جِوَارُ (فِي سَوْقٍ مُشْهَدٍ) گفت‌وگو (در بازار مشهد)

بَائِعُ الْقَلَابِسِ (فروشنده لباس‌ها)	الزَّائِرَةُ الْعَرَبِيَّةُ (زائر عرب)
عَلَيْكُمْ السَّلَامُ، مَرْحَبًا بِكَ. (سلام بر شما، خوش آمدی.)	سَلَامٌ عَلَيْكُمْ. (سلام بر شما)
سِتُونَ أَلْفَ تَومان. (شصت هزار تومان)	كَمْ سِعْرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِي؟ (قیمت این پیراهن مردانه چند است؟)
عِنْدَنَا بِسَعْرِ خَمْسِينَ أَلْفَ تَومان. تَقْضِي أَنْظُرِي.	أُرِيدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ.
(به قیمت پنجاه هزار تومان داریم. بفرما نگاه کن.)	(ارزان‌تر از این می‌خواهم. این قیمت‌ها گران است.)
أَبْيَضُ وَ أَسْوَدُ وَ أَزْرَقُ وَ أَحْمَرُ وَ أَصْفَرُ وَ بَنَفْسَجِي.	أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟
(سفید و سیاه و آبی و قرمز و زرد و بنفش.)	(چه رنگی دارید؟)
تَبْدَأُ الْأَسْعَارَ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا إِلَى خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ تَومان.	بِكَمْ تَومان هَذِهِ الْقُسَاتِيْنُ؟
(قیمت‌ها از هفتاد و پنج هزار [تومان] شروع می‌شود تا هشتاد و پنج هزار تومان.)	(این پیراهن‌های زنانه چند تومان است؟)
سَيِّدَتِي، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ النُّوعِيَّاتِ.	الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ!
(خانم، قیمت بر اساس (طبق) جنس‌ها فرق می‌کند.)	(قیمت‌ها گران است!)
الْسَّرَوَالُ الرَّجَالِي بِتِسْعِينَ أَلْفَ تَومان، وَ السَّرَوَالُ النِّسَائِي بِخَمْسَةِ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تَومان.	بِكَمْ تَومان هَذِهِ السَّرَاوِيلُ؟
(شلوار مردانه نود هزار تومان و شلوار زنانه نود و پنج هزار تومان.)	(این شلوارها چند تومان است؟)
ذَلِكَ مَتَجَرَّ زَمِيلِي، لَهُ سَرَاوِيلُ أَفْضَلُ.	أُرِيدُ سَرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ.
(آن مغازه همکارم است، او شلوارهای بهتری دارد.)	(شلوارهایی بهتر از این‌ها می‌خواهم.)

فِي مَتَجَرِّ زَمِيلِهِ... (در مغازه همکارش ...)

صَارَ الْمَبْلَغُ مِثْلَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تَومان. أُعْطِنِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِثْلَيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفًا.

(قیمت دویست و سی هزار تومان شد. بعد از تخفیف، دویست و بیست هزار [تومان]، به من بده.)

رَجَاءً، أُعْطِنِي سِرْوَالًا مِنْ هَذَا النُّوعِ وَ ... كَمْ صَارَ الْمَبْلَغُ؟

(لطفاً، شلوازی از این نوع (جنس) به من بده و ... قیمت چقدر شد؟)

تمارین کتاب درسی

﴿التَّمَرِّينُ الْأَوَّلُ﴾ أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟ (کدام کلمه از کلمات لغت‌نامه درس با توضیحات زیر تناسب دارد؟)

- ۱- اَلْمُسْتَبِدُّ الَّذِي لَا يَرَى لِأَحَدٍ عَلَيْهِ حَقًّا: (ستمگری که برای کسی حقی را بر خودش نمی‌بیند). اَلْجَبَّارُ (ستمکار زورمند)
- ۲- الْإِنْسَانُ الَّذِي يَفْتَخِرُ بِنَفْسِهِ كَثِيرًا: (انسانی که بسیار به خودش افتخار می‌کند). اَلْمُخْتَالُ، اَلْمُعْجَبُ بِنَفْسِهِ، اَلْفَخُورُ (خودپسند، فخر فروش)
- ۳- حَيَوَانٌ يُسْتَعْدَمُ لِلْحَمْلِ وَ الرُّكُوبِ: (حیوانی که برای بار بردن و سوار شدن به کار گرفته می‌شود). اَلْجِمَارُ (خر)
- ۴- اَلْعَمَلُ السَّيِّئُ وَ الْقَبِيحُ: (کار بد و زشت). اَلْمُنْكَرُ (کار زشت)
- ۵- عُضْوٌ فِي الْوُجْهِ: (عضوی در صورت). اَلْخَدُّ (گونه)

﴿التَّمَرِّينُ الثَّانِي﴾ عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ وَ مَيِّزُ تَرْجَمَتِهَا. (نوع: اَلْمَاضِي، اَلْمُضَارِع، اَلْأَمْر)
 (نوع فعل‌هایی که زیر آن‌ها خط است را مشخص کن و ترجمه آن‌ها را جدا و سوا کن.) (نوع: ماضی، مضارع، امر)
 أَرَادَ قَنْبَرٌ أَنْ يَسِبَ الَّذِي كَانَ سَبَّهُ، فَقَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عليه السلام لَهُ: مَهْلًا يَا قَنْبَرُ، دَعِ شَاتِمَكَ مُهَانًا تُرْضِ الرَّحْمَنَ وَ تُسَخِّطِ الشَّيْطَانَ وَ تُعَاقِبَ عَدُوَّكَ... مَا أَرْضَى الْمُؤْمِنَ رَبَّهُ بِمِثْلِ الْجَلْمِ، وَ لَا أَسْخَطَ الشَّيْطَانَ بِمِثْلِ الصَّمْتِ، وَ لَا عُوقِبَ الْأَحْمَقُ بِمِثْلِ السُّكُوتِ عَنْهُ.
 قنبر خواست به کسی که به او ناسزا گفته بود، دشنام دهد، پس امام علی عليه السلام به او فرمودند: ای قنبر آرام باش، دشنامگوی خود را خوار رها کن تا [خدای] بخشاینده را خشنود و اهریمن را خشمگین کنی و دشمنت را کیفر داده باشی. مؤمن پروردگارش را با [چیزی] مانند بردباری خشنود و اهریمن را با [چیزی] همانند خاموشی خشمگین نکرد و نادان با [چیزی] همانند دم فرو بستن در برابرش کیفر نشد.

رُبَّ سَكُوتٍ أُنْبَغَ مِنَ الْكَلَامِ. (مِنَ الْأَمْثَالِ الْعَرَبِيَّةِ)

چه بسا سکوتی که از سخن گفتن رساتر است. (از ضرب‌المثل‌های عربی)

- أَرَادَ: خواست - ماضی
 قَالَ: فرمود - ماضی
 مَا أَرْضَى: خشنود نکرد - ماضی منفی
 [أَنْ] يَسِبَ: دشنام دهد - مضارع
 دَعِ: رها کن - امر
 [لَا] أَسْخَطَ: خشمگین نکرد - ماضی منفی

﴿التَّمَرِّينُ الثَّالِثُ﴾ تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ. (این احادیث نبوی را ترجمه کن، سپس [آن‌چه] خواسته شده از تو را مشخص کن.)

- ۱- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. مبتدا خبر خوش اخلاقی نیمی از دین است.
- ۲- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. فاعل مفعول هر کس اخلاقش بد باشد، خودش را عذاب می‌دهد.
- ۳- اَللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خُلُقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. فعل ماضی فعل امر خدایا همان‌گونه که آفرینش مرا نیکو گردانیدی، پس اخلاق مرا نیکو گردان.
- ۴- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. اسم تفضیل جار و مجرور جار و مجرور در ترازو [ی اعمال] چیزی سنگین‌تر از اخلاق نیک نیست.

(اَلْمُبْتَدَأُ وَ الْخَبَرُ)

(اَلْفَاعِلُ وَ الْمَفْعُولُ)

(فِعْلُ الْأَمْرِ وَ الْفِعْلُ الْمَاضِي)

(اِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ الْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ)

﴿التَّمْرِينُ الرَّابِعُ﴾ تَرْجِمِ التَّرَاكِبِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ، وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ. (ترکیب‌های زیر را ترجمه کن، سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.)

المَشْرِقُ - المَغْرِبُ: اسم مکان

۱- ﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ﴾: الشُّعْرَاءُ: ۲۸

پروردگار مشرق و مغرب

الْمَسْجِدِ: اسم مکان

۲- ﴿مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾: الْإِشْرَاءُ: ۱

از مسجدالحرام

أَسْمَعَ: اسم تفضیل

۳- يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ:

ای شنونده‌ترین شنوندگان

أَحْسَنَ: اسم تفضیل

۴- يَا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ:

این بهترین آفرینندگان

أَرْحَمَ: اسم تفضیل

۵- يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ:

ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان. (ای مهربان‌ترین مهربانان)

﴿التَّمْرِينُ الْخَامِسُ﴾ تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ. (فعل‌ها و مصدرهای زیر را ترجمه کن.)

الْمَاضِي	الْمُضَارِعُ وَ الْمُسْتَقْبَلُ	الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ	الْمُضَدَّرُ
قَدْ أَحْسَنَ: نیکی کرده است	يُحْسِنُ: نیکی می‌کند	أَحْسِنْ: نیکی کن	إِحْسَانٌ: نیکی کردن
إِقْتَرَبَ: نزدیک شد	يَقْتَرِبُونَ: نزدیک می‌شوند	لَا تَقْتَرِبُوا: نزدیک نشوید	إِقْتِرَابٌ: نزدیک شدن
إِنْكَسَرَ: شکسته شد	سَيَنْكَسِرُ: شکسته خواهد شد	لَا تَنْكَسِرُ: شکسته نشو	إِنْكَسَارٌ: شکسته شدن
إِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست	يَسْتَغْفِرُ: آمرزش می‌خواهد	إِسْتَعْفِرْ: آمرزش بخواه	إِسْتِغْفَارٌ: آمرزش خواستن
مَا سَافَرْتُ: سفر نکردم	لَا يُسَافِرُ: سفر نمی‌کند	لَا تُسَافِرْ: سفر نکن	مُسَافَرَةٌ: سفر کردن
تَعَلَّمَ: یاد گرفت	يَتَعَلَّمَانِ: یاد می‌گیرند	تَعَلَّمْ: یاد بگیر	تَعَلُّمٌ: یاد گرفتن
تَبَادَلْتُمْ: عوض کردید	تَتَبَادَلُونَ: عوض می‌کنید	لَا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید	تَبَادُلٌ: عوض کردن
قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است	سَوْفَ يُعَلِّمُ: آموزش خواهد داد	عَلِّمْ: آموزش بده	تَعْلِيمٌ: آموزش دادن

﴿التَّمْرِينُ السَّادِسُ﴾ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلَوْنَةِ. (نقش کلمات رنگی را مشخص کن.)

۱- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الْفَتْحُ: ۲۶ (پس خداوند آرامشش را بر رسولش و بر مؤمنان فرو فرستاد. (نازل کرد.))

مفعول مجرور به حرف جر

(خدا به کسی جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌دهد.)

۲- ﴿لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ الْبَقَرَةُ: ۲۸۶

فاعل مفعول

(عابدترین مردم، کسی است که واجبات [دینی] را بر پا دارد (به جای آورد).)

۳- ﴿أَعْبَدَ النَّاسُ، مَنْ أَقَامَ الْفَرَائِضَ﴾. الْإِمَامُ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

مبتدا مضاف‌الیه

(محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خداوند، سودمندترین آن‌ها برای بندگان است.)

۴- ﴿أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ﴾. رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ)

مبتدا مضاف‌الیه مجرور خبر

به حرف جر

(دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.)

۵- عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

مبتدا خبر مجرور به حرف جر

﴿ التَّمَرُّنُ السَّابِعُ ﴾ عَيْنُ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ. (کلمه نامتناسب را در هر مجموعه مشخص کن.)

- | | | | | | | | |
|----------------|--------|-----------|---------|-----------|--------------|-------------|---------------|
| ۱- نماذج ✓ | نمونه | حَمِير | خرها | ثَعَالِب | روباها | ذُنَاب | گرگها |
| ۲- سِرْوَال | شلوار | صَمْت ✓ | خاموشی | فُستَان | پیراهن زنانه | قَمِيص | پیراهن مردانه |
| ۳- مُمَرَّضَةٌ | پرستار | بَائِعَةٌ | فروشنده | فَلَاخَةٌ | کشاورز | قَيِّمَةٌ ✓ | ارزشمند |
| ۴- أَحْمَر ✓ | قرمز | أَحْسَن | نیکوتر | أَجْمَل | زیباتر | أَصْلَح | شایسته تر |
| ۵- أَصْفَر | زرد | أَزْرَق | آبی | أَبْيَض | سفید | أَكْثَر ✓ | بیش تر |
| ۶- حَدٌّ | گونه | سِنٌ | دندان | لِسَان | زبان | مَرَح ✓ | شادمانی |

﴿ التَّمَرُّنُ الثَّامِنُ ﴾ ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. (در جای خالی کلمه مناسبی قرار بده.)

- | | | | | | | | |
|---|---|-----------------|-----------|---------------|------------|------------|----------------------|
| ۱- اِشْتَرَيْنَا | و فَسَاتَيْنَ بِأَسْعَارٍ رَخِيصَةٍ فِي الْمَتَجَرِّ. | سَرَاوِيل ✓ | شلوارها | أَشْهُرًا | ماهها | مَوَاقِف | ایستگاهها |
| ۲- ذَهَبَ الْعَامِلُ إِلَى تَبَيْتِهِ بَعْدَمَا | وَأَجَابَتْهُ بِدَقَّةٍ. | صَلَّ | گمراه شد | سَاءَ | بد شد | تَمَّمَ ✓ | انجام داد (کامل کرد) |
| ۳- إِنَّنَا | هَدِيَّةٌ لِرَمِيلِنَا الْفَائِزِ فِي الْمُسَابَقَةِ. | عَمَرْنَا | عمر کردیم | أَهْدَيْنَا ✓ | هدیه کردیم | غَلَبْنَا | چیره شدیم |
| ۴- وَالِدِي يَشْتَغِلُ فِي مَوْسَسَةٍ | ثَقَافِيَّةٍ. | تَرْبَوِيَّةٍ ✓ | پرورشی | نَمُوذَجْ | نمونه | زَكُوبْ | سوار شدن |
| ۵- يَا زَمِيلِي، دَعْ | لَكَ حَقِيرًا لِرِضَا اللَّهِ. | شَاتِمٌ ✓ | دشنامگو | نَوْعِيَّةٌ | جنس | أَسْعَازْ | قیمتها |
| ۶- إِنَّ الْ..... | أَلَّهُ لِمَعْرِفَةِ وَزَنِ الْأَشْيَاءِ. | مِفْتَاحٌ | کلید | مِصْبَاحٌ | چراغ | مِيزَانٌ ✓ | ترازو |

﴿ التَّبَحُّثُ الْعِلْمِيُّ ﴾ (پژوهش علمی)

اِسْتَخْرِجْ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ تَفْضِيلٍ مِنْ دُعَاءِ الْإِفْتِتَاحِ.
(پنج اسم تفضیل از دعای افتتاح استخراج کن.)



اول

پرسش‌های چهار گزینه‌ای درس

واژگان

■ أَجِبِ الْأَسْئَلَةَ عَنِ الْمَفْرَدَاتِ وَ الْجَوَارِ

۱. «لِلْمَوَاعِظِ الْقِيَمَةُ مِنَ الْحُكَمَاءِ فَإِنَّهُ كَثِيرَةٌ لِكُلِّ الشَّبَابِ!» عَيَّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ:
(۱) بزرگ (۲) ارزشمند (۳) راهنما (۴) بازدارنده
۲. «الرَّسْمُ مِنَ الْفُنُونِ النَّافِعَةُ لِأَوْلَادِنَا!» عَيَّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ:
(۱) هنرها (۲) کارها (۳) مهارتها (۴) دانش‌ها
۳. «الْاِقْتِصَادُ فِي اسْتِهْلَاكِ الْغَازِ أَمْرٌ مَنْطِقِيٌّ!» عَيَّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ الْكَلِمَتَيْنِ اللَّتَيْنِ تَحْتَهُمَا خَطُّ:
(۱) تقسیم / مصرف کردن (۲) دانش / توانایی (۳) صرفه‌جویی / مصرف کردن (۴) توانایی / کمک
۴. «الْمُنْكَرُ مَنَعٌ فِي تَعَالِيمِ الْأَدْيَانِ الْإِلَهِيَّةِ!» عَيَّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ:
(۱) کار بزرگ (۲) کار خوب (۳) کار کوچک (۴) کار زشت
۵. عَيَّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ كَلِمَةِ «حَدٌّ» فِي هَذِهِ الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ: «لَا تُصَغِّرْ حَدَّكَ لِلنَّاسِ ...»
(۱) گونه (۲) دست (۳) نیرو (۴) نگاه
۶. عَيَّنِ غَيْرَ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاغِ: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ»
(۱) شاتم (۲) مختال (۳) مقتصد (۴) فخور
۷. عَيَّنِ مَا لَا يُفِيدُ لِأَوْلَادِنَا:
(۱) الإهتمام بالرياسة (۲) احترام القانون (۳) مطالعة الكتب (۴) الإقتراب مِنَ الْأَرَاذِلِ
۸. عَيَّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَائِغِ:
الف: إتصلتُ بصديقي. قَالَ لِي: أَخَذْتُ سَيَّارَتَكَ إِلَى تصليح السيارات!
ب: عَلَيْنَا أَنْ واجباتنا بدقه ثُمَّ نَذْهَبُ إِلَى بَيْتِنَا!
ج: أَلَهُ لِمَعْرِفَةِ وَزْنِ الْأَشْيَاءِ!
د: إِشْتَرَيْتُ الْمَلَابِسَ الْجَدِيدَةَ مِنَ الْمَتَجَرِّ بِ غالية!
(۱) الف (مَخَزَن - ج) المِفْتَاح (۲) ب) مَيِّزْنَا - د) أَشْعَار (۳) الف (مَوْقِف - د) أَسْنَان (۴) ب) نَفْعَل - ج) المِيزَان
۹. «أَخِي يَسْتَعِيلُ فِي مُحَافَظَةِ يَزْد. هُوَ مَسْئُولٌ مُؤَسَّسَةٌ تَرْبَوِيَّةٌ ثَقَافِيَّةٌ» عَيَّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ الْكَلِمَتَيْنِ اللَّتَيْنِ تَحْتَهُمَا خَطُّ:
(۱) فرهنگی - تربیتی (۲) پرورشی - اجتماعی (۳) تربیتی - پرورشی (۴) پرورشی - فرهنگی
۱۰. عَيَّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ الْأَفْعَالِ مِنْ هَذِهِ الْمَصَادِرِ: «إِبْتِعَادُ: دَوْرُ شَدْنِ / تَعَلُّمُ: يَادُ غَرْفَتْنِ / تَبَادُلُ: عَوْضُ كَرْدْنِ / إِنْكَسَارُ: شَكْسْتِه شَدْنِ»
(۱) كَانَا يَبْتَعِدَانِ: دَوْرُ مِی شَدْنْدَا! (۲) قَدْ تَعَلَّمُ: يَادُ مِی گِیْرْدَا! (۳) سَأْتَبَادُلُ: عَوْضُ خَوَاهْدُ كَرْدَا! (۴) إِنْكَسَرْتُمُ: شَكْسْتِه شَوِیْدَا!
۱۱. عَيَّنِ الْخَطَأَ لِتَرْجَمَةِ الْأَفْعَالِ مِنْ هَذِهِ الْمَصَادِرِ: «مُسَافَرَةٌ: سَفَرُ كَرْدْنِ / إِسْتِغْفَارُ: آمُرُشُ خَوَاسْتِنِ / تَعْلِيمُ: آمُرُشُ دَادِنِ / إِحْسَانُ: نِیْكِ كَرْدْنِ»
(۱) لَا يُسَافِرُنَ: سَفَرُ نَمِی كَنْنْدَا! (۲) إِسْتِغْفِرِي: آمُرُشُ خَوَاسْتِی! (۳) لَا تَعْلَمُوا: آمُرُشُ نَدَهیدَا! (۴) أَحْسَنْتُ: نِیْكِ كَرْدَمَا!
۱۲. عَيَّنِ الْخَطَأَ عَنْ مُتَضَادِّ الْكَلِمَاتِ:
(۱) يَهْتَدِي ≠ يَرْشُدُ (۲) رَفَعَ ≠ غَضَّ (۳) أَرَادِلُ ≠ أَفَاضِلُ (۴) إِبْتَعَدَ ≠ إِقْتَرَبَ
۱۳. عَيَّنِ الصَّحِيحَ:
(۱) حَيٌّ ≠ إِسْرَعُ (۲) مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ = مُخْتَالُ (۳) أَنْكَرُ ≠ أَقْبَحُ (۴) غَالِي = رَخِيسُ
۱۴. عَيَّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ:
(۱) أَرْجُلُ (۲) أَسْنَانُ (۳) لِسَانُ (۴) مِيزَانُ

۱۵. عَيْنِ مَا غَرِيبَةً بِالْآخِرِينَ:

(۱) جمار - ثعالب (۲) ذئاب - عَصافير (۳) طائرة - غزلان (۴) أَسَدٍ - قِطّ

۱۶. الْمَشْتَرِيُّ يَدْخُلُ الْمَتَجَرَ وَ يَسْأَلُ أَسْعَارَ السَّرَاوِيلِ مِنَ الْبَائِعِ فَيَقُولُ لَهُ الْبَائِعُ:! عَيْنِ الْجَوَابِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ:

(۱) أَلْسُرَوَالُ الرِّجَالِيِّ بِتِسْعِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ! (۲) سَعَرُ تِلْكَ الْفُسْتَانِ خَمْسَةً وَ سِتُّونَ أَلْفَ تُوْمَانٍ!
(۳) أَلْسُرَوَالُ النَّسَائِيِّ بِسَبْعَةٍ وَ سَبْعِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ! (۴) أَلْأَسْعَارُ مِنْ خَمْسَةِ وَ أَرْبَعِينَ أَلْفًا إِلَى تِسْعِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ!

ترجمه و مفهوم

■ عَيْنِ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ.

۱۷. «أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ!»:

(۱) بندگان محبوب خداوند نزد خداوند سودمندترین آن‌ها برای بندگان هستند!
(۲) بندگان دوست‌داشتنی خداوند نزد خداوند برای بندگان سودمند هستند!
(۳) دوست‌داشتنی‌ترین بندگان خداوند نزد خداوند سودمندترین‌شان برای بندگان است!
(۴) دوست‌داشتنی‌ترین بنده خداوند نزد خداوند برای بندگان سودمند است!

۱۸. «لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ!»:

(۱) چیزی سنگین‌تر از اخلاق نیک در ترازو نیست!
(۲) در ترازو سنگین‌ترین چیز اخلاق نیک است!
(۳) سنگین‌ترین چیز در ترازو اخلاق نیک است!
(۴) اخلاق نیک چیزی است که از آن سنگین‌تر نیست!

۱۹. «عَلَيْنَا أَنْ لَا نَرْفَعَ أَصْوَاتَنَا لِمَنْ نَتَكَلَّمُ مَعَهُ لِأَنَّ أَرْفَعَ الْأَصْوَاتِ صَوْتُ الْجِمَارِ!»:

(۱) بر ماست که صدایمان را برای کسی که با او سخن می‌گوییم بالا نبریم زیرا بالاترین صداها صدای خر است!
(۲) ما نباید صدایمان را برای کسی که با او سخن گفتیم بالا می‌بریم زیرا صدای خر بالا می‌رود!
(۳) بر ماست که صدایمان را برای کسی که با او سخن می‌گوییم بالا نبریم زیرا صداهای بالا صدای خران است!
(۴) ما نباید صدایمان را برای کسی که با او سخن می‌گوید بالا ببریم زیرا بالاترین صداها صدای خر است!

۲۰. «عَلَيْنَا أَنْ لَا نَمْشِيَ فِي الْأَرْضِ مُتَكَبِّرًا؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُتَكَبِّرِينَ!»:

(۱) ما نباید با غرور در زمین راه برویم؛ پس بی‌گمان خداوند مغروران را دوست نمی‌دارد!
(۲) ما با غرور در زمین راه نمی‌رویم؛ پس به راستی خداوند مغروران را دوست نمی‌دارد!
(۳) ما با تکبر در زمین راه نرفته بودیم؛ پس بی‌گمان متکبران خداوند را دوست نداشتند!
(۴) بر ماست که با تکبر در زمین راه نرویم؛ پس بی‌شک خداوند متکبر را دوست نمی‌دارد!

۲۱. «هَذِهِ الْمَوَاعِظُ الْقِيَمَةُ نَمُودَجَةٌ تَرْبُوهُ لِيَهْتَدِيَ بِهَا كُلُّ الشَّبَابِ!»:

(۱) این پند ارزشمند نمونه‌ای پرورشی است تا همه جوانان را به وسیله آن راهنمایی کند!
(۲) این پنندهای ارزشمند نمونه‌ای پرورشی است تا هر جوانی به وسیله آن راهنمایی شود!
(۳) این‌ها پنندهای ارزشمند و نمونه‌های پرورشی هستند تا همه جوانان را به وسیله آن‌ها راهنمایی کنند!
(۴) این پنندهای ارزشمند نمونه‌ای پرورشی است تا همه جوانان به وسیله آن راهنمایی شوند!

۲۲. «يُحِبُّ كُلُّ الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يُقَدِّمُوا تَجَارِبَهُمُ الْقِيَمَةَ إِلَى أَوْلَادِهِمْ!»:

(۱) هر پدر و مادری دوست دارد که تجربه‌های ارزشمند را به فرزندانش تقدیم کند!
(۲) همه پدران و مادران دوست دارند که تجربه‌های ارزشمندشان را به فرزندانشان تقدیم کنند!
(۳) همه پدران و مادران دوست دارند که تجربه‌ای ارزشمند را به فرزندانشان تقدیم کنند!
(۴) پدر و مادر همه تجربه‌های ارزشمندشان را دوست دارند و آن‌ها را به فرزندانشان تقدیم می‌کنند!

۲۳. «قَدْ شَبَّهَ اللَّهُ كَلَامَ مَنْ يَرْفَعُ صَوْتَهُ دُونَ دَلِيلِ مَنْطِقِيٍّ بِصَوْتِ الْجِمَارِ!»: خداوند

(۱) سخن کسی که صدایش بدون دلیل منطقی بالا برده می‌شود به صدای خر تشبیه کرده است!
(۲) سخن کسانی که صدایشان را بدون دلیل منطقی بالا می‌برند به صداهای خران تشبیه کرد!
(۳) سخن کسی که صدایش را بدون دلیل منطقی بالا می‌برد به صدای خر تشبیه کرده است!
(۴) صدای کسانی که بدون دلایل منطقی بالا برده می‌شود به صدای خر تشبیه می‌کند!

۲۴. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ لَا يُحَافِظُ عَلَى الصَّلَاةِ فِي وَقْتِهَا»:

- (۱) به راستی خداوند دوست نخواهد داشت کسی را که از نماز اول وقت نگاهداری نکرد!
- (۲) بی‌گمان خداوند دوست نمی‌دارد کسی را که از نماز در وقتش نگاهداری نمی‌کند!
- (۳) به راستی خداوند را دوست نمی‌دارد کسی که از نمازش در وقت خودش نگاهداری نمی‌کند!
- (۴) بی‌گمان خداوند دوست ندارد کسی را که از نماز در وقت خودش نگاهداری نکرده است!

۲۵. «إِنَّمَا يَنْتَعِنِي لِاتِّمَامِ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ»:

- (۱) فقط فرستاده شدم تا صفات برتر اخلاقی را کامل کنم!
- (۲) فقط مرا فرستاد تا صفات برتر اخلاقی را کامل کنم!
- (۳) فقط مرا فرستاد تا صفات برتر اخلاقی کامل شود!
- (۴) فرستاده شدم فقط صفات برتر اخلاقی را کامل کنم!

۲۶. «يُنْزِلُ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى أَتَقَى عِبَادِهِ»:

- (۱) پس خداوند آرامشش را بر پرهیزگارترین بنده‌ها فرو فرستاد!
- (۲) پس خداوند آرامش خود را بر بندگان پرهیزگار نازل می‌کند!
- (۳) پس خداوند آرامش را بر بندگان پرهیزگارتر نازل خواهد کرد!
- (۴) پس خداوند آرامشش را بر پرهیزگارترین بندگان خود فرو می‌فرستد!

۲۷. «كَانَتْ السَّائِحَاتُ يَذْهَبْنَ إِلَى أَكْبَرِ مَكْتَبَةِ خَوْزِستان فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ»: گردشگران

- (۱) به بزرگ‌ترین کتابخانه خوزستان در جهان قدیم می‌روند!
- (۲) به کتابخانه بزرگ خوزستان در دنیای قدیم می‌رفتند!
- (۳) به بزرگ‌ترین کتابخانه خوزستان در جهان قدیم می‌رفتند!
- (۴) به کتابخانه بزرگ‌تر خوزستان در دنیای قدیم می‌روند!

۲۸. «وَأَعْصُ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ»:

- (۱) و صدایت را پایین بیاور، زیرا بدترین صداها قطعاً صدای خران است!
- (۲) و صدایش را پایین آورد، زیرا از بدترین صداها قطعاً صدای خران است!
- (۳) و صدایتان را پایین بیاورید، زیرا بدترین صداها قطعاً صدای خران است!
- (۴) و صدایت را پایین بیاور، زیرا از میان صداها قطعاً خر صدای بدی دارد!

۲۹. «أَعْلَمَ النَّاسِ مَنْ يَزِيدُ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ»:

- (۱) مردم کسی را که علم مردم را به علم خود می‌افزاید، دانا می‌دانند!
- (۲) داناترین مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خود می‌افزاید!
- (۳) مردمی که علم مردم دیگر را به علم خودشان می‌افزایند، دانا می‌دانم!
- (۴) داناترین مردم کسانی هستند که دانش دیگران را به علمشان می‌افزایند!

۳۰. عَيْنِ الْخَطَا لِتَرْجَمَةِ التَّرَاكِبِ التَّالِيَةِ:

- (۱) یا خَيْرَ الْمُحْسِنِينَ: ای بهتر از نیکوکاران!
- (۲) یا أَعْظَمَ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ: ای بزرگ‌تر از هر بزرگی!
- (۳) یا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ: ای شنواترین شنوندگان!
- (۴) یا خَيْرَ الْبَائِعِ: ای بهترین فروشنده!

۳۱. عَيْنِ الْخَطَا:

- (۱) «أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أَمُرْ بِالْمَعْرُوفِ»: نماز را برپای دار و به کار پسندیده دستور بده،
- (۲) «وَ ائْتِ عَنِ الْمُنْكَرِ»: و از کار ناپسند بازدار،
- (۳) «وَ اضْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ»: و بر آن چه (آسیبی) که بر تو وارد آمده بردباری کن،
- (۴) «إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»: بی‌گمان آن از کار مهم است!

۳۲. عَيْنِ الْخَطَا:

- (۱) مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ: هر کس خلقتش بد شود خودش را عذاب می‌دهد!
- (۲) التَّدَمُّ عَلَى السَّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ التَّدَمُّ عَلَى الْكَلَامِ: پشیمانی بر سکوت کردن بهتر از پشیمانی بر سخن گفتن است!
- (۳) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ: در ترازو چیزی سنگین‌تر از اخلاق خوب نیست!
- (۴) أَعْطِنِي سِرْوَالاً مِنْ هَذَا النَّوعِ: شلواری از این نوع به من داد!

۳۳. عَيْنِ الْخَطَا:

- (۱) أُرِيدُ سِرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ: شلوارهایی بهتر از این می‌خواهم!
- (۲) «وَ جَادِلْهُمْ بِالتِّي هِيَ أَحْسَنُ»: و به روشی که نیکو است با آن‌ها ستیز کن،
- (۳) «إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ»: به راستی پروردگارت، به کسی که از راه او گمراه شد، داناتر است!
- (۴) عداوة العاقل خير من صداقة الجاهل: دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان است!

.۳۴ عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) تَسْتَوْدِعُ الْأُمَّ أَوْلَادَهَا اللَّهُ كُلَّ الْأَيَّامِ! همه روزها مادر، فرزندان را به خداوند می سپرد!
- (۲) سَتَلْتَقِي بِكُمْ فِي الصَّفِّ الثَّانِي عَشَرَ! شما را در دوازده کلاس دیدار می کنیم!
- (۳) خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يُسَاعِدُ الْآخَرِينَ! بهترین مردم کسی است که به دیگران کمک می کند!
- (۴) لِكُلِّ فِصْلٍ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ! هر فصلی سه ماه است!

.۳۵ عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) يُكَلِّفُ الْإِنْسَانُ بِقَدَرٍ وَسْعِيهَا! به انسان اندازه توانش تکلیف می دهد!
- (۲) التَّوَّاضَعُ مِنْ أَحْسَنِ الْأَخْلَاقِ! تواضع از اخلاق خوب است!
- (۳) مُطَالَعَةُ الْكِتَابِ خَيْرٌ مِنْ قِرَاءَةِ الصَّحِيفَةِ! مطالعه کتابها بهتر از خواندن روزنامه است!
- (۴) الْإِهْتِمَامُ بِالرِّيَاضَةِ سَيُضَمِّنُ سَلَامَةَ الْإِنْسَانِ! توجه به ورزش سلامتی انسان را ضمانت می کند!

.۳۶ عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (۱) اللَّهُ حَسَنَ خَلْقِ الْمُؤْمِنِ! خدا خوی مؤمن را نیکو گردانید!
- (۲) قَدْ تَمَنَّى الْأَبُّ لَوْلَدِهِ التَّجَاحَ! پدر برای فرزندش موفقیت را آرزو می کند!
- (۳) أَسْتَغْفِرُ رَبِّي! از پروردگارم آمرزش می خواهم!
- (۴) لَهُ سِرَاوِيلٌ أَفْضَلُ! او شلوارهای بهتری دارد!

.۳۷ عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) مَا سَبَّ الرَّجُلُ مَنْ كَانَ سَبَّهُ! مرد به کسی که او را دشنام داده بود، دشنام داد!
- (۲) طَالَعَ الْكِتَابَ فِي الْمَكْتَبَةِ! کتاب را در کتابخانه مطالعه کن!
- (۳) طَبَخَ الْغَدَاءَ فِي الْمَطْبَخِ! ناهار در آشپزخانه پخته می شود!
- (۴) تَفَتَّحَ الْمَطَاعِمُ فِي الْغَدَاةِ! رستوران در آغاز روز باز می شود!

.۳۸ عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (۱) أَكْبَرُ الْحَقِّ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَ الدَّمِّ! بزرگترین نادانی زیاده روی در ستایش و سرزنش است!
- (۲) شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوُجْهَيْنِ! بدترین مردم، دارای دو رو است!
- (۳) أَلْجَلِيسُ الصَّالِحِ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ! همنشین درستکار بهتر از تنهایی است!
- (۴) حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ! به سوی کار خوب بشتاب!

.۳۹ عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (۱) أُرِيدُ اللَّهَ أَنْ يُحَسِّنَ خُلُقِي! از خداوند خواستم که خوی مرا نیکو کند!
- (۲) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ! به راستی خداوند نیکوکاران را دوست می دارد!
- (۳) يَعْتَقِدُ الْمَظْلُومُونَ أَنَّ اللَّهَ أَسَمَعَ السَّامِعِينَ! ستمدیدگان اعتقاد دارند که خداوند شنواترین شنوندگان است!
- (۴) عِنْدَمَا يُقْرَأُ الْقُرْآنُ أَحْسَنُ السَّكِينَةِ فِي قَلْبِي! هنگامی که قرآن خوانده می شود آرامش را در قلبم احساس می کنم!

.۴۰ «همکار آن فروشنده شلواری بهتر از شلوارهای او به من داد!»:

- (۱) أَعْطَانِي زَمِيلُ ذَلِكَ الْبَائِعِ السَّرَوَالَ أَفْضَلَ مِنْ سِرَاوِيلِهِ! زَمِيلُ ذَلِكَ الْبَائِعِ أَعْطَانِي سِرَوَالاً أَفْضَلَ مِنْ سِرَاوِيلِهِ!
- (۲) زَمِيلَةُ تِلْكَ الْبَائِعَةِ مَنَحَتْنِي سِرَوَالاً أَحْسَنَ مِنْ السَّرَاوِيلِهَا! آتَى تِلْكَ الزَّمِيلَةُ الْبَائِعَةَ أَحْسَنَ سِرَوَالاً مِنَ السَّرَاوِيلِ!

.۴۱ عَيْنِ الْخَطَأِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ:

- (۱) مَنْ سَاءَ خَلْقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ! الْإِنْسَانُ الْعَاقِلُ يَشْتَرِي الْأَشْيَاءَ بِقَدَرٍ وَسْعِهِ!
- (۲) كَانَتْ مَكْتَبَةُ جُنْدِي سَابُورٍ أَكْبَرُ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ! جَبَلُ دِمَاوَنْدِ أَعْلَى الْجِبَالِ فِي الْعَالَمِ!

.۴۲ عَيْنِ الْأَنْسَبِ فِي مَفْهُومِ هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ!»:

- (۱) از کوزه همان برون تراود که در اوست!
- (۲) دشمن دانا به از دوست نادان!
- (۳) چاه مکن بهر کسی اول خودت دوم کسی!
- (۴) زخم زبان از زخم شمشیر بدتر است!

.۴۳ عَيْنِ الْأَقْرَبِ فِي مَفْهُومِ هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ!»:

- (۱) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ! أَحْسَنُ إِلَى النَّاسِ تَسْتَعْبِدُ قُلُوبَهُمْ!
- (۲) صَدِيقُكَ مَنْ صَدَّقَكَ لَا مَنْ صَدَّقَكَ! عَالِمٌ يَنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ!

درک مطلب

■ اِفْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يَنْاسِبُ النَّصَّ

❁ الأولادُ زينةُ الحياةِ الدنيا. تربيةُ الأولادِ هي الأساسُ في تكوينِ مُجْتَمَعٍ سَلِيمٍ.

تَطْلُبُ تَرْبِيَةَ الْأَطْفَالِ جَهْدًا مُضَاعَفًا مِنَ الْأُمِّ فِي أَوَائِلِ عُمْرِهِمْ. بَعْدَ السَّنَةِ الثَّالِثَةِ تَقْرِبًا يَجِبُ عَلَى الْأَبِ أَنْ يُسَاعِدَ الْأُمَّ فِي هَذِهِ التَّرْبِيَةِ. تُعَدُّ التَّرْبِيَةُ الْإِسْلَامِيَّةُ لِلْأَوْلَادِ مِنْ إِحْدَى الْأَوَّلِيَّاتِ لَدَى الْوَالِدَيْنِ فِي مُجْتَمَعِنَا. لِأَنَّ التَّرْبِيَةَ الْإِسْلَامِيَّةَ الصَّحِيحَةَ وَ السَّلِيمَةَ لِلْإِنْسَانِ تُعَدُّ سَبَبًا رَئِيسِيًّا فِي سَعَادَةِ هَؤُلَاءِ الْأَوْلَادِ فِي دُنْيَاهُمْ وَ فِي آخِرَتِهِمْ. مِنْهَا: التَّأَكُّدُ عَلَى الصِّدْقِ وَ الْأَمَانَةِ، عَدَمُ الْكِذْبِ وَ احْتِرَامُ الْوَالِدَيْنِ. مِنْ وَظَائِفِ الْأَبِ وَ الْأُمِّ، احْتِرَامُ الْوَلَدِ أَمَامَ الْآخَرِينَ. الصَّدَاقَةُ بَيْنَ الْوَالِدَيْنِ وَ الْأَوْلَادِ هِيَ وَسِيلَةُ التَّقَرُّبِ لِلْأَوْلَادِ.

يُرْشِدُ الْأَبَاءُ وَ الْأُمّهَاتُ أَوْلَادَهُمْ دَائِمًا إِلَى تَعَلُّمِ الْعُلُومِ وَ الْفُنُونِ النَّافِعَةِ، الْإِبْتِعَادِ عَنِ الْأَرَاذِلِ وَ التَّقَرُّبِ إِلَى الْأَفْاضِلِ وَ مُطَالَعَةِ الْكُتُبِ وَ احْتِرَامِ الْقَانُونِ، وَ الْإِقْتِصَادِ فِي اسْتِثْلَاكِ الْمَاءِ وَ الْكَهْرَبَاءِ. مِنْ أَطْفَالِ الْيَوْمِ يُصْنَعُ عُلَمَاءُ وَ أَكَابِرُ الْغَدِ. هَؤُلَاءِ هُمُ الَّذِينَ سَوْفَ يَدِيرُونَ دَوْلَتَنَا فِي الْمُسْتَقْبَلِ.

٤٤. عَيِّنِ الْخَطَأَ حَسَبَ النَّصِّ:

- (١) إِحْدَى الْأَوَّلِيَّاتِ فِي مُجْتَمَعِنَا التَّرْبِيَةُ الْإِسْلَامِيَّةُ لِلْأَوْلَادِ! (٢) الصَّدَاقَةُ بَيْنَ الْوَالِدَيْنِ وَ الْأَوْلَادِ هِيَ وَسِيلَةُ التَّقَرُّبِ لِلْأَوْلَادِ!
(٣) تَطْلُبُ تَرْبِيَةَ الْأَطْفَالِ جَهْدًا مُضَاعَفًا مِنَ الْأَبِ فِي أَوَائِلِ عُمْرِهِمْ! (٤) التَّأَكُّدُ عَلَى الصِّدْقِ وَ الْأَمَانَةِ مِنَ التَّرْبِيَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ!

٤٥. عَلَى حَسَبِ النَّصِّ «الْأَبَاءُ وَ الْأُمّهَاتُ يُرْشِدُونَ أَوْلَادَهُمْ إِلَى» عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ:

- (١) اسْتِثْلَاكِ الْمَاءِ الْكَثِيرِ! (٢) تَعَلُّمِ الْفُنُونِ النَّافِعَةِ! (٣) عَدَمُ احْتِرَامِ الْقَانُونِ! (٤) الْإِبْتِعَادِ عَنِ الْأَفْاضِلِ!

٤٦. عَيِّنِ الْخَطَأَ:

- (١) أَطْفَالُ الْيَوْمِ لَا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يَدِيرُوا دَوْلَتَنَا فِي الْمُسْتَقْبَلِ! (٢) احْتِرَامُ الْوَلَدِ أَمَامَ الْآخَرِينَ مِنْ وَظَائِفِ الْوَالِدَيْنِ!
(٣) مِنْ أَطْفَالِ الْيَوْمِ يُصْنَعُ عُلَمَاءُ الْغَدِ! (٤) تَرْبِيَةُ الْأَوْلَادِ هِيَ الْأَسَاسُ فِي تَكْوِينِ مُجْتَمَعٍ سَلِيمٍ!

٤٧. عَيِّنِ الصَّحِيحَ [فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ] لِلْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ فِي النَّصِّ:

- (١) تُعَدُّ: فَعْلٌ مَعْلُومٌ - مُتَعَدٍّ - لِلغَايَةِ / فَعْلٌ وَ فَاعِلُهُ «التَّرْبِيَةُ»
(٢) الْآخَرِينَ: جَمْعٌ مَذْكُورٌ سَالِمٌ - اسْمٌ فَاعِلٍ / مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ بِالْيَاءِ
(٣) يُرْشِدُ: فَعْلٌ مُضَارِعٌ - لِلغَايَةِ - لَازِمٌ / فَعْلٌ وَ فَاعِلُهُ «الْأَبَاءُ» وَ الْجُمْلَةُ فَعْلِيَّةٌ
(٤) الْأَرَاذِلُ: جَمْعٌ مَكْسَرٌ (مَفْرُودٌ: الْأَرَذَلُ) - اسْمٌ تَفْضِيلِيٌّ - مَذْكُورٌ / مَجْرُورٌ بِحَرْفِ الْجَرِّ بِالْكَسْرِ

❁❁❁ إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَخْلُو مِنَ الْمَتَاعِ وَ الْمَشَاكِلِ، وَ الْإِنْسَانُ يُوجِهُ فِي حَيَاتِهِ الْمَشْكِلَاتِ دَائِمًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَكُونَ لَهُ خُلُقٌ حَسَنٌ حَتَّى لَا يَكُونَ وَحِيدًا. رَوَى عَنِ النَّبِيِّ الْأَكْرَمِ ﷺ أَنَّ مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ وَ الْآخَرِينَ وَلَكِنْ حُسْنُ الْخُلُقِ يُثَبِّتُ الْمَوَدَّةَ. كُلُّ شَيْءٍ فِي الطَّبِيعَةِ بِاسْمٍ. فَالزُّهْرُ بِاسْمِهِ وَ الْغَابَاتُ وَ الْبَحَارُ وَ الْأَنْهَارُ وَ السَّمَاءُ وَ النَّجُومُ وَ الطُّيُورُ كُلُّهَا بِاسْمِهِ وَ الْإِنْسَانُ كَذَلِكَ بِاسْمِهِ بِطَبِيعِهِ. كُلُّ إِنْسَانٍ يَرَى الدُّنْيَا مِنْ خِلَالِ خُلُقِهِ وَ فِكْرِهِ، مَنْ حَسَنَ خُلُقُهُ حَفِظَ دِينَهُ وَ سَهَّلَتْ لَهُ طُرُقُ الْعَيْشِ. فَيَرَى الدُّنْيَا وَ مَخْلُوقَاتِهِ جَمِيلًا كَمَا خُلِقَتْ. مَنْ كَانَ لَهُ خُلُقٌ سَوَاءٌ يَفْقِدُ أَصْدِقَاءَهُ لِأَنَّهُمْ لَا يُشَاهِدُونَ عَمَلَهُ الْخَيْرَ بِسَبَبِ سَوْءِ خُلُقِهِ. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «سَوْءُ الْخُلُقِ يَفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يَفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ». إِذَا طَلَبْتَ الْإِبْتِسَامَ لِلْحَيَاةِ فَحَارِبْ سَوْءَ الْخُلُقِ. رَوَى عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: «لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ». وَ قَالَ أَيْضًا «التَّقْوَى وَ حُسْنُ الْخُلُقِ سَبَبٌ ذَهَابِ أُمَّتِي إِلَى الْجَنَّةِ».

٤٨. عَيِّنِ الْخَطَأَ حَسَبَ النَّصِّ: مِنْ رَأْيِ النَّبِيِّ ﷺ

- (١) سَوْءُ الْخُلُقِ سَبَبٌ فِي سَادِ الْعَمَلِ! (٢) يَذْهَبُ ٣ حُسْنُ الْخُلُقِ بِالْأُمَّةِ إِلَى الْجَنَّةِ فَقَطًا!
(٣) مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ! (٤) أَثْقَلَ الشَّيْءُ فِي الْمِيزَانِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ!

٤٩. عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

- (١) تُشَاهَدُ أَعْمَالُ الْخَيْرِ بِسَبَبِ سَوْءِ الْخُلُقِ! (٢) قَدْ يَلْزَمُ سَوْءُ الْخُلُقِ فِي الْحَيَاةِ!
(٣) مَنْ حَسَنَ خُلُقُهُ لَا يَرَى الدُّنْيَا جَمِيلًا! (٤) دِينَ الْمُؤْمِنِ يُحْفَظُ بِحُسْنِ الْخُلُقِ!

٥٠. عَلَى حَسَبِ النَّصِّ عَيِّنِ الْخَطَأَ:

- (١) يَرَى الْإِنْسَانُ الدُّنْيَا مِنْ خِلَالِ خُلُقِهِ وَ فِكْرِهِ! (٢) حُسْنُ الْخُلُقِ يُسَهِّلُ طُرُقَ الْحَيَاةِ!
(٣) سَوْءُ الْخُلُقِ فِي الْعَمَلِ يُشَبِّهُ بِالْعَسَلِ! (٤) حُسْنُ الْخُلُقِ يُثَبِّتُ الْمَوَدَّةَ بَيْنَ النَّاسِ!

١. خُذْنَا

٢. سَرَكَه

٣. يَذْهَبُ بِ: مَيَّ يَرُدُّ

۵۱. عَيْنِ الصَّحِيحِ [في الإعراب و التحليل الصرفي] للكلمات المعينة في النص:

- (۱) رُوِيَ: فعلٌ ماضٍ - للغائب - مجهولٌ / فعلٌ و الجملة فعليةٌ
 (۲) الدنيا: اسمٌ - مفردٌ - اسمٌ تفضيل / فاعلٌ لفعل «يَرَى»
 (۳) طُرُق: جمعٌ مكسَّرٌ (مفردة: طَرِيق) - مذكَّرٌ / مبتدأ و مرفوع بالضمّة
 (۴) يُشَاهِدُونَ: فعلٌ مضارعٌ - للغائبين - متعدّدٌ - مجهولٌ / فعل و مع نائب فاعله جملة فعليةٌ

قواعد

■ عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ

۵۲. عَيْنُ عِبَارَةٍ مَاجَاءَ فِيهَا جَمْعُ مُكَسَّرٍ:
 (۱) يَسْتَمِعُ الشَّبَابُ إِلَى كَلَامِ الْوَالِدِينَ! (۲) يُرْشِدُنَا أَسَاتِدُنَا فِي حَيَاتِنَا! (۳) إِنَّ اللَّهَ لَا يَجِبُ الْمُتَكَبِّرِينَ! (۴) فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الْأُمُورِ الْمُهْمَمَةِ!
۵۳. عَيْنُ عِبَارَةٍ جَاءَ فِيهَا الْجَمْعُ الْمَكْسَرُ أَكْثَرُ:
 (۱) يَجِبُ الْآبَاءُ وَ الْأُمَّهَاتُ رُؤْيَةَ أَوْلَادِهِمْ فِي أَحْسَنِ حَالٍ!
 (۲) الْإِنْتِعَادُ عَنِ الْأَرَادِلِ وَ التَّقَرُّبُ إِلَى الْأَفْضَلِ!
 (۳) إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ!
 (۴) التَّوَاضُّعُ أَمَامَ أَصْدِقَائِنَا وَ زُمَلَانِنَا وَ أَقْرَبَانِنَا مِنْ وَاجِبَاتِنَا!
۵۴. عَيْنُ مَا لَيْسَ اسْمُ التَّفْضِيلِ:
 (۱) أَكْثَرُ (۲) أَشْجَعُ (۳) أَعْلَمُ (۴) أَرْزَقُ
۵۵. عَيْنُ مَا لَيْسَ اسْمُ الْمَكَانِ:
 (۱) مَكَاتِبُ (۲) مَلَاعِبُ (۳) مَنَافِعُ (۴) مَعَامِلُ
۵۶. مَا هُوَ الْخَطَأُ؟
 (۱) أَدْنَى ← دُنْيَا (۲) آخِرَ ← أُخْرَى (۳) أَعْظَمَ ← عُظْمَى (۴) أَحْسَنَ ← حُسْنَى
۵۷. مَا هُوَ الصَّحِيحُ حَسَبَ قَوَاعِدِ صِيَاعَةِ اسْمِ التَّفْضِيلِ لِلْمَوْثُوثِ؟
 (۱) عَلِيَا (۲) سَوْدَاءَ (۳) بَيْضَاءَ (۴) صَفْرَاءَ
۵۸. مَا هُوَ الصَّحِيحُ عَنِ عَدَدِ اسْمِ التَّفْضِيلِ فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ؟ «أَعْظَمُ الْعِبَادَةِ أَجْرًا أَخْفَاهُمْ!»
 (۱) وَاحِد (۲) اثْنَانِ (۳) ثَلَاثَةٌ (۴) أَرْبَعَةٌ
۵۹. فِي أَيِّ عِبَارَةٍ جَاءَ اسْمُ التَّفْضِيلِ؟
 (۱) «لَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا» (۲) «أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (۳) «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» (۴) «أَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ»
۶۰. عَيْنُ «خَيْرًا» لَيْسَ اسْمُ التَّفْضِيلِ:
 (۱) عَالِمٌ يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ!
 (۲) لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ!
 (۳) وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينِ!
 (۴) هَذَا الْعَمَلُ خَيْرٌ مِمَّا تَفْعَلُونَ!
۶۱. مِمَّا يُمَيِّزُ الْعِبَارَةَ الَّتِي كَلِمَةُ «خَيْرٍ» فِيهَا اسْمُ تَفْضِيلٍ:
 (۱) يَا اللَّهَ، بَيِّدِكَ الْخَيْرَ! (۲) الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ! (۳) الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ! (۴) يَرَى الْإِنْسَانُ لِكُلِّ خَيْرٍ خَيْرًا!
۶۲. عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهَا اسْمُ تَفْضِيلٍ:
 (۱) الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوَاءِ!
 (۲) «فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ»
 (۳) كَانَ حَسَنٌ خَيْرَ الطَّالِبِ فِي الْمَدْرَسَةِ!
 (۴) أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكُسْبُ مِنَ الْحَلَالِ!
۶۳. عَيْنُ مَا فِيهِ اسْمُ الْمَكَانِ:
 (۱) كَمْ الْمَسَافَةُ مِنْ بَغْدَادَ إِلَى هُنَاكَ؟
 (۲) ذَهَبَ السَّائِحُ لِرَبَازَةِ مَرْقَدِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ!
 (۳) إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ!
 (۴) الْمِهْرَجَانُ احْتِفَالٌ عَامٌّ بِمُنَاسَبَةِ جَمِيلَةٍ!
۶۴. عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ مَكَانٍ:
 (۱) النَّاقِلَاتُ تَنْتَقِلُ النَّفْطَ إِلَى مَخَارِنِ!
 (۲) سَلَى الْمَصْنَعُ رَكْبًا تَهَيَّمُ فِي الْفَلَوَاتِ!
 (۳) الْعَامِلُ يَبْنِي الْمَنَازِلَ الْعَالِيَةَ!
 (۴) «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ»

٦٥. ما هُوَ الْخَطَأُ لِلْفَرَاغِ فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ؟ «مَرِيَمُ وَ فَاطِمَةُ أُخْتَايَ؛ مَرِيَمُ.....»
 (١) أَكْبَرُ مِنْ فَاطِمَةَ! (٢) كَبُرَى أُخْتِي! (٣) كَبُرَى مِنْ فَاطِمَةَ! (٤) هِيَ الْكَبُرَى!
٦٦. عَيَّنِ الْخَطَأَ عَنِ الْأَفْعَالِ الَّتِي لَهَا خَطٌّ:
 (١) اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي: (الفِعْلُ الْمَاضِي - فِعْلُ الْأَمْرِ)
 (٢) «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»: (الفِعْلُ الْمُضَارِعُ الْمَجْهُولُ)
 (٣) «قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»: (الفِعْلُ الْمَاضِي - الفِعْلُ الْمُضَارِعُ - الفِعْلُ الْمَضَارِعُ الْمُنْفِي)
 (٤) يُصْنَعُ الْخُبْرُ مِنَ الْعَجِينِ: (الفِعْلُ الْمُضَارِعُ الْمَجْهُولُ)
٦٧. عَيَّنِ الْخَطَأَ عَنِ الْفِعْلَيْنِ: «تَعَلَّمَ / تَتَبَادَلُ»
 (١) الفِعْلُ الْمَاضِي / الفِعْلُ الْمُضَارِعُ
 (٢) لَهُمَا حَرْفَانِ زَائِدَانِ
 (٣) مَصْدَرُهُ «تَعْلِيم» / مَصْدَرُهُ «تَبَادُلُ»
 (٤) سَوْمَ شَخْصٍ مَفْرَدٍ / سَوْمَ شَخْصٍ مَفْرَدٍ
٦٨. عَيَّنِ الْأَفْعَالِ كُلُّهَا مِنْ نَوْعٍ وَاحِدٍ:
 (١) انْكَسِرْنَ / اقْتَرَبُوا / تَكْتَبُوا (٢) انْتَقَمْنَا / أَحْسَنَ / عَلَّمُوا
 (٣) تَنْصَحِينَ / تُلْقِبُونَ / تَحَرَّكْنَ (٤) تُسَافِرُ / تَعْتَقِدْنَ / تَكَاتِبُ
٦٩. عَيَّنِ مَا مِنْ بَابٍ «إِفْتِعَالٌ»:
 (١) انْتَشَرَ / انْتَفَدَ (٢) انْعَطَفَ / اجْتَنَبَ (٣) اسْتَغْفَرَ / اسْتَرْكَ (٤) اسْتَقْبَلَ / اسْتَرْقَ
٧٠. عَيَّنِ مَا عَلَى وَزْنِ «نَفَعَلٌ»:
 (١) انْتَحَرَ / انْجَمَدَ (٢) انْتَظَرَ / انْفَتَحَ (٣) انْتَبَهَ / انْصَرَفَ (٤) انْبَسَطَ / انْقَطَعَ
٧١. عَيَّنِ مَا عَلَى وَزْنِ «اسْتِفْعَالٌ»:
 (١) اسْتِمَاعَ / اسْتِكْبَارَ (٢) اسْتِعْلَامَ / اسْتِرْجَاعَ (٣) اسْتِلامَ / اسْتِغْفَارَ (٤) اسْتِثْمَارَ / اسْتِسامَ
٧٢. عَيَّنِ الْخَطَأَ حَسَبَ الصَّمِيرِ:
 (١) أَنْتُمَا جَالِسْتُمَا (٢) هُنَّ يُجَالِسُونَ (٣) أَنَا أَجَالِسُ (٤) هِيَ تُجَالِسُ
٧٣. عَيَّنِ الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ:
 (١) لَا تَلْقَبُوهُمْ بِالْقَابِ يَكْرَهُونَهَا!
 (٢) «وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أِذَا مَا مِثُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا»
 (٣) «وَلَا تُصْعَرُ حَدَلُكَ لِلنَّاسِ»
 (٤) «أَيُّحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا»
٧٤. عَيَّنِ مَا لَيْسَ فِيهِ فِعْلٌ مَجْهُولٌ:
 (١) «اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ»
 (٢) «فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ»
 (٣) «قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أُعْبِدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ»
 (٤) «فَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ»
٧٥. عَيَّنِ الْخَطَأَ عَنِ الْأَفْعَالِ عَلَى التَّرْتِيبِ:
 (١) أَرَادَ قَنْبَرٌ أَنْ يَسْبَ رَجُلًا!: (الفِعْلُ الْمَاضِي لِلْمَعْلُومِ / الفِعْلُ الْمُضَارِعُ لِلْمَعْلُومِ)
 (٢) «فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يَظْلَمُونَ شَيْئًا»: (الفِعْلُ الْمُضَارِعُ لِلْمَجْهُولِ / الفِعْلُ النَّفْيِي لِلْمَجْهُولِ)
 (٣) «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ»: (فِعْلُ النَّهْيِ لِلْمَعْلُومِ / الفِعْلُ الْمُضَارِعُ لِلْمَجْهُولِ)
 (٤) «رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْجِلُ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ»: (الفِعْلُ الْمُضَارِعُ لِلْمَعْلُومِ / الفِعْلُ الْمَاضِي لِلْمَعْلُومِ)
٧٦. فِي أَيِّ عِبَارَةٍ يُعَرَّفُ الْفَاعِلُ؟
 (١) تُحَوَّلُ أَشْعَةُ الْقَمَرِ الْفَضِيَّةِ الظَّلَامِ إِلَى الضَّوِّ!
 (٢) «يُعَرَّفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيَمَاهُمْ»
 (٣) «وَأُخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ»
 (٤) «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»
٧٧. عَيَّنِ الْخَطَأَ عَنِ الْكَلِمَاتِ فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»
 (١) صَبْرًا: مَفْعُولٌ (٢) «نَا» دَرَأْنُزْنَا: فَاعِلٌ (٣) الْقَوْمُ: مَجْرُورٌ بِحَرْفِ الْجَرِّ (٤) الْكَافِرِينَ: صِفَةٌ
٧٨. عَيَّنِ الْفَاعِلَ:
 (١) أَلْعَلِمَ صَبْدٌ وَ الْكِتَابَةُ قَبْدًا!
 (٢) «لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ»
 (٣) ثَمَرَةُ الْعَقْلِ مُدَارَةُ النَّاسِ!
 (٤) حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ!

۷۹. ما هُوَ الْخَطَأُ عَنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ؟ ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾
 (۱) سَكِينَةٌ: مفعول (۲) الْمُؤْمِنِينَ: صفة (۳) اللَّهُ: فاعل (۴) ضمير متصل «و»: مضاف إليه
۸۰. ما هُوَ الصَّحِيحُ عَنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:
 (۱) خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ: (فاعل)
 (۲) ﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾: (مفعول)
 (۳) جَمَالَ الْمَرْءُ فَصَاحَةً لِسَانِهِ: (خبر)
 (۴) خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا: (مبتدأ)
۸۱. عَيِّنِ الْخَطَأَ:
 (۱) ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ: (خبر)
 (۲) أَلْجَلِيسُ الصَّالِحِ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ: (صفة)
 (۳) السَّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ: (مبتدأ)
 (۴) شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ: (خبر)
۸۲. ما هُوَ الصَّحِيحُ؟ «أَلْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ»
 (۱) يَأْكُلُ: خبر (۲) الْحَسَنَاتِ: فاعل (۳) النَّارُ: مُبتدأ (۴) الْحَطَبُ: خبر
۸۳. ما هُوَ الْخَطَأُ عَنِ الْكَلِمَاتِ فِي عِبَارَةِ «أَعْلَمَ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ»؟
 (۱) مَنْ: خبر (۲) عِلْمٌ: مجرور بحرف الجر (۳) عِلْمٌ: فاعل (۴) أَعْلَمَ: مُبتدأ
۸۴. عَيِّنِ الْمَفْعُولَ:
 (۱) حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتَرْ قُبْحَ النَّسَبِ!
 (۲) عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ!
 (۳) ﴿يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾
 (۴) الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ!
۸۵. عَيِّنِ ضَمِيرَ الْيَاءِ مَفْعُولًا:
 (۱) إِشْتَرَى أَبِي لِأُخْتِي الصَّغِيرَةِ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ!
 (۲) ﴿وَأَدْخُلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾
 (۳) أَكْتُبِي وَاجِبَاتِكَ فِي الْوَقْتِ الْمُنَاسِبِ!
 (۴) لَا تَطْلُبِي هَذِهِ الْمَقَالَةَ!
۸۶. عَيِّنِ الْخَبَرَ:
 (۱) فِي الشِّتَاءِ يُنْزَلُ الثَّلْجُ!
 (۲) فِي قَرْيَتِنَا يُحْصَدُ الْقَمْحُ!
 (۳) فِي صَفْنَا التَّلَامِيذُ يُجْتَبَوْنَ الْمُطَالَعَةَ!
 (۴) فِي الْغُرْفَةِ الثَّانِيَةِ لَا يَعْمَلُ الْمُكَيِّفُ!
۸۷. عَيِّنِ مَا لَيْسَ فِي الْعِبَارَاتِ:
 (۱) شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ: (إِسْمُ التَّفْضِيلِ / الْمَفْعُولُ)
 (۲) مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ: (إِسْمُ التَّفْضِيلِ / الْمَجْرُورُ بِحَرْفِ الْجَرِّ)
 (۳) تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً: (إِسْمُ التَّفْضِيلِ / الصِّفَةُ)
 (۴) سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ: (الْخَبَرُ / إِسْمُ التَّفْضِيلِ)
۸۸. عَيِّنِ مَا لَيْسَتْ فِيهِ صِفَةٌ:
 (۱) يَزْرَعُ الْفَلَّاحُ الْمَجْدُ أَشْجَارَ التَّقَاحِ!
 (۲) أَخِي قَانِعٌ، يَرْضَى بِطَعَامٍ قَلِيلٍ!
 (۳) لِصَدِيقِي فَضْلٌ فِي حُسْنِ الْخُلُقِ!
 (۴) الْيَوْمَ السَّادِسُ مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْخَمِيسِ!
۸۹. فِي أَيِّ عِبَارَةٍ لِلِاسْمِ صِفَةٌ وَ مُضَافٌ إِلَيْهِ مَعًا؟
 (۱) كَانَ كُلُّ طَالِبٍ يَلْعَبُ دَوْرَةَ بِمَهَارَةٍ بِالْغَةِ!
 (۲) ذَنْبٌ وَاحِدٌ كَثِيرٌ وَ أَلْفٌ طَاعَةٌ قَلِيلٌ!
 (۳) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ!
 (۴) تَذَخَّلَ الْمُدِيرُ وَ نَصَحْنَا وَ نَذَمْنَا عَلَى عَمَلِنَا الْقَبِيحِ!
۹۰. عَيِّنِ الْخَطَأَ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ:
 (۱) أُرِيدُ أَنْ رُخِّصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ!
 (۲) تَبْدَأُ الْأَسْعَارُ مِنْ خَمْسَةٍ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا إِلَى خَمْسَةٍ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ!
 (۳) أَرَادَ صَدِيقِي أَنْ يَسَبَّ الَّذِي كَانَ سَبَّهُ فِي الشَّارِعِ الْمُرْدَحِمِ!
 (۴) قَالَ النَّبِيُّ: بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ!
۹۱. عَيِّنِ الْخَطَأَ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ:
 (۱) خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ!
 (۲) عَلَيْنَا أَنْ نَتَوَاضَعَ أَمَامَ أَسَاتِذَتِنَا وَ أَصْدِقَائِنَا وَ كُلِّ مَنْ حَوْلَنَا!
 (۳) يُحِبُّ الْوَالِدَانِ رُؤْيَا أَوْلَادِهِمَا فِي أَحْسَنِ حَالٍ!
 (۴) أُمِّي ذَهَبَتْ إِلَى الْمَطْبَخِ حَتَّى يَطْبَخَ الْغَدَاءَ لِصُيُوفِنَا!

(ويژه علاقمندان)

تست‌های کنکور سراسری

(عمومی فارغ کشور-۱۱۴۰۰)

۹۲. «إِنَّ قَلَمَ الْعَالِمِ وَ لِسَانَهُ هُمَا أَفْضَلُ الْجُنُودِ الَّذِينَ يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يُدَافِعُوا عَنْ ثِقَافِهِمْ بِأَحْسَنِ طَرِيقٍ!»:

- (۱) قلم و زبان عالم سربازانی‌اند که قادرند از فرهنگ سرزمین خودشان به زیباترین طریق دفاع نمایند!
- (۲) قلم عالم و زبان او همان سربازان برترند که می‌توانسته‌اند به نیکوترین راه از فرهنگ کشورشان دفاع نمایند!
- (۳) قلم عالم و زبان او بهترین سربازانی هستند که می‌توانند از فرهنگ کشور خود به بهترین روش دفاع کنند!
- (۴) قلم و زبان دانشمند همان سربازانی هستند که می‌توانند به روشی نیکو از فرهنگ سرزمین‌های خویش دفاع کنند!

(عمومی فارغ کشور-۱۱۴۰۰)

۹۳. «إِنَّ الضُّوءَ مِنْ أَهَمِّ الْعَوَامِلِ الَّتِي تَوْثِّرُ فِي حَيَاةِ الْكَائِنَاتِ الَّتِي تَعِيشُ فِي أَعْمَاقِ الْمَحِيطَاتِ»:

- (۱) نور از عوامل مهمی است که تأثیرش در زندگی موجوداتی که در اعماق اقیانوس‌ها به سر می‌برند حتمی است!
- (۲) قطعاً نور از مهم‌ترین عواملی است که در زندگی موجوداتی که در اعماق اقیانوس‌ها زندگی می‌کنند اثر می‌گذارد!
- (۳) نور از مهم‌ترین عواملی است که تأثیر آن در موجوداتی که در اعماق اقیانوس‌ها به سر می‌برند قطعی است!
- (۴) قطعاً نور از عوامل مهمی است که در زندگی موجوداتی که در اعماق اقیانوس‌ها زندگی می‌کنند تأثیر دارد!

(عمومی انسانی فارغ کشور-۱۱۴۰۰)

۹۴. «هُوَ أَسْتَاذُ عَالِمٍ فِي هَذِهِ اللُّغَةِ فَجَادِلْهُ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ لِأَنَّهُ أَعْلَمُ مِنْ فِي هَذِهِ الْبِلَادِ»:

- (۱) او استاد دانشمندی در این زبان است، پس با او با آن چه نکوتر است بحث کن زیرا او داناترین کسانی است که در این کشور هستند!
- (۲) او استادی دانشمند در این زبان است، لذا به نیکوترین شیوه با او بحث کن زیرا او داناتر از کسانی است که در این کشور هستند!
- (۳) او استادی فاضل در این زبان است، پس بحث با او باید به نیکوترین چیز باشد چه او داناترین کسانی است که در این کشور می‌باشند!
- (۴) او استاد فاضلی است در این زبان، لذا باید با او به روشی نیکو بحث علمی کنی چه او داناتر از آن‌هایی است که در این کشور می‌باشند!

(زبان ۱۱۴۰۰)

۹۵. «مَنْ أَفْضَلُ الطَّرِيقِ لَاحْتِشَافِ كَذِبِ الْأَشْخَاصِ هُوَ مَقَابِسَةُ مَا يَقُولُونَهُ بِمَا يَفْعَلُونَهُ»:

- (۱) آن‌که بهترین راه را برای پیدا کردن اشخاص دروغگو دارد همان است که گفته آن‌ها را با عملشان مقایسه کند!
- (۲) از بهترین راه‌ها برای کشف دروغ افراد همان مقایسه چیزی است که می‌گویند با چیزی که بدان عمل می‌کنند!
- (۳) کسی که بهترین راه‌ها را برای کشف دروغ افراد دارد، آن‌چه را آن‌ها می‌گویند با آن‌چه به آن عمل می‌کنند مقایسه می‌کند!
- (۴) بهترین راه برای یافتن دروغگویی اشخاص عبارتست از مقایسه سخنی که می‌گویند با چیزی که بدان عمل می‌کنند!

(فارغ از کشور انسانی ۹۸)

۹۶. «قَدْ تَكَرَّهَ أَمْرًا وَاللَّهِ جَعَلَهُ خَيْرًا لَكَ وَ قَدْ تُحِبُّ شَيْئًا وَاللَّهُ جَعَلَهُ شَرًّا لَكَ»:

- (۱) کاری را احتمالاً ناپسند می‌داری حال این‌که خدا خیر را در آن قرار داده، و چیزی را احتمالاً دوست می‌داری حال این‌که خدا شر را در آن قرار داده است!
- (۲) شاید کاری را زشت می‌داری در حالی‌که خدا برای تو در آن خیر قرار داده، و شاید چیزی را دوست بداری در حالی‌که خدا برای تو در آن شر قرار داده!
- (۳) کاری را گناه زشت می‌پنداری در حالی‌که خدا در آن خیری برایت قرار داده، و چیزی را گناه دوست داری در حالی‌که خدا شری در آن برایت قرار داده!
- (۴) گاهی کاری را ناپسند می‌شماری و حال این‌که خدا آن را برای تو خیر قرار داده است، و گاهی چیزی را دوست داری و حال این‌که خدا آن را برای تو شر قرار داده است!

(تجربی ۹۸)

۹۷. «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»:

- (۱) به راه پروردگارت با حکمت و موعظه نیکو دعوت کن، و با آنان با آن‌چه نیکوتر است مجادله کن!
- (۲) به راه خدای خود به وسیله دانش و پند نیکو فراخوان، و با آنان به وسیله سخنان خوب و زیبا مقابله کن!
- (۳) دعوت به راه خداوند باید با حکمت و موعظه پسندیده باشد، و با آنان با هرچه نیکوتر است مجادله کن!
- (۴) فراخواندن به راه خدای خود را از طریق پند و اندرز، زیبا انجام بده، و با آنان با شیوه‌ای بهتر مقابله کن!

(ریاضی ۹۸)

۹۸. «إِنَّ مِنْ أَخْلَصِ النَّاسِ مَنْ تَجَرَّى يَنْابِيعَ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ»:

- (۱) از مردم با اخلاص‌تر کسی است که چشمه‌های حکمتی از قلب وی بر زبانش روانه شود!
- (۲) کسی که چشمه‌های حکمت از قلب او بر زبانش جاری می‌شود، از خالص‌ترین مردم است!
- (۳) از خالص‌ترین مردمان کسی است که چشمه‌های حکمت از قلب او بر زبان وی جاری شده باشد!
- (۴) کسی که چشمه‌های حکمت را از قلب خویش بر زبان روانه سازد، از با اخلاص‌ترین مردمان است!

۹۹. «الغريب في هذه الظاهرة أَنَّ الأسماكَ متعلِّقةٌ بمياه المحيط الأطلسيِّ الَّذي هو أبعد من هناك بمائتي كيلومتر!»: (زبان ۹۸)

- (۱) عجیب است در این پدیده که ماهیان، متعلق به آب‌های اقیانوس اطلسی است که دویست کیلومتر دور از آن جاست!
- (۲) عجیب در این پدیده این است که ماهی‌ها به آب‌های اقیانوس اطلسی که دویست کیلومتر دورتر از آن جاست، تعلق دارند!
- (۳) در این پدیده، شگفت‌آور است که این ماهیان به آب‌های اقیانوس اطلسی تعلق دارند که از آن‌جا دویست کیلومتر دورتر است!
- (۴) در این پدیده، شگفتی در این است که این ماهی‌ها به آب‌های اقیانوس اطلس متعلقند که از آن‌جا دویست کیلومتر، دور می‌باشد!

۱۰۰. «إِلْزَمِ التَّفَكُّرَ وَ التَّعَلُّمَ فَهُمَا أَمْرَانِ قَدْ شَجَّعَ الْإِسْلَامُ الْمُسْلِمِينَ بِهِمَا مُنْذُ ظُهُورِهِ»: (ریاضی ۹۴)

- (۱) همراه تفکر و آموختن باش، زیرا این امور از ابتدای ظهور اسلام مورد تأکید بوده و مسلمانان به آن تشویق شده‌اند!
- (۲) تفکر و تعلیم بر تو واجب است، چه این دو امر همان است که اسلام از ابتدای ظهور به مسلمانان تأکید کرده است!
- (۳) بر تفکر و آموزش متعهد باش، زیرا آن‌ها اموری هستند که اسلام از ابتدای ظهورش مسلمین را بدان‌ها تشویق کرده است!
- (۴) پایبند تفکر و یادگیری باش، چه آن‌ها دو امری هستند که اسلام از ابتدای ظهورش مسلمانان را بدان‌ها تشویق کرده است!

۱۰۱. «قَدْ يُلْقِي الشَّابُّ نَفْسَهُ بِسَبَبِ أخطائه في بئرٍ، أَلْخُرُوجِ مِنْهَا صَعْبٌ كَثِيرًا!»: (ریاضی ۹۴)

- (۱) آن جوان به خاطر خطاهایش گاهی خویشتن را در چاهی می‌بیند که خروج از آن سخت است!
- (۲) آن جوان که برای اشتباهاتش خود را در چاه می‌اندازد، بیرون آمدنش از آن خیلی دشوار است!
- (۳) گاهی جوان به خاطر اشتباهاتش خود را در چاهی می‌اندازد که خارج شدن از آن بسیار دشوار می‌باشد!
- (۴) گاهی یک جوان به علت اشتباهاتش خود را در چاهی می‌بیند که بیرون آمدن از آن خیلی سخت می‌باشد!

۱۰۲. «الشُّبَّابُ الَّذِينَ يَعِيشُونَ فِي وَفُورِ النِّعْمَةِ يَقْفُونَ فِي وَجهِ الْمَصَاعِبِ أَقْلَ مِنَ السَّائِرِينَ!»: (انسانی ۹۵)

- (۱) از جوانان آنان که در برابر دشواری کمتر از سایرین ایستادگی می‌کنند، در فراوانی نعمت زندگی کرده‌اند!
- (۲) جوانان همان کسانی‌اند که در وفور نعمت به سر برده و کمتر از سایرین در برابر سختی، مقاومت کرده‌اند!
- (۳) از جوانان کسانی که در فراوانی نعمت زندگی می‌کنند، مقابل دشواری‌ها کمتر از دیگران ایستند!
- (۴) جوانانی که در وفور نعمت زندگی می‌کنند، در برابر سختی‌ها کمتر از دیگران ایستادگی می‌کنند!

۱۰۳. «أُ رَأَيْتَ أَصْبَرَ مِنْ قَطَرَاتِ الْمَاءِ الَّتِي تُحَدِّثُ رَوْثَةً فِي أَصْلَابِ الْأَحْجَارِ بِالسَّعْيِ وَ الْمَقَاوِمَةِ؟»: آيا (هنر ۹۵ با کمی تغییر)

- (۱) دیده‌ای صبورترین قطرات آب را که با سعی و مداومت، سوراخ در سخت‌ترین صخره به‌وجود می‌آورد؟
- (۲) صبورتر از قطره‌های آب دیده‌ای که با سعی و مقاومت در سخت‌ترین سنگ‌ها سوراخی ایجاد می‌کنند؟
- (۳) صبری بیش‌تر از قطره‌های آب دیده‌ای که در صخره‌های سخت با سعی و مقاومت سوراخ ایجاد می‌کند؟
- (۴) صبر این قطرات آب را می‌بینی که چنین سوراخی با سعی و مداومت در صخره‌ای سخت به‌وجود می‌آورد؟

۱۰۴. «الْأَفْضَلُ لِلطَّالِبِ أَنْ يَنْتَخِبَ فِرْعَهُ الْجَامِعِي بِدَقَّةٍ حَتَّى لَا يَنْدِمَ فِي الْمُسْتَقْبَلِ!»: (زبان ۹۰)

- (۱) دانش‌آموز باید رشته دانشگاهی خود را با دقت انتخاب کند که بعداً پشیمان نشود!
- (۲) دانش‌آموز خوب، رشته دانشگاهی خود را دقیق انتخاب می‌کند که در آینده دچار پشیمانی نشود!
- (۳) بهتر برای دانش‌آموز این است که رشته دانشگاهی خود را با دقت انتخاب کند تا در آینده پشیمان نشود!
- (۴) برای هر دانش‌آموزی بهتر این است که رشته دانشگاهی خود را دقیقاً انتخاب نماید تا بعداً دچار پشیمانی نشود!

۱۰۵. «قَدْ أُثْبِتَتِ الْاكتشافات الحديثة أَنَّ كَلًّا مِنَ الْأَلْوَانِ يَخْتَفِي فِي أعماق البحر، يسبب جزأً من ظلمته!»: (تجربی ۸۸)

- (۱) کشفیات تازه ثبت کرده‌اند که همه رنگ‌های پنهان، علتی برای تاریکی در اعماق دریاها می‌باشند!
- (۲) در کشف‌های تازه ثابت شده است که هر رنگ مخفی در عمق دریا، سبب قسمتی از تاریکی آن می‌شود!
- (۳) اکتشافات جدید ثابت کرده است که هر یک از رنگ‌ها که در اعماق دریا پنهان می‌گردد، قسمتی از تاریکی آن را سبب می‌شود!
- (۴) در اکتشاف‌های جدید ثابت شده است که همه رنگ‌ها که در اعماق دریا مخفی شده‌اند باعث جزئی از ظلمت دریا می‌گردند!

۱۰۶. عَيْنُ الصَّحِيحِ: (زبان ۱۴۰۰)

- (۱) خیرِ إخواني مَنْ أَقْرَبَ إِلَيَّ مَنِّي: بهترین برادرانم نزدیک‌ترین کس به من هستند!
- (۲) إعلم أَنَّ أقوى سلاحِ قدرة الكلام و لئنه: می‌دانم که نیرومندترین سلاح تو، قدرت سخنان و نرمی آن است!
- (۳) أكبرُ الغنى اليأسُ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ: بزرگ‌ترین بی‌نیازی ناامیدی از چیزی است که در دستان مردم است!
- (۴) أنت أعلى و خُلقك الحسنُ أثقل شيء في الميزان: تو بلندمرتبه‌ترینی و اخلاق نیک سنگین‌ترین چیز در ترازوی تو است!

(تمري ٩٩)

١٠٧. «عالم ترين مردم کسی است که علم مردم را بر علم خود افزود!». عَيْنِ الصَّحِيح:

- (١) أَعْلَمَ النَّاسَ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ!
(٢) الْأَعْلَمُ النَّاسَ مَنْ قَدْ يَجْمَعُ عَلَى عِلْمِهِ عِلْمَ النَّاسِ!
(٣) الْأَعْلَمُ مِنَ النَّاسِ الَّذِي يَجْمَعُ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ!
(٤) أَعْلَمُ مِنَ النَّاسِ هُوَ الَّذِي قَدْ جَمَعَ إِلَى عِلْمِهِ عِلْمَ النَّاسِ!

(رياضي ٩٩)

١٠٨. «بِك سَاعَتِ تَفَكَّرْ بَهْتَرِ اَزْ هَفْتَادِ سَالِ عِبَادَتِ اسْت!». عَيْنِ الصَّحِيح:

- (١) تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً!
(٢) السَّاعَةُ فِي التَّفَكَّرِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ سَنَةً الْعِبَادَاتِ!
(٣) التَّفَكَّرُ فِي السَّاعَةِ خَيْرٌ مِنَ الْعِبَادَةِ مِنْ سَبْعِينَ السَّنَةِ!
(٤) سَاعَةٌ وَاحِدَةٌ مِنَ التَّفَكُّرَاتِ أَفْضَلُ مِنْ سَنَةٍ سَبْعِينَ مِنَ الْعِبَادَاتِ!

(رياضي ٨٨)

١٠٩. «لَا تَنْزُكُ الدُّنْيَا لِلْخُصُولِ عَلَى الْآخِرَةِ» عَيْنِ الْخَطَأِ عَنْ مَفْهُومِ الْعِبَارَةِ:

- (١) لَا تَحْصِلْ عَلَى الْآخِرَةِ إِلَّا بِتَرْكِ الدُّنْيَا!
(٢) يَجِبُ أَنْ تَكُونَ الدُّنْيَا وَسِيلَةً لِكَسْبِ الْآخِرَةِ!
(٣) يَجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تَعْمَلَ فِي الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ!
(٤) يَكْتَسِبُ مَا فِي الْآخِرَةِ بِمَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا!

■ إقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يَنْاسِبُ النَّصَّ:

✿ حينما نذهب إلى المناطق الحارة قد نشاهد مناظر جذابة من بعيد، و بعد أن نقترّب منها، نرى أشجار النخل الجميلة. كما أنّ لهذه الشجرة أهميّة مادّية كبيرة، حيث يُشكّل نوع منها في بعض المناطق أساساً لمعيشة الكثير من السكان، كما أنّه غذاء رئيسي في بعض المناطق الصحراوية، و بعض أثمارها تُجفّف و تُرسل إلى مناطق أخرى!

للنخل أنواع مختلفة، حيث يُوجد حوالي ١٥٠٠ نوع يختلف مع بعضها؛ فمن أنواعه نخيل التمر الذي يُعتبر (= يُعدّ) من أهمّها، و نخيل الزيت الذي يُستعمل في صنع الصابون و موادّ التجميل!

يبلغ ارتفاع النخل ٢٧ متراً و جذعه خشن جداً، لأنّه عبارة عن بقايا غصن النخل الذي يسقط أو يُقطّع عند نموّ الشجرة الكثير!

(رياضي ٩٨ با تغيير)

١١٠. عَيْنِ الصَّحِيح:

- (١) يُجفّف التمر في المناطق التي يُرسل إليها!
(٢) نرى النخل جذاباً من البعيد و من القريب!
(٣) إن كان التمر أساساً للمعيشة لا يُرسل إلى المناطق الأخرى!
(٤) بعض ساكني المناطق الصحراوية لا يستطيعون أن يأكلوا إلا التمر!

١١١. عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنْ شَجَرَةِ النَّخْلِ:

- (١) يبلغ ارتفاعها إلى سبعة و عشرين متراً لكن غصونها أكثر طولاً و خشونة!
(٢) أنواعه متعدّدة تصل إلى ألف و خمسمائة ولكن أثمارها من نوع واحد!
(٣) لا منطقة في الأرض إلا و فيها التمر يُعرف كمادّة غذائية!
(٤) أهمّ أنواعها نخيل التمر و نخيل الزيت!

١١٢. عَيْنِ الْخَطَأِ: مِنْ فَوَائِدِ النَّخْلِ أَنَّهُ

- (١) مناظره رائعة جداً في المناطق الحارة التي لا نرى فيها أشجاراً خضراء!
(٢) مادّة غذائية مفيدة ينمو في المناطق الباردة و تعتبر ثمرته غذاءً رئيسياً!
(٣) تُصنع من ثمرته موادّ تستعمل في زينة و تجميل الناس!
(٤) تُستخدم ثمرته في الموادّ التي نحن بحاجة إليها للتّظافّة!

١١٣. عَيْنِ الْخَطَأِ: جَذَعُ النَّخْلِ خَشَنٌ جَدّاً لَأَنَّهُ

- (١) يفرق رأس الغصن و انتهاؤه فيُقطع رأسه فقط!
(٢) عندما يجفّ الغصن لا يسقط من الجذع إلا رأسه!
(٣) يقطع الفلاحون الغصن القديم بعض الأحيان و يبقى أثره!
(٤) النخل هكذا في خلقته و هو ما بقي من جذوع تسقط!

■ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ

١١٤. «نُشَاهِدُ»:

- (١) مزيد ثلاثي (حروفه الأصلية: ن ش هـ) - معلوم / مع فاعله جملة فعلية
(٢) فعلٌ متعدّدٌ - للمتكلم مع الغير - مزيد ثلاثي / فعل و مع فاعله جملة فعلية
(٣) فعل مضارع - مزيد ثلاثي (من وزن «فَاعِلٌ») - مجهول / فعلٌ و نائب فاعله «مناظر»
(٤) للمتكلم وحده - مزيد ثلاثي (مصدره: مشاهدة، من باب مفاعلة) / مع فاعله جملة فعلية

١١٥. «تُرْسَلُ»:

- (١) فعل مضارع - للغائبة - معلوم / فعلٌ و مع فاعله جملة فعلية
(٢) فعلٌ لازمٌ - مزيد ثلاثي (مصدره على وزن إفعال) / فعل و مع فاعله جملة فعلية
(٣) للغائبة - مزيد ثلاثي (ماضيّه: «أُرْسِلُ») - متعدّدٌ / فعل و الجملة فعلية
(٤) فعلٌ مجهولٌ - للمخاطب - مزيد ثلاثي (حروفه الأصلية: ر س ل) / فعل و مع نائب فاعله جملة فعلية

۱۱۶. «ارتفاع»:

- (۱) معربٌ - مذكر - مصدر (من باب انفعال) / فاعل لفعل «يبلغ»
 (۲) اسم - مفرد - مصدر (من وزن افتعال) / فاعل لفعل «يبلغ» و مرفوع بالضمة
 (۳) مذكر - فعله «ارتفع» على وزن «انفعل» / مضاف، و المضاف إليه «النخل»
 (۴) جمع مكسر أو تكسير - حروفه الأصلية «ر ف ع» / مفعول و منصوب بالفتحة

۱۱۷. عَيْنُ الخطأ:

- (۱) «الغيبة» هي أن تذكر الآخرين بما لا يكرهون!
 (۲) «الميت» هو الذي قد خرجت روحه من بدنه و لا يتنفس!
 (۳) «التجسس» سعي لمعرفة أمور الآخرين و هو من قبائح الأمور!
 (۴) «الحجرات» جمع حجرة، و هي سورة في القرآن مشهورة بالعروس!

۱۱۸. البضائع فالتاس طلبوا من الحكومة أن! عَيْنُ المناسب للفرغات:

(تجربى ۹۸)

- (۱) قيمة / يزداد / تقللها
 (۲) ثمن / كثر / تُمَرِّرها
 (۳) أسعار / ارتفعت / تُخَفِّضها
 (۴) نقود / يرتفع / تُمنَّعها

۱۱۹. عَيْنُ ما فيه اسم التفضيل:

(تجربى ۱۴۰۰)

- (۱) لا خير لنا في مصاحبة الإنسان الكذاب!
 (۲) ما تقدّموا لأنفسكم من خيرٍ تجدوه عند الله!
 (۳) جهّز نفسك لشَرِّ الأشياء و عليك أن ترجو خيرها!
 (۴) جعل الله في كلِّ نعمة خيراً إن لم يُبدِّلها إلى شَرٍّ!

۱۲۰. عَيْنُ ما فيه «اسم التفضيل» أكثر:

(رياضى ۱۴۰۰)

- (۱) أعوذ من الشرور بأحسن الخالقين!
 (۲) أشرف الناس من يكون رؤوفاً للأسرة!
 (۳) أحبُّ أوسط الأمور لأنها خير الأعمال!
 (۴) أفضلكم من هو ألين و ألطف للآخرين!

۱۲۱. عَيْنُ ما ليس فيه اسم التفضيل:

(هنر ۱۴۰۰)

- (۱) إنَّ التّفكّر خيرٌ من أيّ شيء حتّى العبادة!
 (۲) إنَّ الجماعة خيرٌ من الوحدة فعليكم بالجماعة!
 (۳) إنَّ الطّفل الصّغير يرى كلّ خيرٍ في أمّه و يلجأ إليها!
 (۴) قد تكون جملةٌ قصيرة خيراً من جملة طويلة لبيان نظرتنا!

۱۲۲. عَيْنُ ما فيه اسم التفضيل أقل:

(زبان ۱۴۰۰)

- (۱) إنَّ الخوف من الألم أسوأ من نفس الألم!
 (۲) لا تنتظر التّظّرة الحسنى، إعملها، سيجي لك خيرٌ منها!
 (۳) إنَّ الألم الذي يضطّرك إلى السّكوت أثقل من استغاثتك بأعلى الأصوات!
 (۴) إنَّ الذين ينصحونك لأفضل الأمور همّ الذين جرّبوا شرّ ظروف الحياة غالباً!

۱۲۳. عَيْنُ ما ليس فيه اسم التفضيل:

(عمومي فارغ كشور- ۱۴۰۰)

- (۱) بنى المديّر سداً بخير الأشياء من الحديد و النّحاس!
 (۲) خير الصدقة علمٌ نتعلّمه و نُعلّمه الآخرين في حياتنا!
 (۳) عليكم بالجماعة لأنّ الكثير خير من القليل لأداء الأعمال!
 (۴) في كلّ شيء خيرٌ و جمالٌ لاتشاهدهما إلا أن تنتبه إليهما!

۱۲۴. عَيْنُ كلمة «خير» أو «شرّ» ليست اسم تفضيل:

(افتماضى انسانى فارغ از كشور- ۱۴۰۰)

- (۱) خَيْرُ الناس من يُساعد الآخرين في حاجاتهم اليوميّة.
 (۲) إنّ تلوّث الهواء شرّ و هو من المهدّدات لنظام الطّبيعة.
 (۳) إنّ السّعادة بعد الغلبة على المصاعب عمل خير للإنسان.
 (۴) هَجَمَتِ الفئرانُ على المَزارع، و هذا العمل من شرّ المخربّات للطّبيعة.

۱۲۵. عَيْنُ ما فيه اسم تفضيل:

(افتماضى انسانى ۹۹)

- (۱) لِنبتعد عن الأعمال التي تجعل الأراذل يحكمون علينا!
 (۲) أحبُّ صديقي الذي يُفكّر في أعماله و أساليبه دائماً!
 (۳) كتب التلميذُ واجباته متأخراً فما أَرْضى معلّمه عنه!
 (۴) أسخطَ الصّبورُ الشّيطانَ بحلمه أمام المشاكل!

۱۲۶. عَيْنُ وزن «أفعل» ليس اسم تفضيل:

(افتماضى انسانى فارغ از كشور- ۹۹)

- (۱) أسعى الشّباب، أخبرنا بنتيجة سعيه!
 (۲) إنّ زميلي حسناً أحسن إخوته في العائلة!
 (۳) أهدى أخي عيوبي إليّ بعد ما أصلح نفسه!
 (۴) زُرْتُ أطول الكهوف المائيّة مع أحبِّ أصدقائي!

(تجربی ۹۹)

۱۲۷. عَيْنِ ما لیسِ فیہ اسم التفضیل:

- (۱) أكبر حیوان نراه حولنا هو الفیل!
(۲) یجب أن نرى الآخرين أحسن منا!
(۳) أحسن إلى الناس كما تريد أن یحسنوا إليك!
(۴) أكره الأعمال لقطع التواصل بين الناس هو الغيبة!

(ریاضی ۹۹)

۱۲۸. عَيْنِ ما فیہ اسم التفضیل و اسم المكان معاً:

- (۱) إنَّ بعض المتاجر مفتوح إلى نهاية اللَّیل!
(۲) رأیت مكتبة في مدينتنا كانت من أكابر مكاتب العالم!
(۳) نُحبُّ أن نشترى ما نريده بثمان أرخص و نوعية أعلى!
(۴) یجب أن يكون لون جدار المطابخ خاصّة في الأماكن العامّة أبيض!

(فارغ از کشور ۹۹)

۱۲۹. عَيْنِ كلمة «الشَّرَّ» لا یمكن أن تكون اسم التفضیل:

- (۱) جَهلُنَا شَرُّ أعدائنا إن نعرفه!
(۲) إنَّ الیاس شَرُّ الأشياء لتخريب حياة البشر!
(۳) لا شَرَّ إلّا أن یُمكن دفعه بالتدبیر!
(۴) الشَّرُّ بالله من شَرِّ الأعمال الّتي تُبعدنا عنه!

(انسانی ۹۸)

۱۳۰. عَيْنِ الخطأ (في التفضیل):

- (۱) لا شكَّ أنّ لغة القرآن أبغ من جميع اللّغات الأخرى!
(۲) إنَّ أختي الصّغرى هي التلميذة الكبرى في الصّف!
(۳) معلّمونا في المدرسة من أفاضل معلّمي البلاد!
(۴) هذه التلميذة صُغرى من زميلاتِها في الصّف!

(فارغ از کشور انسانی ۹۸)

۱۳۱. عَيْنِ ما فیہ اسم التفضیل:

- (۱) السّخّيّ أكرم هؤلاء الفقراء! (۲) أنا أعلم أنّ هذا ليس مفيداً!
(۳) هو عصي ربّه فندم على عمله! (۴) الإجابة الحسنى تتعلّق بأخي!

(ریاضی ۹۸)

۱۳۲. عَيْنِ ما لیسِ فیہ اسم التفضیل:

- (۱) أتقى النَّاسِ من لا یخاف النَّاسِ من لسانه!
(۲) كان من بین أصدقائي مَنْ هو أنجح التلاميذ!
(۳) أعلم أنّ مَنْ جَمَعَ علَم النَّاسِ إلى علمه فهو علیماً!
(۴) إنَّ اللون الأبيض أحسن لونٍ لألبسة الممرّضات!

(فارغ از کشور ۹۸)

۱۳۳. عَيْنِ الخطأ عن اسم التفضیل:

- (۱) الحديقة الصّغرى مع الأشجار المثمرة أحسن من الحديقة الكبرى من دون الأثمار!
(۲) الإخوان الّذين یساعدوننا في أمورنا الصّعبة خير إخوان في حياتنا!
(۳) إنَّ الأعمال الّتي نعملها لكسب الحلال فضلى من بقية أعمالنا!
(۴) ساعات تفكرنا في اليوم الواحد أقلّ من نومنا عادةً!

(زبان ۹۸)

۱۳۴. عَيْنِ ما لیسِ فیہ «اسم التّفضیل»:

- (۱) أفاضلنا من یحبّون العلم و یعملون به!
(۲) أحبُّ المعلّمين الّذين ینفعون النَّاس بأعمالهم!
(۳) حُسن الخلق أثقل الأعمال عند الله من عباده!
(۴) أحبُّ إخواننا من یُرشّدوننا إلى فهم عيوبنا بكلام لّین!

(هنر ۹۸)

۱۳۵. عَيْنِ كلمة «الخير» لیست اسم التّفضیل:

- (۱) الخير في ما وقع!
(۲) خير النَّاس من یُجبر نفسه على الخیر!
(۳) خير الأعمال أوسطها!
(۴) أحبُّ أن أقوم بخیر الأعمال في الحياة!

(انسانی ۹۸)

۱۳۶. عَيْنِ ما یدلّ علی المكان:

- (۱) هو من مُقاتلینا!
(۲) یمشون في مساكنهم!
(۳) هو من مفاخر امتنا!
(۴) مصالح الأُمّة نحفظها!

(انسانی فارغ از کشور ۹۸)

۱۳۷. عَيْنِ الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

- (۱) كانتْ مکتبةٌ جُندي سابور في خوزستان أكبر مکتبةٍ في العالم!
(۲) تُمنَح هذه الجائزة في كلّ سنةٍ إلى مَنْ یُفيدُ البشريّة!
(۳) بدأ الفلاحُ یُفکّر في سببِ ذلك و یراقبُ المزرعة!
(۴) سمعَ الدّلفین یفوقُ سمعَ الإنسانِ عشرَ مرّاتٍ!

پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس اول

- ۱۴ = ۴ «میزان: ترازو» سایر گزینه‌ها از اعضاء بدن هستند: «أرجل: پاها - أسنان: دندان‌ها - لسان: زبان»
- ۱۵ = ۳ «طائرة: هواپیما».
- (۱) جمار: خر - ثعلب: روباه‌ها (۲) ذئب: گرگ‌ها - عصفیر: گنجشک‌ها (۳) غزلان: آهوها (۴) أسد: شیر - قط: گربه
- ۱۶ = ۲ «قیمت آن پیراهن زنانه شصت و پنج هزار تومان است!» ترجمه عبارت در صورت سؤال به همراه سایر گزینه‌ها: خریدار وارد مغازه می‌شود و قیمت‌های شلوارها را از فروشنده می‌پرسد، پس فروشنده به او می‌گوید: (۱) شلوار مردانه نود هزار تومان است! (۲) شلوار زنانه هفتاد و هفت هزار تومان است! (۳) قیمت‌ها از چهل و پنج هزار تا نود هزار تومان است!
- ۱۷ = ۳ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: اسم تفضیل به همراه مضاف الیه جمع «أحبَّ عباد: دوست داشتنی‌ترین بندگان» - اسم تفضیل به همراه مضاف الیه ضمیر متصل «أنفعهم: سودمندترین‌شان، سودمندترین آن‌ها»
- ۱۸ = ۱ به اسم تفضیل در این عبارت توجه شود: «أقلَّ من: سنگین‌تر از (اسم تفضیل با حرف جرّ «من» به شکل صفت برتر به پسوند «تر» ترجمه می‌شود.)»
- ۱۹ = ۱ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «علینا أن لا نرفع: بر ماست که بالا نبریم، نباید بالا ببریم (علینا + أن + لا + فعل مضارع)» - فعل مضارع «ننکلم: سخن می‌گوییم» - جمع مکسر «أصوات: صداها» - «معه: با او» - اسم تفضیل به همراه مضاف الیه «أرفع الأصوات: بالاترین صداها»
- ۲۰ = ۱ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «علینا أن لا نمشي: بر ماست که راه نرویم، نباید راه برویم (علینا + أن + لا + فعل مضارع)» - فعل مضارع منفی «لا یحب: دوست نمی‌دارد» - اسم جمع مذکر سالم «المکتبیین: مغروران، متکبران»
- ۲۱ = ۴ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: اسم اشاره مفرد «هذه: این» - جمع مکسر با صفت «المواعظ القیمة: پندهای ارزشمند» - اسم مفرد با صفت «نمودجة تربویة: نمونه‌ای پرورشی» - فعل لازم (ناگذر) که با توجه به فاعل، جمع ترجمه می‌شود «لیهتدی: تا ... راهنمایی شوند» - «کل» بر سر اسم جمع «کل الشبایب: همه جوانان»
- ۲۲ = ۲ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: فعل مضارع که طبق فاعل خود، به صورت جمع ترجمه می‌شود «یحب: دوست دارند» - فعل مضارع با حرف «أن» بر سر آن «أن یقدّموا: که تقدیم کنند (که + مضارع التزامی)» - کلمه «کل» + اسم جمع مکسر: همه پدران» - «تجارهم القیمة: تجربه‌های ارزشمندشان (اسم جمع مکسر «مضاف و موصوف» + مضاف الیه «ضمیر» + صفت «

- ۱ = ۲ «القیمة: ارزشمند» ترجمه عبارت: «پندهای ارزشمند از حکیمان فایده زیادی برای همه جوانان دارند»
- ۲ = ۱ «المنون: هنرها» ترجمه عبارت: «نقاشی از هنرهای سودمند برای فرزندانمان است!»
- ۳ = ۳ «الإقتصاد: صرفه‌جویی / استهلاک: مصرف کردن» ترجمه عبارت: «صرفه‌جویی در مصرف گاز کاری منطقی است!»
- ۴ = ۴ «المنکر: کار زشت» ترجمه عبارت: «کار زشت در آموزش‌های دین‌های الهی منع شده است!»
- ۵ = ۱ «خذ: گونه، روی، چهره» ترجمه عبارت: «با تکبر رویت را از مردم برنگردان!»
- ۶ = ۳ «مقتصد: صرفه‌جو». سایر کلمات مناسب جای خالی هستند. ترجمه عبارت با سایر گزینه‌ها: «به راستی خداوند هر دشنامگویی / خودپسندی / خخرفروشی را دوست نمی‌دارد.»
- ۷ = ۴ «نزدیک شدن به فرومایگان». سایر کلمات مناسب فرزندانمان هستند: (۱) توجه به ورزش (۲) احترام به قانون (۳) مطالعه کتاب‌ها
- ۸ = ۴ ترجمه عبارات به همراه کلمات مناسب آن‌ها: الف) با دوستم تماس گرفتیم. به من گفت: خودرویت را به ایستگاه (موقف) تعمیر خودروها بردم! ب) ما باید تکالیفمان را با دقت انجام دهیم (أن نفعل) پس به خانه‌مان برویم! ج) ترازو (المیزان) وسیله‌ای برای دانستن وزن اشیاء است! د) لباس‌های جدید را با قیمت‌هایی (أشعار) گران از مغازه خریدم!
- ۹ = ۴ «تربویة: پرورشی - ثقافیة: فرهنگی» ترجمه عبارت: برادر در استان یزد کار می‌کند، در حالی که او مسئول یک مؤسسه پرورشی فرهنگی است.
- ۱۰ = ۱ شکل درست ترجمه در سایر گزینه‌ها: (۲) قد تعلّم: یاد گرفته است؛ «قد + ماضی: ماضی نقلی» (۳) سأبذل: عوض خواهم کرد؛ «س + فعل مضارع متکلم وحده: مستقبل (آینده)» (۴) إنکسرتم: شکسته شدید؛ فعل ماضی است.
- ۱۱ = ۲ شکل درست ترجمه: «استغفري: آمرزش بخواه؛ فعل امر دوم شخص مفرد است.» سایر فعل‌ها درست ترجمه شده‌اند.
- ۱۲ = ۱ «یهتدی = یُرشِد: راهنمایی می‌شود» مترادف هستند نه متضاد. سایر گزینه‌ها درست هستند: (۲) رَفَعَ: بالا برد عَصَ: پایین آورد (۳) أراذل: فرومایگان عِ: أَفاضِل: شایستگان (۴) ایتعد: دور شد عِ: اقترَب: نزدیک شد
- ۱۳ = ۲ «مُعجَب بِنفسه = مختال: خودپسند» سایر گزینه‌ها: (۱) حَيَّ = اِسْرَع: بشتاب (۳) أنکر = أقبح: زشت‌تر، زشت‌ترین (۴) غالي: گران عِ: رخيص: ارزان

۳۵ = ۳ شکل درست خطا در سایر گزینه‌ها: (۱) «تکلیف می‌دهد: تکلیف داده می‌شود (يَكْلَفُ: فعل مضارع مجهول است.)» در ضمن حرف «به» به قبل از «اندازه» باید منتقل شود. (۲) «اخلاق خوب: بهترین اخلاق (أَحْسَنُ الْأَخْلَاقِ؛ اسم تفضیل با مضاف الیه آمده است که به شکل صفت برترین ترجمه می‌شود.)» (۴) «ضمانت می‌کند: ضمانت خواهد کرد (سَيُضَمِّنُ؛ فعل مستقبل (آینده) است.)»

۳۶ = ۲ شکل درست خطا: «آرزو می‌کند: آرزو کرده است (قَدْ تَمَنَّى؛ به صورت ماضی نقلی ترجمه می‌شود.)» سایر گزینه‌ها درست ترجمه شده‌اند.

۳۷ = ۲ شکل درست خطاها در سایر گزینه‌ها: (۱) «دشنام داد: دشنام نداد (ما سَبَّ)» (۳) «پخته می‌شود: پخته شد (طَبَخَ؛ ماضی مجهول است.)» (۴) «رستوران: رستوران‌ها (الْمَطَاعِمُ؛ جمع مکسر است.)» - «باز می‌شود: باز می‌شوند (تُفْتَحُ؛ فعل مضارع مجهول سوم شخص مفرد است و باید طبق نایب فاعل خود (الْمَطَاعِمُ) به صورت جمع ترجمه شود.)»

۳۸ = ۴ شکل درست خطا: «کار خوب: بهترین کار (خَيْرِ الْعَمَلِ، مضاف و مضاف الیه است، بنابراین «خَيْرِ» اسم تفضیل با پسوند «ترین» ترجمه می‌شود.)» سایر گزینه‌ها درست ترجمه شده‌اند.

۳۹ = ۱ شکل درست خطا: «خواستم: می‌خواهم (أُرِيدُ) فعل مضارع اول شخص مفرد است و به شکل مضارع اخباری ترجمه می‌شود.» سایر گزینه‌ها درست ترجمه شده‌اند.

۴۰ = ۲ به این موارد توجه شود: «به من داد: أَعْطَانِي / مَتَحَنَنِي (فعل ماضی للغائب / للغائبة + نون وقایه + ضمیر «ی»)» - «همکار آن فروشنده: زَمِيلُ ذَلِكَ الْبَائِعِ / زَمِيلَةُ تِلْكَ الْبَائِعَةِ (فاعل در ترکیب اضافی + اسم اشاره / مبتدا در ترکیب اضافی + اسم (اشاره)» - «شلواری: سِرْوَالًا أَفْضَلَ / سِرْوَالًا أَحْسَنَ (اسم نکره + صفت)» - «شلوارهای او: سِرْوَالِيهِ (جمع مکسر + مضاف الیه به صورت ضمیر متصل)»

۴۱ = ۴ «کوه دماوند بلندترین کوه در جهان است!» که در واقع بلندترین کوه اورست است. سایر گزینه‌ها بر اساس حقیقت درست هستند: (۱) هر کس اخلاقش بد باشد خودش را عذاب می‌دهد! (۲) انسان عاقل چیزها را به اندازه توانش می‌خرد! (۳) کتابخانه جندی شاپور بزرگ‌ترین کتابخانه در جهان قدیم بود!

۴۲ = ۲ با توجه به ترجمه عبارت در صورت سؤال «دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان است» از نظر مفهوم عبارت «دشمن دانا به از دوست نادان!» مناسب آن است.

۴۳ = ۳ با توجه به ترجمه عبارت در صورت سؤال «بهترین برادران شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند!» که به صداقت دوست در برخورد با اخلاق درست و نادرست دوستش اشاره دارد، از نظر مفهوم عبارت «دوست تو کسی است که به تو راست بگوید (با تو رو راست باشد) نه کسی که تو را تصدیق کند (کارهای نادرست تو را تأیید کند)» به آن نزدیک‌تر است. ترجمه سایر گزینه‌ها: (۱) دوست‌داشتنی‌ترین بندگان خدا نزد خداوند سودمندترینشان برای بندگان است! (۲) به مردم نیکی کن تا دل‌هایشان را بنده خود کنی! (۴) دانشمندی که از علمش بهره برده می‌شود بهتر از هزار عابد است!

۲۳ = ۳ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: فعل «قَدْ شَبَّهَ: تشبیه کرده است (قَدْ + ماضی: ماضی نقلی)» - فعل مضارع مفرد و متعدی (كُدْرًا) «يَرْفَعُ: بالا می‌برد» - اسم مفرد با ضمیر متصل در نقش مفعول «صَوْتُهُ: صدایش را» - مضاف و مضاف الیه مفرد «صَوْتُ الْجَمَارِ: صدای خر»

۲۴ = ۲ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: فعل مضارع منفی «لَا يَحِبُّ: دوست نمی‌دارد - لَا يَحَافِظُ عَلَيَّ: از ... نگهداری نمی‌کند» - الصَّلَاةُ: نماز - اسم با ضمیر متصل «وَقْتِهَا: وقتش، وقت خودش». در گزینه (۳) به اشتباه «اللَّهُ: خداوند را» مفعول و «مَنْ: کسی که» فاعل در نظر گرفته شده است.

۲۵ = ۲ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «إِنَّمَا: فقط» در اول عبارت - فعل ماضی معلوم با ضمیر متصل «بَعَثَنِي: مرا فرستاد» - فعل مضارع معلوم اول شخص مفرد «لَأَتَمَّ: تا کامل کنم (+ مضارع: تا مضارع التزامی)»

۲۶ = ۴ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: فعل مضارع «يُنْزِلُ: نازل می‌کند، فرو می‌فرستد» - اسم با ضمیر متصل «سَكِينَتُهُ: آرامشش، آرامش خود» - اسم تفضیل با مضاف الیه «أَتَقَى عِبَادِهِ: پرهیزگارترین بندگان» - جمع مکسر با ضمیر متصل «عِبَادِهِ: بندگان، بندگان خود»

۲۷ = ۳ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: فعل ماضی استمراری «كَانَتْ ... يَذْهَبْنَ: می‌رفتند» - اسم تفضیل «أَكْبَرُ: که بعد از آن مضاف الیه آمده و به شکل صفت برترین «بزرگ‌ترین» ترجمه می‌شود.

۲۸ = ۱ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: فعل امر مفرد «أَغْضَضْ: پایین بیاور» - اسم با ضمیر متصل «صَوْتِكَ: صدایت» - اسم تفضیل که بعد از آن جمع مکسر در نقش مضاف الیه آمده «أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ: بدترین صداها»

۲۹ = ۲ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: اسم تفضیل که بعد از آن مضاف الیه آمده است «أَعْلَمُ النَّاسِ: داناترین مردم» - اگر بعد از اسم «مَنْ»، فعل مفرد باید «کسی که» ترجمه می‌شود. - فعل مضارع سوم شخص مفرد «يَزِيدُ: می‌افزاید» - ترجمه «الناس: مردم» در جمله دوم

۳۰ = ۱ شکل درست ترجمه: «بهتر از: بهترین» چون بعد از «خَيْرُ» مضاف الیه «الْمَحْسِنِينَ» آمده، اسم تفضیل است، بنابراین باید به شکل صفت برترین ترجمه شود. ترجمه سایر گزینه‌ها درست است.

۳۱ = ۴ شکل درست خطا در ترجمه: «کار: کارها (الْأُمُورُ)» سایر گزینه‌ها درست ترجمه شده‌اند.

۳۲ = ۴ شکل درست خطا: «داد: بده (أَعْطِ؛ فعل امر است.)» سایر گزینه‌ها درست ترجمه شده‌اند.

۳۳ = ۲ شکل درست خطا: «نیکو: نیکوتر (أَحْسَنُ؛ اسم تفضیل است.)» سایر گزینه‌ها درست ترجمه شده‌اند.

۳۴ = ۳ شکل درست خطاها در سایر گزینه‌ها: (۱) «می‌سپزد: می‌سپازد (تَسْوِدُ؛ فعل مضارع است.)» (۲) «دیدار می‌کنم: دیدار خواهیم کرد (سَلَّطَقِي؛ فعل مستقبل (آینده) است.)» - أَلْصَقَ الثَّانِي عَشَرَ: کلاس دوازدهم (۴) «است: دارد (حرف جر «لِ» بر سر اسم در اول جمله اسمیه)»

درک مطلب

❁ فرزندان زینت زندگی دنیا هستند. تربیت (پرورش) فرزندان همان پایه و اساس در تشکیل جامعه‌ای سالم است.

تربیت کودکان در اوایل عمرشان تلاشی دو برابر را از مادر می‌خواهد. تقریباً بعد از سال سوم، بر پدر لازم است که به مادر در این تربیت کمک کند. تربیت اسلامی برای فرزندان یکی از اولویت‌ها نزد والدین در جامعه ما شمرده می‌شود. زیرا تربیت اسلامی درست و سالم برای فرزندان علت اصلی در خوشبختی این فرزندان در دنیایشان و در آخرتشان به شمار می‌آید. از جمله آن‌ها: تأکید بر راستگویی و امانت‌داری، دروغ نگفتن و احترام به والدین است. از وظایف پدر و مادر، احترام به فرزند در مقابل دیگران است. صداقت میان والدین و فرزندان همان وسیله نزدیک شدن به فرزندان است.

پدران و مادران همیشه فرزندان‌شان را به یادگیری دانش‌ها و هنرهای سودمند، دور شدن از فرومایگان و نزدیک شدن به شایستگان و مطالعه کتاب‌ها و احترام به قانون و صرفه‌جویی در مصرف آب و برق راهنمایی می‌کنند؛ از کودکان امروز دانشمندان و بزرگان فردا ساخته می‌شود. این‌ها همان کسانی هستند که کشورمان را در آینده اداره خواهند کرد (خواهند چرخاند).

❁ «پرورش کودکان در اوایل عمرشان تلاشی دو برابر را از پدر می‌خواهد» در حالی که طبق متن، این تلاش باید از طرف مادر باشد. سایر گزینه‌ها درست هستند: (۱) یکی از اولویت‌ها در جامعه ما پرورش اسلامی برای فرزندان است! (۲) صداقت میان والدین و فرزندان همان وسیله نزدیک شدن به فرزندان است! (۴) تأکید بر راستگویی و امانت‌داری از تربیت اسلامی است!

❁ بر اساس متن «پدران و مادران فرزندان‌شان را به یادگیری هنرهای سودمند راهنمایی می‌کنند». سایر گزینه‌ها درست نیستند: (۱) مصرف زیاد آب (۳) بی‌احترامی به قانون! (۴) دور شدن از شایستگان!

❁ «کودکان امروز نمی‌توانند کشورمان را در آینده اداره کنند!» در حالی که طبق متن، کودکان امروز کشور ما را در آینده اداره خواهند کرد. سایر گزینه‌ها درست هستند: (۲) احترام به فرزند در مقابل دیگران از وظایف والدین است! (۳) از کودکان امروز دانشمندان فردا ساخته می‌شوند! (۴) پرورش فرزندان همان اساس در تشکیل جامعه سالم است!

❁ شکل درست خطا در سایر گزینه‌ها:

- (۱) فعل معلوم ← فعل مجهول / فاعله «التَّربِیَّة» ← نائب فاعله «التَّربِیَّة»
(۲) اسم فاعل ← اسم تفضیل (۳) لازم ← متعَد

درک مطلب

❁ به راستی دنیا از سختی‌ها و مشکلات خالی نمی‌شود و انسان در زندگی‌اش همیشه با مشکلات روبه‌رو می‌شود پس بر او لازم است که اخلاقی نیکو داشته باشد تا تنها نشود. از پیامبر گرامی روایت شده که هر کس اخلاقش بد باشد، خودش و دیگران را عذاب می‌دهد ولی خوش اخلاقی دوستی را تثبیت می‌کند. هر چیزی در طبیعت خندان است. پس گل خندان است و جنگل‌ها و دریاها و رودها و آسمان و ستارگان و پرندگان همه‌شان خندان هستند و همین‌طور انسان بنا به طبعش (خویش) خندان است. هر انسانی دنیا را از خلال اخلاق و فکرش می‌بیند، هر کس اخلاقش خوب باشد، دینش را حفظ می‌کند و راه‌های زندگی برای او آسان می‌شود. پس دنیا و آفریده‌هایش را زیبا می‌بیند همان‌گونه که آفریده شده‌اند. هر کس اخلاق بدی داشته باشد دوستانش را از دست می‌دهد؛ زیرا آن‌ها به خاطر

بدی اخلاقش کار خوب او را نمی‌بینند. رسول خدا ﷺ فرمود: «بداخلاقی عمل را فاسد می‌کند همان‌گونه که سرکه عسل را فاسد می‌کند.» پس هرگاه خواستی به زندگی لبخند بزنی پس با بداخلاقی بجنگ. از پیامبر روایت شده که او فرمود: «چیزی در ترازو سنگین‌تر از اخلاق نیکو نیست.» و همچنین فرمود: «پرهیزگاری و خوش اخلاقی باعث رفتن امت من به بهشت است.»

❁ «فقط خوش اخلاقی امت را به بهشت می‌برد!» که بر اساس متن «خوش اخلاقی و تقوی» علت رفتن امتش به بهشت است. سایر گزینه‌ها بر اساس متن درست هستند: (۱) بداخلاقی علت فاسد شدن (تباهی) عمل است! (۳) هر کس اخلاقش بد باشد خودش را عذاب می‌دهد! (۴) سنگین‌ترین چیز در ترازو اخلاق نیک است!

❁ «دین مؤمن با خوش اخلاقی حفظ می‌شود». سایر گزینه‌ها بر حسب متن درست نیستند: (۱) کارهای خوب با بداخلاقی دیده می‌شوند! (۲) گاهی در زندگی بداخلاق لازم است! (۳) هر کس اخلاقش نیکو شود دنیا را زیبا نمی‌بیند!

❁ «بداخلاقی در عمل به عسل تشبیه می‌شود». در حالی که در متن به «سرکه در عسل» تشبیه شده است. سایر گزینه‌ها درست هستند: (۱) انسان دنیا را از خلال اخلاق و فکرش می‌بیند! (۲) خوش اخلاقی راه‌های زندگی را آسان می‌کند! (۴) خوش اخلاقی دوستی بین مردم را استوار می‌کند!

❁ شکل درست خطا در سایر گزینه‌ها: (۲) فاعل ← مفعول
(۳) مبتدا ← فاعل (۴) مجهول ← معلوم / مع نائب فاعله ← مع فاعله

❁ جمع مکسر در سایر گزینه‌ها: (۱) الشَّباب: جوانان؛ و مفرد آن «الشَّاب» (۲) أَساتِذ: استادان؛ و مفرد آن «أستاذ» (۴) الْأُمُور: کارها؛ و مفرد آن «الْأمر»

❁ سه جمع مکسر در این عبارت آمده است: «أَصْدِقَاء: دوستان؛ و مفرد آن «صَدِیق» - «مُتَلَاء: هم‌شاگردی‌ها؛ و مفرد آن «رَمِیل» - «أَقْرَبَاء: خویشاوندان؛ و مفرد آن «قَرِیب»، جمع مکسر در سایر گزینه‌ها: (۱) الْأَبَاء: پدران و مفرد آن «أَب» - «أَوْلَاد: فرزندان؛ و مفرد آن «وَلَد» (۲) الْأَرَاذِل: فرومایگان؛ و مفرد آن «أَرَذَل» - «أَفْاضِل: شایستگان؛ و مفرد آن «أَفْضَل» (۳) الْأَصْوَات: صداها؛ و مفرد آن «الصَّوْت» - «الْحَمِیر: خران؛ و مفرد آن «الْحِمَار»

❁ «أَزْرَق: آبی» بر رنگ دلالت دارد، نه برتری. سایر گزینه‌ها اسم تفضیل هستند: (۱) أَكْثَر: بیش‌تر، بیش‌ترین (۲) أَشْجَع: شجاع‌تر، شجاع‌ترین (۳) أَعْلَم: داناتر، داناترین

❁ «مَنَافِع» جمع مکسر «مَنَفَعَة» و به معنی «سود» است بنابراین بر مکان دلالت نمی‌کند. سایر گزینه‌ها اگر به مفرد بروند همگی بر وزن «مفعِل» و اسم مکان هستند: (۱) «مَكَاتِب» جمع مکسر و مفرد آن «مَكْتَب» (۲) «مَلَاعِب» جمع مکسر و مفرد آن «مَلْعَب» (۴) «مَعَامِل» جمع مکسر و مفرد آن «مَعْمَل»

❁ در این سؤال مؤنث کلمات مورد نظر است و «آخِر» اسم فاعل است. بنابراین مؤنث آن «أَخْرَجَة» می‌شود نه «أَخْرَج». سایر گزینه‌ها همگی اسم تفضیل هستند و مؤنثشان بر وزن «فُعْلَى» به طور صحیح آمده است.

❁ «عُلَیا: بالاتر، بالاترین» اسم تفضیل مؤنث بر وزن «فُعْلَى» است و مذکر آن «أَعْلَى» بر وزن «أَفْعَل» است. سایر گزینه‌ها «سُوداء: سیاه - بَيْضاء: سفید - صَفراء: زرد» بر وزن «فَعْلَاء» بر رنگ دلالت می‌کنند؛ بنابراین اسم تفضیل نیستند و مذکر آن‌ها «أَسْوَد - أَبْيَض - أَصْفَر» بر وزن «أَفْعَل» هستند.

۷۱ = ۲ در سایر گزینه‌ها، حرف «س» جزء حرف اصلی است بنابراین بر وزن «افْتَعَلَ» هستند. می‌توان گفت در مصدرهایی که بعد از حرف «ت» سه حرف باقی می‌ماند وزن افْتَعَلَ، و اگر چهار حرف باقی بماند، وزن اِسْتَفْعَلَ است.

۷۲ = ۲ شکل درست فعل بر اساس ضمیر: «هَنَّ يَجَالِسَنَّ». سایر گزینه‌ها درست هستند.

۷۳ = ۲ فعل مضارع مستقبل «سَوْفَ أَخْرَجُ» مجهول است. در سایر گزینه‌ها، حرکت عین الفعل در فعل‌های مضارع «لا تَلْقَبُوا - لا تَصْغَرُ - يَجِبُ - أَنْ يَأْكُلَ» دلیل بر معلوم بودن آن‌ها است.

۷۴ = ۱ حرکت عین الفعل در فعل مضارع «يُرْسِلُ» دلیل بر معلوم بودن آن است. در سایر گزینه‌ها: (۲) يُرْزَقُونَ: مضارع مجهول (۳) أُمِرْتُ: ماضی مجهول (۴) خُلِقْتُ: ماضی مجهول است.

۷۵ = ۲ «يَدْخُلُونَ» فعل مضارع معلوم است نه مجهول. سایر گزینه‌ها درست هستند.

۷۶ = ۱ «تَحَوَّلَ» فعل مضارع معلوم است، بنابراین فاعل آن «أَشِيعَةُ» مشخص و شناخته شده است. در سایر گزینه‌ها فعل مجهول هستند و فاعلشان ناشناخته است: (۲) يُعْرَفُ: مضارع مجهول (۳) أَخَذُوا: ماضی مجهول (۴) أُنْزِلَ: ماضی مجهول.

۷۷ = ۲ ضمیر متصل «نا» به فعل امر چسبیده است؛ بنابراین نقش «مفعول» دارد «أَنْصُرْنَا: ما را یاری کن». نقشی سایر گزینه‌ها درست است.

۷۸ = ۲ فقط یک جمله فعلیه در گزینه‌ها داریم، بنابراین «مَنْ» فاعل برای فعل «لا يَعْلَمُ» است.

۷۹ = ۲ «المؤمنين» بعد از حرف جر، نقش مجرور به حرف جر را دارد نه صفت. سایر گزینه‌ها درست هستند.

۸۰ = ۲ «أَحَدًا» با حرکت تنوین فتحه (ء)، نقش مفعول را در جمله فعلیه دارد. در سایر گزینه‌ها: (۱) «غَيُوبٌ» با حرکت فتحه (ء)، نقش مفعول را در جمله دارد نه فاعل. (۳) المَرء: مضاف الیه (۴) أَوْسَطُ: خبر.

۸۱ = ۴ «التاسي» مضاف الیه برای «شَرٌّ» است. سایر گزینه‌ها درست هستند.

۸۲ = ۱ «يَأْكُلُ» خبر به شکل فعل برای اسم قبل از خود «الحَسَدُ: مبتدا» است. نقش کلمات در سایر گزینه‌ها: (۲) الحَسَنَات: مفعول برای فعل «يَأْكُلُ» (۳) التَّاء: فاعل برای فعل «تَأْكُلُ» (۴) الحَطَب: مفعول برای فعل «تَأْكُلُ»

۸۳ = ۳ «عِلْمٌ» مفعول برای فعل «جَمَعَ» است نه فاعل. سایر گزینه‌ها درست هستند.

۸۴ = ۱ «فَبِحَ» مفعول برای فعل «يَسْتُرُ» است. در سایر گزینه‌ها: (۲) و (۴) فعل وجود ندارد. (۳) فعل «يَتَفَكَّرُونَ» ناگذر است و مفعول ندارد.

۵۸ = ۲ «أَعْظَمَ: بزرگ‌ترین / أَخْفَى: مخفی‌ترین» بر وزنِ أَفْعَلَ، اسم تفضیل هستند. تَوْجَه: بعد از اسم تفضیل «أَخْفَى»، مضاف الیه به شکل ضمیر آمده بنابراین در آخر با الف «أَخْفَاهُمْ» نوشته شده است.

۵۹ = ۲ «الأعلون» جمع و مفرد آن «الأعلى»، اسم تفضیل است. در گزینه (۳) «أَكْمَلْتُ: کامل کردم» بر وزن «أَفْعَلَ» فعل ماضی از مصدر بر وزن «إِفْعَال» است. در گزینه (۴) «أَعْلَمَ: می‌دانم» فعل مضارع اول شخص مفرد است.

۶۰ = ۲ «الْخَيْرَ» با حرف «ال» در اول آن، به معنی «خوبی» اسم تفضیل نیست. در سایر گزینه‌ها بعد از «خیر» حرف جر یا مضاف الیه آمده و اسم تفضیل است: (۱) خَيْرٌ مِنْ: بهتر از (۳) خَيْرَ الشَّيْءِ: بهترین [از میان] دو بدی (۴) خَيْرٌ مِنْ: بهتر از

۶۱ = ۲ بعد از «خَيْرٌ» حرف جر آمده و اسم تفضیل است «خَيْرٌ مِنْ: بهتر از». در سایر گزینه‌ها «خَيْرَ» به معنی «خوبی» اسم تفضیل نیست: (۱) الْخَيْرُ: خوبی (۳) الْخَيْرُ: خوبی (۴) انسان برای هر خوبی، خوبی می‌بیند.

۶۲ = ۲ «أَصْلَحَ: اصلاح کند» فعل ماضی بر وزن «أَفْعَلَ» و از مصدر «إِصْلَاح» است. در سایر گزینه‌ها اسم تفضیل وجود دارد: (۱) بعد از «خَيْرٌ» حرف جر «مِنْ» آمده و اسم تفضیل است «خَيْرٌ مِنْ: بهتر از» (۳) بعد از «خیر» مضاف الیه آمده «خَيْرَ الطَّالِبِ: بهترین دانش آموز» (۴) أَفْضَلُ: برترین

۶۳ = ۲ «مَرَقَدَ: آرامگاه» بر وزن «مَفْعَلَ» و اسم مکان است.

۶۴ = ۴ «مِفْتَاحُ» جمع مکسر و مفرد آن «مِفْتَاح: کلید» اسم مکان نیست. جمع‌های مکسر بر وزن «مَفَاعِلُ» در سایر گزینه‌ها اسم مکان هستند. (۱) مَخَازِن (مَخْرَنَ): انبار (۲) المَصَانِع (المَصْنَع): آب انبار (۳) المنازل (الْمَنْزِل): خانه

۶۵ = ۳ اسم تفضیل مؤنث «كِبَرَى» چون بدون «ال» یا بدون مضاف الیه آمده، باید مذکر «أكبر» باشد. اسم تفضیل در سایر گزینه‌ها صحیح به کار رفته است.

۶۶ = ۲ «لا يَكْلَفُ» با كسرة (ي) عین الفعل، مضارع معلوم است نه مجهول. سایر گزینه‌ها درست هستند.

۶۷ = ۳ مصدر فعل «تَعَلَّمَ»، «تَعَلَّمَ» است نه «تعلیم». سایر گزینه‌ها درست هستند.

۶۸ = ۲ تمامی فعل‌ها ماضی هستند. در سایر گزینه‌ها: (۱) انْكِسِرَ: امر - اِقْتَرَبُوا: ماضی - تَكَبَّرُوا: ماضی و هم‌چنین امر. (۳) تَنْصَحِينَ / تَلْقَبُونَ: مضارع - تَحَرَّكَ: ماضی و هم‌چنین امر. (۴) تَسَافَرُ / تَعْتَقِدَنَّ: مضارع - تَكَاتَبَ: ماضی

۶۹ = ۱ «انْتَشَرَ / اِنْتَقَدَ» ماضی بر وزن «اِفْتَعَلَ» و از باب «اِفْتَعَال» است. در سایر گزینه‌ها: (۲) اِنْعَطَفَ: ماضی بر وزن اِنْفَعَلَ و از باب «اِنْفَعَال» است. (۳) اِسْتَعْفَرَ: ماضی بر وزن اِسْتَفْعَلَ و از باب «اِسْتِفْعَال» است. (۴) اِسْتَقْبَلَ: ماضی بر وزن «اِسْتَفْعَلَ» و از باب «اِسْتِفْعَال» است.

۷۰ = ۴ در سایر گزینه‌ها، فعل‌هایی که بعد از حرف «ن» آن‌ها حرف «ت» آمده، بر وزن اِفْتَعَلَ هستند: (۱) اِنْتَحَرَ (۲) اِنْتَظَرَ (۳) اِنْتَبَهَ

۸۵ = ۲ ضمیر متصل «ی» در صورتی مفعول است که جزء شخص فعل نباشد و به معنی «به من، مرا» است، «أَدْخِلْ + ن + ی: أَدْخِلْنِي: مرا وارد کن». در سایر گزینه‌ها: (۱) اِشْتَرَى: خرید؛ فعل ماضی سوم شخص مفرد و ضمیر «ی» در «أَبِي» و «أُخْتِي» مضاف الیه است. (۳) ضمیر «ی» در أَكْتُبِي: بنویس؛ فعل امر دوم شخص مفرد مؤنث، فاعل است. (۴) ضمیر «ی» در لَا تَطْبَعِي: چاپ نکن؛ فعل نهی دوم شخص مفرد مؤنث، فاعل است.

۸۶ = ۳ «فِي صَفٍّ جَارٍ وَ مَجْرُورٍ» - «الْتَّلَامِيذُ: مبتدا» و «يَجِبُونَ: خبر». در سایر گزینه‌ها بعد از جار و مجرور، فعل «يُنْزَلُ - يُحْصَدُ - لَا يَعْمَلُ» آمده بنابراین جمله فعلیه محسوب می‌شوند.

۸۷ = ۳ در این عبارت، صفت وجود ندارد؛ ولی «حَيْرٌ» اسم تفضیل است. در سایر گزینه‌ها: (۱) الْأَمَانَةُ - الْخِيَانَةُ: مفعول / شَرُّ: اسم تفضیل (۲) شَرُّ: اسم تفضیل / الْبَهَائِمُ: مجرور به حرف جر (۴) أَكْبَرُ: اسم تفضیل و هم‌چنین نقش خبر را برای «سُورَةُ» دارد.

۸۸ = ۳ صفت در سایر گزینه‌ها: (۱) الْمَجْدُ: صفت برای «الْفَلَاحُ» (۲) قَلِيلٌ: صفت برای «طَعَامٌ» (۴) السَّادِسُ: صفت برای «الْيَوْمُ»

۸۹ = ۴ در ترکیب «عَمَلِنَا الْقَبِيحُ»، «عَمَلٌ: مضاف و موصوف» - «نَا» مضاف الیه - الْقَبِيحُ: صفت؛ ترجمه آن: عمل زشت ما. در سایر گزینه‌ها یک اسم، صفت و مضاف الیه را با هم ندارد.

۹۰ = ۱ «أَرْحَضَ» ← «أَرْحَضَ» اسم تفضیل مذکر بر وزن «أَفْعَلَ» است و عین الفعل آن (دومین حرف اصلی آن) حرکت فتحه (ـَ) می‌گیرد.

۹۱ = ۳ «الْوَالِدَانُ» ← «الْوَالِدَانِ» اعراب فاعل، مرفوع به علامت الف [و نون کسره دار (ان)] است.

۹۲ = ۳ با توجه به ترکیب اضافی «أَفْضَلُ الْجُنُودِ [الَّذِينَ]» (اسم تفضیل در نقش خبر + جمع مکسر در نقش مضاف الیه): برترین سربازان[ی هستند که] پاسخ تست به‌دست می‌آید. سایر موارد: «قَلَمُ الْعَالِمِ و لِسَانُهُ: قلم عالم و زبان او» - «يَسْتَطِيعُونَ (فعل مضارع): می‌توانند (مضارع اخباری)» - «أَحْسَنُ طَرِيقٍ (اسم تفضیل + مضاف الیه): بهترین روش، نیکوترین راه»

۹۳ = ۲ با توجه به فعل مضارع «تَوَثَّرَ: اثر می‌گذارد» پاسخ تست به دست می‌آید. سایر موارد: «مِنْ أَهَمِّ الْعَوَامِلِ الَّتِي (حرف جر + اسم تفضیل در نقش خبر + مضاف الیه + موصول خاص): از مهم‌ترین عواملی است که» - «حَيَاةُ الْكَائِنَاتِ الَّتِي: زندگی موجوداتی که»

۹۴ = ۱ با توجه به اسم تفضیل «أَحْسَنُ: نیکوتر» پاسخ تست به‌دست می‌آید. سایر موارد: «جَادِلُهُ (فعل امر + ه): با او بحث کن» - «أَعْلَمُ مَنْ (اسم تفضیل در نقش خبر أَنْ + موصول عام): داناترین کسانی است که»

۹۵ = ۲ با توجه به «مِنْ أَفْضَلِ الطَّرِيقِ (حرف جر + اسم تفضیل + مضاف الیه جمع مکسر): از بهترین راه‌ها» پاسخ تست به‌دست می‌آید. سایر موارد: «مُقَابَسَةُ مَا يَقُولُونَهُ (مصدر + مضاف الیه موصول + فعل مضارع + ضمیر مفعولی دارای مرجع «ما»): مقایسه چیزی است که می‌گویند» - «بِمَا يَفْعَلُونَهُ (جَارٌ وَ مَجْرُورٌ موصول + فعل مضارع + ضمیر مفعولی دارای مرجع «ما»): با چیزی که بدان عمل می‌کنند، با آنچه به آن عمل می‌کنند»

۹۶ = ۴ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «قَدْ تَكَرَّرَ (قَدْ + فعل مضارع): گاهی ناپسند می‌شماری، شاید ناپسند بشماری، گاه زشت می‌پنداری» - فعل متعدی دو مفعولی «جَعَلَهُ خَيْرًا لَكَ: آن را برای تو خیر قرار داده است.»

۹۷ = ۱ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: فعل امر «أَدْعُ: فرا بخوان، دعوت کن (ردگزینه‌های (۳ و ۴))» و اسم تفضیل در نقش خبر «أَحْسَنُ: نیکوتر [است]، بهتر [است]» (ردگزینه‌های (۲ و ۴)) - مضاف و مضاف الیه «رَبِّكَ (اسم + ضمیر): پروردگارت» - «الْحَسَنَةُ: نیکو»

۹۸ = ۲ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «أَخْلَصَ النَّاسُ (اسم تفضیل + مضاف الیه): خالص‌ترین مردم؛ (ردگزینه ۱)» - فعل مضارع لازم «تَجْرِي: جاری می‌شود، روانه شود (ردگزینه‌های (۳ و ۴))» - اسم معرفه «الحكمة: حکمت» - ترجمه ضمیر متصل «ه» در ترکیب اضافی «لِسَانُهُ: زبانش»

توجه: فعل مضارع بعد از اسم موصول «مَنْ» می‌تواند به صورت مضارع اخباری یا مضارع التزامی ترجمه شود.

۹۹ = ۲ به این موارد توجه شود: «الْعَرِيبُ فِي: عجیب در، شگفت در» - «هَذِهِ الظَّاهِرَةُ (اسم اشاره + مشار الیه): این پدیده» - «أَنَّ الْأَسْمَالَ: این است که ماهیان، که ماهیان» - واژه «این» در «این ماهی‌ها، این ماهیان» در گزینه‌های (۳ و ۴) اضافه آمده است. - «المحيط الأطلَسِي: اقیانوس اطلس» - «أَبْعَدُ (اسم تفضیل): دورتر»

۱۰۰ = ۴ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: مصدر «تَعَلَّمَ: آموختن، یادگیری (ردگزینه‌های ۲ و ۳)» - فعل ماضی گذرا «قَدْ شَجَّعَ: تشویق کرده است (قد + ماضی: ماضی نقلی. ردگزینه‌های ۱ و ۲)» - اسم مثنی و نکره «أَمْرَانِ: دو امری (ردگزینه‌های ۱ و ۳)»

۱۰۱ = ۳ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: اسم معرفه «الشَّابَّ: جوان (رد سایر گزینه‌ها، کلمه «آن» در گزینه‌های (۱) و (۲) و کلمه «یک» در گزینه (۴) اضافه آمده» - «قَدْ يَلْقَى: گاهی می‌اندازد (قد + مضارع، ردگزینه ۲)» - اسم نکره «بِئْرٍ: چاهی (ردگزینه ۲)»

۱۰۲ = ۴ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: فعل مضارع «يَعِيشُونَ: زندگی می‌کنند» (ردگزینه‌های ۱ و ۲) - «الشَّيَابُ الَّذِينَ: جوانانی که (رد سایر گزینه‌ها)».

۱۰۳ = ۲ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: اسم تفضیل همراه حرف جر «أَصْبَرَ مِنْ: صبورتر از» - اسم تفضیل همراه مضاف الیه «أَصْلَبُ الْأَحْجَارِ: سخت‌ترین صخره‌ها، سخت‌ترین سنگ‌ها».

۱۰۴ = ۳ با توجه به اسم تفضیل «الْأَفْضَلُ: بهتر [است]»، گزینه‌های (۱) و (۲) رد می‌شوند. در گزینه (۴)، کلمه «هر» و «این» اضافه آمده است.

۱۰۵ = ۳ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «قَدْ أَثْبَتَتْ: ثابت کرده است (ماضی نقلی؛ البته در این مورد از باب افعال است و باید به گذرا بودن آن توجه شود، رد سایر گزینه‌ها)» - «كُلٌّ مِنْ: هر یک از (رد سایر گزینه‌ها)»

۱۰۶ = ۳ ترجمه درست سایر گزینه‌ها: (۱) «حَيٍّ إِيَّاهُ» [مَنْ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنِّي] (اسم تفضیل، مبتدا + مضاف الیه + ضمیر، مضاف الیه + موصول عام، خبر + اسم تفضیل + جَارٌ وَ مَجْرُورٌ ضمیر + جَارٌ وَ مَجْرُورٌ: [بهترین برادرانم] کسی است که از من، به من نزدیک‌تر است! ۲) «إِعْلَمْ (فعل امر للمخاطب): بدان ۴) خُلِّقَ الْحَسَنُ (ترکیب وصفی - اضافی): خوی نیکویت - المیزان: ترازو

۱۱۳ = ۴ سؤال: «گزینۀ نادرست را مشخص کن»: تنۀ درخت خرما بسیار خشن است زیرا «درخت خرما در آفرینش خود این چنین است و آن چیزی است که از تنه‌هایی که می‌افتد باقی می‌ماند»

ترجمۀ سایر گزینه‌ها:

- ۱) سر شاخه و پایین آن فرق دارد پس فقط بالای آن بریده می‌شود!
- ۲) هنگامی که شاخه خشک می‌شود، فقط بالای آن از تنه می‌افتد!
- ۳) کشاورزان گاهی اوقات شاخه قدیمی را می‌برند و اثر آن باقی می‌ماند!

۱۱۴ = ۲ تجزیه و ترکیب کامل کلمه: «نُشاهد: فعل مضارع - للمتكلم مع الغير - مزید ثلاثی (مصدره «مُشاهدة» من باب «مفاعلة»، حروفه الأصلية «ش ه د») - معلوم / فعل و مع فاعله (ضمیر «نَحْنُ» المستتر) جملة فعلية و مفعوله «مناظر»

۱۱۵ = ۳ تجزیه و ترکیب کامل کلمه «تُرسل: فعل مضارع - للغائب - مزید ثلاثی (ماضیه: أرسل، مصدره «إرسال» و من باب «إفعال»، حروفه الأصلية: «ر س ل») - متعدّد (گذرا) - مجهول / فعل و مع نائب فاعله جملة فعلية [توجّه: نائب فاعل در فعل مجهول «تُرسل» ضمیر مستتر «هُوَ» است.]

۱۱۶ = ۲ تجزیه و ترکیب کامل کلمه «ارتفع: اسم - مصدر (فعله) «ارتفع»، من وزن «افتعل» و من باب «إفعال»، حروفه الأصلية: «ر ف ع») - مفرد - مذکر - معرب - [معرف بالإضافة] / فاعل لفعل «يبلغ» و مرفوع بالضمّة و مضاف إليه «النخل»

۱۱۷ = ۱ «غیبت، آن است که دیگران را به چیزی یاد کنی که ناپسند نمی‌دارند!» این تعریف برای غیبت نادرست است. سایر گزینه‌ها درست هستند: ۲) مرده، همان کسی است که روحش از بدنش خارج شده است و نفس نمی‌کشد! ۳) جاسوسی کردن، تلاش برای فهمیدن امور دیگران است، در حالی که آن، از کارهای زشت است! ۴) حجرات، جمع حجره است، و آن سوره‌ای در قرآن معروف به عروس است!

۱۱۸ = ۳ جای خالی اول و دوم باید از نظر جنس (مذکر و مؤنث) و تعداد (مفرد، مثنی و جمع) یکی باشند. «أسعار» جمع غیرعاقل و در حکم مفرد مؤنث است و با فعل خود «ارتفعت» که مفرد مؤنث است، تناسب دارد. در سایر گزینه‌ها:

۱) «قيمة» مؤنث و فعل «يزداد» مذکر است. ۲) «ثمن» مذکر و فعل «كثر» مؤنث است. ۴) «نقود» جمع غیرعاقل و در حکم مفرد مؤنث است، اما فعل «يرتفع» مذکر است.

در جای خالی سوم چون «الحكومة» مفرد مؤنث است، فعل آن به صورت مؤنث می‌آید که از نظر جنس در هر چهار گزینه صحیح است.

۱۱۹ = ۳ «شَرَّ» با توجّه به «الأشياء: مضاف الیه» اسم تفضیل به معنای «بدترین» است. «خَيْر» در «خَيْرها: خیرش، خیر آن» اسم تفضیل نیست. در سایر گزینه‌ها اسم تفضیل نیامده است: ۱) «خَيْر» در «لَا خَيْرَ (لای نفی جنس + اسم): هیچ خیری ...» ۲) «مِنْ خَيْرٍ: از خوبی» ۴) «خَيْرًا: خیری [را]» - «إِلَى شَرٍّ: به بدی»

۱۲۰ = ۴ چهار اسم تفضیل در این عبارت آمده است: «أَفْضَل: برترین - ألین: نرم‌تر - ألطف: مهربان‌تر - الآخرین: دیگران» در سایر گزینه‌ها: ۱) أحسن: بهترین ۲) أشرف: بزرگوارترین ۳) أوسط: میانه‌ترین - خیر: بهترین

۱۰۷ = ۱ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «عالم‌ترین مردم: أعلم الناس (اسم تفضیل + مضاف الیه)» - «افزود (ماضی ساده): جَمَعَ (فعل ماضی)»

۱۰۸ = ۱ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «یک ساعت تفکّر: تفکّر ساعة» - «هفتاد سال: سبعین سنة (عدد اصلی + معدود)» - «عبادت: عبادة»

۱۰۹ = ۱ ترجمۀ عبارت: «دنیا را برای به‌دست آوردن آخرت رها نکن!» در مفهوم، فقط با گزینۀ ۱) «آخرت را جز با ترک دنیا به‌دست نمی‌آوری» تناسب ندارد. سایر گزینه‌ها از نظر مفهوم با عبارت صورت سؤال تناسب دارند: ۲) «دنیا باید وسیله‌ای برای کسب آخرت باشد!» ۳) «تو باید در دنیا برای آخرت کار کنی!» ۴) «آن چه در آخرت کسب می‌شود با آن (وابسته به آن) چیزی است که در این دنیا است!»

درک مطلب

هنگامی که به مناطق گرمسیر می‌رویم، گاهی منظره‌های جذابی را از دور مشاهده می‌کنیم و پس از این که به آن‌ها نزدیک می‌شویم، درختان زیبای خرما را می‌بینیم. همان‌طور که این درخت، اهمیت مادی بزرگی دارد، نوعی از آن در برخی مناطق پایه و اساسی برای گذران زندگی بسیاری از ساکنان را تشکیل می‌دهد. همان‌گونه که آن (خرما) غذای اصلی در برخی منطقه‌های صحرایی است و بعضی از میوه‌هایش خشک می‌شود و به مناطقی دیگر فرستاده می‌شود. خرما، انواع گوناگونی دارد، تا جایی که نزدیک به ۱۵۰۰ نوع یافت می‌شود که با یکدیگر فرق دارد؛ یکی از انواع آن درخت خرمایی (تمر) است که از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌آید و خرمای روغن که در ساختن صابون و مواد آرایشی به کار گرفته می‌شود.

ارتفاع درخت خرما به ۲۷ متر می‌رسد و تنۀ آن بسیار خشن است زیرا آن (تنه) عبارت از بقایای شاخه خرمایی است که هنگام رشد زیاد درخت می‌افتد یا بریده می‌شود.

۱۱۰ = ۲ «خرما را از دور و نزدیک جَذاب می‌بینیم!»

ترجمۀ سایر گزینه‌ها:

- ۱) خرمای «تمر» در مناطقی که به آن فرستاده است، خشک می‌گردد!
- ۳) اگر خرمای «تمر» پایه‌ای برای گذراندن زندگی باشد به مناطق دیگر ارسال نمی‌شود!
- ۴) بعضی از ساکنان مناطق صحرایی فقط می‌توانند خرمای «تمر» بخورند!

۱۱۱ = ۴ سؤال: «گزینۀ صحیح را درباره درخت خرما مشخص کن.» پاسخ: «مهم‌ترین انواع آن، خرمای «تمر» و خرمای «روغن» است!»

ترجمۀ سایر گزینه‌ها:

- ۱) ارتفاع آن به بیست و هفت متر می‌رسد اما شاخه‌هایش بلندتر و خشن‌تر است!
- ۲) انواع گوناگون آن به هزار و پانصد تا می‌رسد اما میوه‌هایش از یک نوع است!
- ۳) هیچ منطقه‌ای در زمین نیست مگر این که در آن خرمای «تمر» مانند ماده غذایی شناخته می‌شود!

۱۱۲ = ۲ سؤال «کدام گزینه نادرست است؟» از فایده‌های درخت خرما این است که آن «ماده غذایی مفیدی است که در مناطق سردسیر رشد می‌کند و میوه آن غذای اصلی به شمار می‌آید»

ترجمۀ سایر گزینه‌ها:

- ۱) منظره‌های آن در منطقه‌های گرمسیری که در آن‌ها درختان سبزی نمی‌بینیم، بسیار زیبا است!
- ۳) از میوه آن موادی ساخته می‌شود که در آراستگی و زیبایی مردم به کار می‌رود!
- ۴) میوه آن در موادی که ما برای پاکیزگی به آن‌ها احتیاج داریم، به کار گرفته می‌شود!

اسم تفضیل هستند. ۴) «المطابخ: آشپزخانه‌ها - الأماكن: مکان‌ها» و مفرد آن به ترتیب «المطبخ - المكان» هر دو اسم مکان هستند. **توجه:** «أبيض» بر وزن أَفْعَل به معنای «سفید» بر رنگ دلالت دارد و اسم تفضیل نیست.

۱۲۹ = ۳ کلمه «شَرّ» را که ممکن نیست اسم تفضیل باشد، مشخص کن: «شَرّ» بعد از لای نفی جنس، به معنای «شرّی، بدی‌ای» اسم تفضیل نیست. ترجمه عبارت: «هیچ شرّی نیست مگر آنکه دفع آن با تدبیر ممکن است!» «شَرّ» در سایر گزینه‌ها اسم تفضیل است: ۱) شَرّ أعدائنا (شر + مضاف الیه): بدترین دشمنان ما ۲) شَرّ الأشياء (شر + مضاف الیه): بدترین چیزها ۴) شَرّ الأعمال (شر + مضاف الیه): بدترین کارها

۱۳۰ = ۴ شکل درست خطا: «صُغِرَ مِنْ ← أَصَغَرَ مِنْ» برای مقایسه دو اسم مؤنث نیز اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَل» به کار می‌رود. ترجمه عبارت: «این دانش‌آموز [دختر] کوچک‌تر از هم‌شاگردی‌های خود در کلاس است!» در سایر گزینه‌ها اسم تفضیل «أَبْلَغُ مِنْ - الصُّغَرَى» (در نقش صفت) - أَفْضَلُ (مفرد آن «أَفْضَلُ») به طور صحیح به کار رفته‌اند.

۱۳۱ = ۴ «الحُسْنَى» بر وزن «فَعْلَى» اسم تفضیل مؤنث است. در گزینه (۱) «أَكْرَمَ: گرامی داشت» فعل ماضی مفرد مذکر غایب (لغائب) است. در گزینه (۲)، «أَعْلَمَ: می‌دانم» فعل مضارع متکلم وحده است.

۱۳۲ = ۳ «أعلم» در این گزینه اسم تفضیل نیست، بلکه فعل مضارع در صيغة للمتكلم وحده به معنای «می‌دانم» است.

در سایر گزینه‌ها اسم تفضیل آمده و بعد از خود مضاف الیه دارد: «أَنْقَى: پرهیزکارترین»، «أَنْجَحَ: موفق‌ترین» و «أَحْسَنَ: بهترین» همگی اسم تفضیل‌اند.

۱۳۳ = ۳ اسم تفضیل در مقام مقایسه برای مذکر و مؤنث، یکسان و بر وزن «أَفْعَل + مِنْ» می‌آید؛ بنابراین «أَفْضَلُ مِنْ» به جای «فُضِّلَ مِنْ» صحیح است.

۱۳۴ = ۲ «أَجَبَّ: دوست دارم» فعل مضارع صيغة للمتكلم وحده است. در سایر گزینه‌ها: «أَفْضَلُ: شایستگان» جمع مکسر و مفرد آن «أَفْضَلُ»، «أَثْقَلُ: سنگین‌ترین» و «أَحَبَّ: دوست‌داشتنی‌ترین» اسم تفضیل هستند.

۱۳۵ = ۱ «الخَيْر» با حرف «ال» آمده و به معنای «خوبی» اسم تفضیل نیست. ترجمه عبارت: «خوبی در چیزی است که رخ داده است!» در سایر گزینه‌ها «خیر» اسم تفضیل است: ۲) خیر الناس ...: بهترین مردم ... ۳) خیر الأعمال ...: بهترین کارها ... ۴) خیر الأعمال ...: بهترین کارها ...

۱۳۶ = ۲ «مَسَاكِين» جمع مکسر «مَسْكَن»، اسم مکان است و بر مکان دلالت می‌کند. مواردی که در گزینه‌های دیگر احتمال اشتباه می‌رود: ۱) «مُقَاتِل» اسم فاعل از ثلاثی مزید است. ۳) «مُفَاخِر: مایه‌های افتخار» جمع مکسر «مُفَخَّرَة» است. ۴) «مَصَالِح: منافع» جمع مکسر «مَصْلَحَة» است.

۱۳۷ = ۳ شکل درست خطا: «يُفَكِّرُ ← يَفَكَّرُ» فعل مضارع معلوم از باب «تَفَعَّل» و بر وزن «يَفْعَلُ» است که عین الفعل آن (دومین حرف اصلی آن) حرکت کسره (ب) می‌گیرد. «يُرَاقِبُ ← يَرَقِّبُ» فعل مضارع معلوم از باب «مُفَاعَلَة» و بر وزن «يُفَاعِلُ» است که عین الفعل آن (دومین حرف اصلی آن) حرکت کسره (ب) می‌گیرد.

۱۲۱ = ۳ «خَيْر» بعد از «كُلَّ» هر به معنای «خوبی» و اسم تفضیل نیست. در سایر گزینه‌ها «خَيْر» با توجه به حرف جر «مِنْ» بعد از خود، به معنای «بهتر» و اسم تفضیل است.

۱۲۲ = ۱ یک اسم تفضیل در این عبارت آمده است: «أَسْوَأُ [مِنْ]: بدتر [از]» در سایر گزینه‌ها: ۲) الحُسْنَى: بهتر - «خَيْرٌ [مِنْها]: بهتر [از آن]» ۳) أَثْقَلُ [مِنْ]: سنگین‌تر [از] - أَعْلَى [الأصوات]: بلندترین [صداها] ۴) أَفْضَلُ [الأموال]: برترین [کارها] - شَرُّ [طُرُوف ...]: بدترین [شرایط ...]

۱۲۳ = ۴ کلمه «خَيْرٌ» به معنای «خوبی» اسم تفضیل نیست؛ زیرا بعد از آن حرف جر «مِنْ» و مضاف الیه نیامده است. در سایر گزینه‌ها اسم تفضیل آمده است: ۱) خَيْر [الأشياء]: بهترین [چیزها] ۲) خَيْر [الصدقة]: بهترین [صدقه] ۳) خَيْرٌ [مِنْ]: بهتر [از]

۱۲۴ = ۲ کلمه «خیر» یا «شَرّ»ی که اسم تفضیل نیست مشخص کن: «شَرّ» به معنای «بد» اسم تفضیل نیست. ترجمه عبارت: «الودگی هوا بد است و آن از تهدیدکنندگان نظام طبیعت است!» «خیر» و «شَرّ» در سایر گزینه‌ها اسم تفضیل هستند: ۱) «خَيْرُ النَّاسِ (اسم تفضیل + مضاف الیه): بهترین مردم» ۲) «خَيْرٌ لـ (اسم تفضیل + حرف جر): بهتر برای» ترجمه عبارت: «خوشبختی بعد از غلبه بر سختی‌ها، کار بهتری برای انسان است!» ۴) «شَرُّ الْمُخَرَّبَاتِ (اسم تفضیل + مضاف الیه): بدترین تخریب‌کنندگان» ترجمه عبارت: «...» و این از بدترین تخریب‌کنندگان طبیعت است!

۱۲۵ = ۱ «الأراذل (مفرد آن «أَرَذَلُ» بر وزن أَفْعَل)» به معنای «فرومایگان، پست‌ترها» اسم تفضیل است. موارد احتمال اشتباه در سایر گزینه‌ها: ۲) «أَجَبَّ: دوست دارم» مضارع صيغة متکلم وحده است. ۳) «ما أَرْضَى: خشنود نکرد» ماضی منفی صيغة مفرد مذکر غائب از باب إفعال است. ۴) «أَسْخَطَ: خشمگین کرد» ماضی صيغة مفرد مذکر غائب از باب إفعال است.

۱۲۶ = ۳ «أَهْدَى: هدیه کرد/ أَصْلَحَ: اصلاح کرد» فعل ماضی از باب إفعال است. ترجمه عبارت: «برادرم عیب‌هایم را به من هدیه کرد پس از این‌که خودش را اصلاح کرد!» وزن «أَفْعَل» در سایر گزینه‌ها: ۱) «أَسْعَى الشَّبَاب» (اسم تفضیل + مضاف الیه): تلاشگرترین جوانان - «أَخْبَرَ: باخبر کرد، خبر داد» فعل ماضی از باب إفعال است. ترجمه عبارت: «تلاشگرترین جوانان، از نتیجه تلاشش ما را باخبر کرد!» ۲) «أَحْسَنَ إِخْوَتَهُ (اسم تفضیل + مضاف الیه + مضاف الیه): بهترین برادرانش» ترجمه عبارت: هم‌شاگردی‌ام حسن، بهترین برادرانش در خانواده است!» ۴) «أَطْوَلَ الكهوف (اسم تفضیل + مضاف الیه): طولانی‌ترین غارها» - «أَحَبَّ أَصْدِقَائِي (اسم تفضیل + مضاف الیه + مضاف الیه): دوست‌داشتنی‌ترین دوستانم» ترجمه عبارت: «به همراه دوست‌داشتنی‌ترین دوستانم، طولانی‌ترین غارهای آبی را دیدم!»

۱۲۷ = ۳ «أَحْسَنَ [إِلَى] ...: نیکی کن [به] ...» فعل امر است. اسم تفضیل در سایر گزینه‌ها: ۱) أَكْبَرُ: بزرگ‌ترین ۲) الْأَخْرَيْنَ: دیگران - أَحْسَنَ مِنْ: بهتر از ۴) أَكْرَهَ: ناپسندترین، زشت‌ترین

۱۲۸ = ۲ «مكتبة: کتابخانه» اسم مکان و «أكابر: بزرگ‌ترها» و مفرد آن «أكبر» اسم تفضیل است. در سایر گزینه‌ها: ۱) «المتاجر: مغازه‌ها» و مفرد آن «المتجر» اسم مکان است. ۳) «أَرْخَصَ: ارزان‌تر - أَعْلَى: بالاتر» هر دو



اول

سوالات امتحانی درس

مهارت واژه‌شناسی

الف ترجمه کلماتی که زیر خط خط است، ترجمه کن.

- ۱- «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» /
 ۲- سِعْرُ السَّرْوَالِ فِي ذَلِكَ الْمَتَجَرِّ رَخِيصٌ. /
 ۳- اَلْاِقْتِصَادُ فِي اسْتِهْلَاكِ الْكَهْرَبَاءِ نَافِعٌ. /
 ۴- اَلْمُؤْمِنُونَ نَاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ. /
 ۵- إِنَّ عَمُودَ الدِّينِ الصَّلَاةُ.
 ۶- دَغٌّ شَاتِمٌ مِهَانًا. /

ب اُكْتُبْ فِي الْفَرَائِغِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْكَلِمَاتِ الْمُتَضَادَّةَ: (کلمات مترادف و کلمات متضاد را در جاهای خالی بنویس.) = ≠

إِهْتَدَى / اُغْضَضُ / اَلْمُعْجَبُ بِنَفْسِهِ / اِسْرَعُ / اِبْتَعَدَ / اَلْاَفْاضِلُ / اَحْسَنَ / اَلْاَنْكَرُ / اَلْغَالِي / اِغْفِرُ / ضَلَّ / اِزْفَعُ / اَلْخَيْرُ
 اَلْمُخْتَالُ / اَلْاَقْبَحُ / اَلْاَرَاذِلُ / حَيَّ / نَهَى / اُعِفَّ / اِقْتَرَبَ / اَلْمَوْعِظَةُ / اَلشَّرُّ / اَلْمَنْزِلُ / اَلرَّخِيسُ / سَاءَ / مَنَعَ / اَلنَّصِيحَةُ / اَلْبَيْتُ

- ۷- =
 ۸- =
 ۹- =
 ۱۰- =
 ۱۱- =
 ۱۲- =
 ۱۳- =
 ۱۴- ≠
 ۱۵- ≠
 ۱۶- ≠
 ۱۷- ≠
 ۱۸- ≠
 ۱۹- ≠
 ۲۰- ≠

ج عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ: (کلمه غریبه را مشخص کن.)

- ۲۱- اَلْسَّرْوَالُ ☐ اَلْقَمِيصُ ☐ اَلْفُسْتَانُ ☐ اَلْسَّكُوتُ ☐
 ۲۲- اَلذَّهَبُ ☐ اَلْفِضَّةُ ☐ اَلْحَشَبُ ☐ اَلْحَدِيدُ ☐
 ۲۳- اَلنَّمَاذِجُ ☐ اَلْحَمِيرُ ☐ اَلنَّعَالِبُ ☐ اَلذَّنَابُ ☐
 ۲۴- اَلْحَدُّ ☐ اَلْاَشْنَانُ ☐ اَللِّسَانُ ☐ اَلْمَرَحُ ☐

د اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعًا الْكَلِمَاتِ: (مفرد یا جمع کلمات را بنویس.)

- ۲۵- اَلْفَنُّ:
 ۲۶- اَلْسَّرْوَالُ:
 ۲۷- اَلسَّعْرُ:
 ۲۸- اَلْجَارُ:
 ۲۹- اَلْفُسْتَانُ:
 ۳۰- اَلْخُلُقُ:
 ۳۱- اَلْأُسْتَاذُ:
 ۳۲- اَلْأَفْضَلُ:
 ۳۳- اَلْمَوْعِظَةُ:
 ۳۴- اَلْمَصْنَعُ:
 ۳۵- اَلْمَلْعَبُ:
 ۳۶- اَلْمَوْقِفُ:
 ۳۷- اَلْمِفْتَاحُ:
 ۳۸- اَلْبَهَائِمُ:
 ۳۹- اَلْعِبَادُ:
 ۴۰- اَلْأَعْمَالُ:
 ۴۱- اَلرَّجَالُ:
 ۴۲- اَلْأَصْوَاتُ:
 ۴۳- اَلْآبَاءُ:
 ۴۴- اَلْعُيُوبُ:
 ۴۵- اَلْحَمِيرُ:
 ۴۶- اَلْأَوْلَادُ:
 ۴۷- اَلْمَنْازِلُ:
 ۴۸- اَلْأَقْرِبَاءُ:
 ۴۹- اَلْأَشْهُرُ:
 ۵۰- اَلْمَوَازِينُ:

مهارت ترجمه به فارسی

ه ترجم العبارات التالية: (عبارت های زیر را ترجمه کن.)

- ۵۱- في القرآن الكريم نرى «لِقَمَانِ الْحَكِيمِ» يَقْدَمُ لِإِنِّهِ مَوَاعِظَ قِيَمَةً.
 ۵۲- وَعَلَيْنَا أَنْ نَكُونَ مُشْتَاقِينَ إِلَى الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ، وَصَابِرِينَ عَلَى الْمَشَاكِلِ وَالشَّدَائِدِ.
 ۵۳- يُحِبُّ الْأَبُ وَالْأُمُّ رُؤْيَا أَوْلَادِهِمَا فِي الْإِهْتِمَامِ بِالرِّيَاضَةِ وَالْمُطَالَعَةِ الْكُتُبِ.
 ۵۴- الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ، وَ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ.
 ۵۵- «أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ»
 ۵۶- عَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ يَتَوَاضَعَ أَمَامَ أَسَاتِذَتِهِ وَأَصْدِقَائِهِ وَجِيرَانِهِ وَأَقْرَبَائِهِ وَكُلِّ مَنْ حَوْلَهُ.
 ۵۷- يُحِبُّ أَنْ لَا تَرْفَعَ صَوْتَنَا فَوْقَ صَوْتِ مَنْ نَتَكَلَّمُ مَعَهُ.
 ۵۸- إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ يُحَافِظُ عَلَى الصَّلَاةِ فِي وَقْتِهَا.
 ۵۹- «وَلَا تَصْعَرْ حَذَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا...»
 ۶۰- هَذَا الْكَلَامُ نَمُودَجٌ تَرْبَوِيٌّ لِيَهْتَدِيَ بِهِ كُلُّ الشَّبَابِ.
 ۶۱- السُّكُوتُ خَيْرٌ مِنَ الْكَلَامِ، لِأَنَّ السُّكُوتَ ذَهَبٌ وَالْكَلَامَ فِضَّةٌ.
 ۷- اِنتَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ: (ترجمه صحیح را انتخاب کن.)

- ۷۱- أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ.
 ۱) بهترین مردم سودمندترینشان برای مردم است.
 ۷۲- عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.
 ۱) دشمنی دانا بهترین دوستی نادان است.
 ۷۳- حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ.
 ۱) به سوی کار خوب شتافت.
 ۲) بهترین مردم برای مردمشان سودمند هستند.
 ۲) دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان است.
 ۲) به سوی بهترین کار بشتاب.
 ۲) دشمنی دانا بهترین دوستی نادان است.

ز كَمَلِ الْفَرَغَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: (جاهای خالی را در ترجمه فارسی کامل کن.)

- ۷۴- قَدْ شَبَّهَ اللَّهُ كَلَامَ مَنْ يَرْفَعُ صَوْتَهُ دُونَ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ بِصَوْتِ الْجِمَارِ.
 خداوند کسی را که بدون دلیل منطقی را بالا می برد به صدای
 ۷۵- «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ»
 و با آن ها به روشی که است، ستیز کن. به راستی پروردگارت به کسی که از راه او گمراه شد است.
 ۷۶- أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.
 مردم کسی است که دانش مردم را به دانش افزود (بپیفزاید).
 ۷۷- وَالِدِي يَشْتَغِلُ فِي مَوْسَسَةِ تَرْبَوِيَّةٍ ثَقَافِيَّةٍ.
 پدرم در یک مؤسسه ، کار می کند.

مهارت شناخت و کاربرد قواعد

ح تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (کلماتی را که زیرش خط کشیده شده، ترجمه کن.)

- ۷۸- اِسْتَخْرِجْ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ تَفْضِيلٍ مِنَ الْقُرْآنِ.
 ۷۹- اُسْتَعْفِرُ اللَّهَ.
 ۸۰- أَيَّامُ الْإِمْتِحَانِ كَانَتْ تَقْتَرِبُ.
 ۸۱- اِنْكَسَرَ الرَّجَا.
 ۸۲- الْبَائِعُ سَوْفَ يَتَبَادَلُ الْمَلَابِسَ.
 ۸۳- اَعْطِنِي سِرْوَالًا.
 ۸۴- هَلْ تَعَلَّمْتَ الدُّرُوسَ.
 ۸۵- «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا»
 ۸۶- قَدْ تَمَتَّى الْمُعَلِّمُ لَنَا التَّجَاجُ.
 ۸۷- سَتَلْتَقِي بِكُمْ.

ط ترجم اسم التفضيل واسم المكان: (اسم تفضيل واسم مكان را ترجمه كن.)

- ۸۸- يا اَسْمَعَ السَّامِعِينَ.
 ۹۳- يا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.
 ۸۹- تَنْقُلُ النَّاقِلَاتُ النَّفْطَ اِلَى الْمَخَازِنِ.
 ۹۴- السُّكُوتُ خَيْرٌ مِنَ الْكَلَامِ.
 ۹۰- اَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ اِلَى اللَّهِ اَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. /
 ۹۵- شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوُجْهِينِ.
 ۹۱- يا اَحْسَنَ الْخَالِقِينَ.
 ۹۶- اَصْدِقَائِي ذَهَبُوا اِلَى الْمَلْعَبِ.
 ۹۲- الْعَمَالُ ذَهَبُوا اِلَى الْمَصْنَعِ.
 ۹۷- ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَابْقَى﴾ /

ی عَيِّن نَوْعَ الْأَفْعَالِ ثُمَّ تَرْجِمُهَا: (نوع فعل ها را مشخص كن سپس آن ها را ترجمه كن.)

- ۹۸- مَا أَرْضَى الْمُؤْمِنَ رَبُّهُ يُمِثِلُ الْجُلْمِ. /
 ۱۰۱- لَا تَسَافِرُ بِالسَّيَّارَةِ. /
 ۹۹- سَوْفَ أَعْلَمُ الدَّرُوسَ. /
 ۱۰۲- أُحْسِنُ إِلَى الْفُقَرَاءِ. /
 ۱۰۰- الرُّمْلَاءُ كَانُوا يَتَعَازَفُونَ مَعَ بَعْضٍ. /
 ۱۰۳- تُسْتَوْدَعُ التَّلْمِيزَةُ الْمُعَلِّمَةَ. /

ک عَيِّن الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطًّا: (نقش كلماتی را كه زیرش خط است، مشخص كن.)

- ۱۰۴- عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ. /
 ۱۰۷- أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ. /
 ۱۰۵- ﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ /
 ۱۰۸- ﴿لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ /
 ۱۰۶- السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَةٌ. /
 ۱۰۹- حَسُنَ الْخَلْقُ نِصْفُ الدِّينِ. /

ل عَيِّن الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ فِي كُلِّ عِبَارَةٍ ثُمَّ تَرْجِمِ ذَلِكَ الْفِعْلَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (فعل مجهول را در هر عبارتی مشخص كن سپس آن فعل را به فارسی ترجمه كن.)

- ۱۱۰- إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. /
 ۱۱۲- سُئِلَ التَّلْمِيزُ الذِّكْيَ. /
 ۱۱۱- ﴿فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا﴾ /

م عَيِّن اسْمَ التَّفْضِيلِ وَ اسْمَ الْمَكَانِ ثُمَّ تَرْجِمُهُمَا: (اسم تفضيل و اسم مكان را مشخص كن، سپس آن ها را ترجمه كن.)

- ۱۱۳- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخَلْقِ الْحَسَنِ.
 ۱۱۷- أَكْبَرُ الْمَكْتَبَةِ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ فِي جُنْدِي سَابُورِ.
 ۱۱۴- ﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ﴾
 ۱۱۸- هُوَ أَعْلَمُ لِلذَّهَابِ إِلَى الْمَطَاعِمِ.
 ۱۱۵- خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.
 ۱۱۹- تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً.
 ۱۱۶- شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ.
 ۱۲۰- أَشْتِغِلُ فِي مَطْبَخِ الْجَامِعَةِ.

مهارت درك و فهم

ن اجْعَلْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ: (در دایره عدد مناسب را قرار بده.)

- ۱۲۱- الْأُسْتَاذُ ○ مِنْ الْمَلَابِسِ الطَّوِيلَةِ ذُو الْأَوَانِ مُخْتَلِفَةٍ.
 ۱۲۲- السَّرَوَالُ ○ هُوَ الَّذِي لَا يَرَى لِأَحَدٍ عَلَيْهِ حَقًّا.
 ۱۲۳- الصَّلَاةُ ○ طَهُورُ الصُّبْحِ.
 ۱۲۴- الْحِجَامُ ○ هُوَ ارْتِزَانٌ مِنْ عَمَلِ الْخَيْرِ.
 ۱۲۵- الْفَلَقُ ○ صَوْتُهُ رَفِيعٌ جَدًّا.
 ۱۲۶- التَّغْلَبُ ○ هُوَ حَيَوَانٌ مَكَارٌ وَ كَذَّابٌ.
 ۱۲۷- الْكَسْبُ الْحَلَالُ ○ هُوَ الَّذِي يُدْرَسُ.
 ۱۲۸- الْمُسْتَبَدُّ ○ هُوَ عَمُودُ الدِّينِ.

س اِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَالْخَطَأَ حَسَبَ هَذَا النَّصِّ: (متن را بخوان، سپس طبق این متن درست و نادرست را مشخص کن.) ✓
 «الْأَبَاءُ وَالْأُمَّهَاتُ يُرْشِدُونَ أَوْلَادَهُمْ دَائِمًا إِلَى الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ، الْإِتِّعَادِ عَنِ الْأَرَاذِلِ، التَّقَرُّبِ إِلَى الْأَفْاضِلِ، مُطَالَعَةِ الْكُتُبِ وَاحْتِرَامِ الْقَانُونِ. «لَقَمَانُ الْحَكِيمِ» يُقَدِّمُ لِابْنِهِ مَوَاعِظَ قِيَمَةٍ: وَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَسْتَفِيدَ كُلُّ مَنْ مِنْهَا فِي تَرْبِيَةِ أَوْلَادِهِ. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ يُحَافِظُ عَلَى الصَّلَاةِ فِي وَقْتِهَا. عَلَيْنَا أَنْ نَتَوَاضَعَ أَمَامَ الْآخَرِينَ، فَقَدْ قَالَ الْإِمَامُ الْكَاظمُ (ع): «الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ.» إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُعْجَبٍ بِنَفْسِهِ.»

- ۱۲۹- عَلَيْنَا أَنْ نُحَافِظَ عَلَى آدَاءِ الصَّلَاةِ فِي وَقْتِهَا. ☐
- ۱۳۰- نَعْمُرُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ. ☐
- ۱۳۱- قَدَّمَ لَقَمَانُ الْحَكِيمِ لِابْنِهِ مَوَاعِظَ قِيَمَةٍ. ☐
- ۱۳۲- التَّقَرُّبُ إِلَى الْأَرَاذِلِ عَمَلٌ مَقْبُولٌ. ☐
- ۱۳۳- يُحِبُّ أَنْ لَا تُطِيعَ مِنَ الْقَانُونِ. ☐

مهارت مکالمه

ع اُجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: (به سؤال‌ها پاسخ بده.)

- ۱۳۴- کَيْفَ حَالُكَ؟ ۱۳۶- مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟
- ۱۳۵- کَمْ عُمْرُكَ؟ ۱۳۷- مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتَ؟

ف رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سُؤَالَ وَ جَوَابًا صَحِيحًا مِنَ الْجَوَارِ: (کلمات را مرتب کن و سؤال و پاسخی درست از گفت و گو را بنویس.)

- ۱۳۸- أَلَوَانٍ / لَوْنٍ / أَيْ / عِنْدَنَا / عِنْدَكُمْ / كُلُّ / . / ؟!
- ۱۳۹- هَذِهِ / الْأَسْعَازُ / بِكُمْ / مِنْ / تُوْمَانٍ / خَمْسَةِ وَ سِتِّينَ / الْفَسَاتِينُ / أَلْفًا / تَسْعِينَ / إِلَى / تَبْدَأُ / تُوْمَانٍ / أَلْفًا / ؟!

ص كَمِّلْ هَذَا الْجَوَارَ مِنْ بَيْنِ الْقَوْسَيْنِ. (این گفت‌وگو را از میان پرانتز کامل کن.)

- ۱۴۰- کَمْ صَارَ (الْمَتَجَرِّ) ☐ الْمَبْلَغُ ☐؟ أَعْطِنِي بَعْدَ (التَّخْفِيفِ) ☐ التَّوَعُّةِ ☐ تَسْعِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ.

پاسخ سوالات امتحانی درس اول

۱. خودپسند - فخر فروش
۲. مغازه - ارزان
۳. صرفه جویی - مصرف کردن
۴. بازدارندگان - کار زشت
۵. ستون
۶. دشنام‌گو - خوار
۷. الْمُعْجَبُ بِنَفْسِهِ = الْمُخْتَال (خودپسند)
۸. إِسْرَعُ = حَيَّ (بشتاب)
۹. الْأَنْكَرُ = الْأَفْبَحُ (زشت‌تر، زشت‌ترین)
۱۰. نَهَى = مَنَعَ (بازداشت)
۱۱. إِغْفِرْ = أَعَفَ (بیمرز، ببخشی)
۱۲. الْمَوْعِظَةُ = النَّصِيحَةُ (پند)
۱۳. الْمَنْزِلُ = الْبَيْت (خانه)
۱۴. إِهْتَدَى ≠ ضَلَّ (راهنمایی شد ≠ گمراه شد)
۱۵. أَعْصَى ≠ إِزْفَعَ (پایین بیاور ≠ بالا ببر)
۱۶. إِبْتَعَدَ ≠ إِقْتَرَبَ (دور شد ≠ نزدیک شد)
۱۷. الْأَفْاضِلُ ≠ الْأَرَاذِلُ (شایستگان ≠ فرومایگان)
۱۸. حَسَنٌ ≠ سَاءَ (نیکی شد ≠ بد شد)
۱۹. أَلْغَالِي ≠ أَلْتَرْخِصُ (گران ≠ ارزان)
۲۰. أَلْخَيْرُ ≠ أَلْشَّرُ (خوب، خوبی ≠ بد، بدی)
۲۱. أَلْسُكُوتُ: سکوت کردن - سایر کلمات لباس هستند: (السَّروال: شلوار - أَلْقَمِصُ: پیراهن مردانه - أَلْفُسْتَانُ: پیراهن زنانه)
۲۲. أَلْخَشَبُ: چوب - سایر کلمات از فلزات هستند: (أَلَذَّهَبُ: طلا - أَلْفِضَّةُ: نقره - أَلْحَدِيدُ: آهن)
۲۳. أَلنَّمَاذِجُ: نمونه‌ها - سایر گزینه‌ها حیوان هستند: (أَلْحَمِيرُ: خرها - أَلتَّعَالِبُ: روباه‌ها - أَلذَّنَابُ: گرگ‌ها)
۲۴. أَلْمَرَجُ: با ناز و خودپسندی - سایر گزینه‌ها اعضای بدن هستند: (أَلْخَدُ: گونه - أَلْأَسْنَانُ: دندان‌ها - أَللِّسَانُ: زبان)
۲۵. أَلْفُنُونُ (هنرها)
۲۶. أَلسَّرَاوِيلُ (شلوارها)
۲۷. أَلْأَسْعَارُ (قیمت‌ها)
۲۸. أَلْجَبِرَانُ (همسایگان)

۶۱. سکوت کردن بهتر از سخن گفتن است، زیرا سکوت طلاست و سخن گفتن نقره است.
۶۲. والدین همیشه فرزندان را به کارهای نیک مانند یادگیری دانش‌های سودمند و نزدیک شدن به شایستگان راهنمایی می‌کنند.
۶۳. به راستی خداوند هر خودپسندی را دوست نمی‌دارد؛ بنابراین ما نباید بر دیگران تکبر ورزیم.
۶۴. و در راه رفتنت میانه‌رو باش و صدایت را پایین بیاور، زیرا بدترین صداها بی‌گمان صدای خران است.
۶۵. و بر آن چه (آسیبی که) بر تو وارد آمده بردباری کن، قطعاً این از کارهای مهم است.
۶۶. کتابخانه جندی شاپور در خوزستان بزرگ‌ترین کتابخانه در جهان قدیم بود.
۶۷. ای پسرکم، نماز را برای دار و به کار پسندیده فرمان بده و از کار ناپسند بازدار.
۶۸. مؤمن اهریمن را با خاموشی، خشمگین کرد و نادان را با سکوت کردن در برابرش کیفر داد (مجازات کرد).
۶۹. فروشنده به مشتری شلواری را به قیمت هشتاد و پنج هزار تومان داد.
۷۰. تو می‌توانی لباس‌های بهتری را از مغازه همکارم بخری.
۷۱. (۱) سودمندترینشان (أَنْفَعُهُمْ، اسم تفضیل است و با مضاف‌الیه آمده و به شکل صفت برترین ترجمه می‌شود).
۷۲. (۲) بهتر از (کلمه «خَیر» با حرف «مِنْ» آمده و اسم تفضیل است و به شکل صفت برتر ترجمه می‌شود).
۷۳. (۲) بهترین کار (کلمه «خَیر» با مضاف‌الیه آمده و اسم تفضیل است و به شکل صفت برترین ترجمه می‌شود).
۷۴. سخن (کلام) - صدایش (صَوْتَه) - خر (الْحِمَار) - تشبیه کرده است (قَدْ شَبَّهَ معادل ماضی نقلی فارسی است).
۷۵. بهتر، نیکوتر (أَحْسَنُ) - داناتر (أَعْلَمُ)
۷۶. داناترین (أَعْلَمُ؛ اسم تفضیل به همراه مضاف الیه است.) - خود، - ش (ضمیر «ه» که به اسم متصل شده است).
۷۷. پرورشی (تَرْبِیَّة) - فرهنگی (ثَقَافِیَّة)
۷۸. استخراج کن (فعل امر)
۷۹. آرزو می‌خواهم (فعل مضارع)
۸۰. نزدیک می‌شد (فعل ماضی استمراری)
۸۱. شکسته شد (فعل ماضی)
۸۲. عوض خواهد کرد، داد و ستد خواهد کرد (فعل مستقبل (آینده))
۸۳. به من بده (فعل امر با ضمیر متصل «ی»)
۸۴. یاد گرفتید (فعل ماضی)
۸۵. بیمارم (فعل امر)
۸۶. آرزو کرده است (ماضی نقلی)
۸۷. دیدار خواهیم کرد (فعل مستقبل (آینده))
۸۸. شنواترین (اسم تفضیل به همراه مضاف الیه)
۸۹. انبارها (اسم مکان)

۷۹. الْفَسَاتِین (پیراهن‌های زنانه)
۸۰. الْأَخْلَاق (خوی‌ها، اخلاق)
۸۱. الْأَسَاتِذَة، الْأَسَاتِیذ (استادان، معلم‌ان)
۸۲. الْأَفَاضِل (شایستگان)
۸۳. الْمَوَاعِظ (پندها، اندرزها)
۸۴. الْمَصَانِع (کارخانه‌ها)
۸۵. الْمَلَاعِب (ورزشگاه‌ها)
۸۶. الْمَوَاقِف (ایستگاه‌ها)
۸۷. الْمَفَاتِیح (چراغ‌ها)
۸۸. الْبَهِیمَة (چارپا)
۸۹. الْعَبْد (بنده)
۹۰. الْعَمَل (کار، عمل)
۹۱. الرَّجُل (مرد)
۹۲. الصَّوْت (صدا)
۹۳. الْأَب (پدر)
۹۴. الْعِیْب (نقص، عیب)
۹۵. الْحِمَار (خر)
۹۶. الْوَلَد (فرزند)
۹۷. الْمَنْزِل (خانه)
۹۸. الْقَرِیب (خویشاوند)
۹۹. الشَّهْر (ماه)
۱۰۰. الْمِيزَان (ترازو)
۱۰۱. در قرآن کریم لقمان حکیم را می‌بینیم که پندهای ارزشمندی را به پسرش تقدیم می‌کند.
۱۰۲. و ما باید به [انجام] کارهای نیک، مشتاق و بر مشکلات و سختی‌ها شکیبا باشیم.
۱۰۳. پدر و مادر دوست دارند که فرزندان‌شان را در توجّه به ورزش و مطالعه کتاب‌ها ببینند.
۱۰۴. حکمت در قلب [شخص] فروتن ماندگار می‌شود، و در قلب [شخص] مغرور ستمکار زورمند ماندگار نمی‌شود.
۱۰۵. خداوند آرامشش را بر پیامبر خویش و بر مؤمنان فرو فرستاد.
۱۰۶. انسان باید مقابل استادانش و دوستانش و همسایگانش و خویشاوندانش و همه کسانی که اطرافش هستند، فروتن باشد.
۱۰۷. نباید صدایمان را بالای صدای کسی که با او سخن می‌گوییم بالا ببریم.
۱۰۸. بی‌گمان خداوند کسی را دوست دارد که از نماز در وقت خود نگهداری می‌کند (کند).
۱۰۹. و با تکبر رویت را از مردم برنگردان و در زمین شادمانه و با ناز و خودپسندی (خرامان) راه نرو.
۱۱۰. این سخن نمونه‌ای پرورشی است تا همه جوانان به وسیله آن راهنمایی شوند.

۹۰. دوست داشتنی ترین / سودمندترین (اسم تفضیل به همراه مضاف الیه)
۹۱. بهترین (اسم تفضیل به همراه مضاف الیه)
۹۲. کارخانه (اسم مکان)
۹۳. مهربان ترین، رحم کننده ترین (اسم تفضیل به همراه مضاف الیه)
۹۴. بهتر، خوب تر (اسم تفضیل؛ بعد از «خیر» حرف جر «من» آمده است و به شکل صفت برتر ترجمه می شود.)
۹۵. بدترین (اسم تفضیل به همراه مضاف الیه)
۹۶. ورزشگاه (اسم مکان)
۹۷. بهتر / ماندگارتر (بعد از «خیر / اَبْقَى» مضاف الیه نیامده است و به شکل صفت برتر ترجمه می شود.)
۹۸. فعل ماضی منفی - خشنود نکرد
۹۹. فعل مستقبل (آینده) - آموزش خواهم داد، یاد خواهم داد
۱۰۰. معادل ماضی استمراری - با هم آشنا می شدند
۱۰۱. فعل مضارع نهی - سفر نکن
۱۰۲. فعل امر - نیکی کن
۱۰۳. فعل مضارع مجهول - سپرده می شود
۱۰۴. العاقِل: مضاف الیه - صدَاقَة: مجرور به حرف جر
۱۰۵. الله: فاعل - نفساً: مفعول
۱۰۶. الشُّكُوتُ: مبتدا - فِضَّةٌ: خبر
۱۰۷. اَلْكَسْبُ: خبر - اَلْحَلَالُ: مجرور به حرف جر
۱۰۸. مَنْ: فاعل - اَلْغَيْبُ: مفعول
۱۰۹. حُسْنٌ: مبتدا - نصف: خبر
۱۱۰. بَعِثْتُ: فعل ماضی مجهول (فرستاده شدم)
۱۱۱. لَا يَظْلَمُونَ: فعل مضارع منفی مجهول (ظلم نمی شوند)
۱۱۲. سئِلَ: فعل ماضی مجهول (پرسیده شد)
۱۱۳. أثْقَلُ: اسم تفضیل (سنگین تر؛ بعد از آن حرف جر آمده؛ بنابراین با پسوند «تر» ترجمه می شود.)
۱۱۴. اَلْمَشْرِقُ - اَلْمَغْرِبُ: اسم مکان (مشرق، خاور - مغرب، باختر)
۱۱۵. خَيْرٌ: اسم تفضیل (بهترین؛ بعد از «خیر» مضاف الیه آمده است) - أَوْسَطُ: اسم تفضیل (میانه ترین؛ بعد از آن مضاف الیه آمده است)
۱۱۶. شَرٌّ: اسم تفضیل (بدترین؛ بعد از «شَرٌّ» مضاف الیه آمده است.)
۱۱۷. أَكْبَرُ: اسم تفضیل (بزرگ ترین؛ بعد از آن مضاف الیه آمده؛ بنابراین با پسوند «ترین» ترجمه می شود.) - اَلْمَكْتَبَةُ: اسم مکان (کتابخانه)
۱۱۸. أَعْلَمُ: اسم تفضیل (داناتر؛ بعد از آن حرف جر آمده، بنابراین با پسوند «تر» ترجمه می شود.) - اَلْمَطَاعِمُ (مفرد آن «اَلْمَطْعَمُ»): اسم مکان (رستوران ها)
۱۱۹. خَيْرٌ: اسم تفضیل (بهتر؛ بعد از «خیر» حرف جر آمده است.)
۱۲۰. مَطْبَخٌ: اسم مکان (آشپزخانه)
۱۲۱. هُوَ الَّذِي يَدْرُسُ. (او کسی است که درس می دهد): اَلْأُسْتَاذُ: استاد
۱۲۲. مِنَ الْمَلَابِسِ الطَّوِيلَةِ ذُو الْأَوَانِ مُخْتَلِفَةٍ. (از لباس های بلند دارای رنگ های مختلف): اَلْسُرُوَالُ (شلوار)

۱۲۳. هُوَ عَمُودُ الدِّينِ. (آن ستون دین است): اَلصَّلَاةُ: نماز
۱۲۴. صَوْتُهُ رَفِيعٌ جِدًّا. (صدایش بسیار بلند است): اَلجَمَارُ: خر
۱۲۵. ظَهَرُ الصُّبْحِ (آشکار شدن صبح): اَلْفَلَقُ: سپیده دم
۱۲۶. هُوَ حَيَوَانٌ مَكَّارٌ وَ كَذَّابٌ. (او حیوانی بسیار حیله گر و دروغگو است): اَلثَّغْلَبُ (روباه)
۱۲۷. هُوَ اِرْتِزَاقٌ مِنَ عَمَلِ الْخَيْرِ. (آن روزی خواستن از کار خوب است): اَلْكَسْبُ اَلْحَلَالُ: کار حلال
۱۲۸. هُوَ الَّذِي لَا يَزِي لَأَحَدٍ عَلَيْهِ حَقًّا. (او کسی است که برای کسی حقی را بر خود نمی بیند): اَلْمُسْتَيِدُّ: ستمگر

درک مطلب

پدران و مادران فرزندان شان را همیشه به کارهای شایسته، دور شدن از فرومایگان، نزدیک شدن به شایستگان، مطالعه کتاب ها و احترام به قانون راهنمایی می کنند. لقمان حکیم پندهای ارزشمندی را به پسرش تقدیم می کند و هر کسی می تواند از آن ها در پرورش فرزندان شان استفاده کند. به راستی خداوند کسی را که بر نماز در وقتش نگاهداری می کند، دوست دارد. ما باید مقابل دیگران فروتنی کنیم، پس امام کاظم علیه السلام فرموده است: حکمت در قلب [شخص] فروتن ماندگار می شود و در قلب [شخص] مغرور ستمکار زورمند، ماندگار نمی شود. به راستی خداوند هر خودپسندی را دوست نمی دارد.

۱۲۹. ما باید بر انجام نماز در وقتش نگاهداری کنیم. ☒
۱۳۰. حکمت در قلب [شخص] مغرور ماندگار می شود. ☒
۱۳۱. لقمان حکیم پندهای ارزشمندی را به پسرش تقدیم کرد. ☒
۱۳۲. نزدیک شدن به فرومایگان کاری پسندیده (مورد قبول) است. ☒
۱۳۳. نباید از قانون پیروی کنیم. ☒
۱۳۴. أَنَا بِخَيْرٍ. (من خوبم)
۱۳۵. عُمَرُ يَسْتَعِ عَشْرَ عَامًا. (ستم شانزده سال است. (شانزده ساله ام.))
۱۳۶. إِسْمِي مُحَمَّدٌ. (اسم من محمد است.)
۱۳۷. أَنَا مِنْ مَدِينَةِ نَوْرٍ. (من از شهر نور هستم.)
۱۳۸. أَيُّ الْأَوَانِ عِنْدَكُمْ؟ عِنْدَنَا كُلُّ لَوْنٍ. (چه رنگ هایی دارید؟ هر رنگی داریم.)
۱۳۹. بِكَمْ تَوْمان هَذِهِ الْفَسَاتِينُ؟ تَبْدَأُ الْأَسْعَاةُ مِنْ خَمْسَةٍ وَ سِتِّينَ أَلْفًا إِلَى تِسْعِينَ أَلْفَ تَوْمان. (این پیراهن های زنانه چند تومان است؟ قیمت ها از شصت و پنج هزار شروع می شود تا نود هزار تومان.)
۱۴۰. الْمَبْلَغُ - التَّخْفِيزُ: ترجمه گفت وگو: «مبلغ چند شد؟ بعد از تخفیف، نود هزار تومان بده.»